



دهه هشتادی‌ها یا نسل زد



۹

دکتر فاطمه نوری راد
مدیر گروه مطالعات کودکی انجمن
ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات
هویت مقاومت



۴

مصاحبه با حمیدرضا عسکریان
فارغ التحصیل دوره چهارم
مدرسه مفید و مدیر کانون توحید
از جبهه به مدرسه



۱۷

مصاحبه با محمدعلی مهرآزما
مدیر دبستان پسرانه مفید قلعهک
تربیت برای زمانه‌ای دیگر



محمدرضا حشمتی معلم مدارس مفید

۱۵ من معلم و نسل امروز

میزگردی با موضوع نسل زد

۲۱ درک
مرحمت فرموده ما را ~~ببین~~ کنید

سینا ملکیان مدیر مرکز نوآوری مفید

۳۲ توانمندسازی در حوزه خلاقیت و تفکر

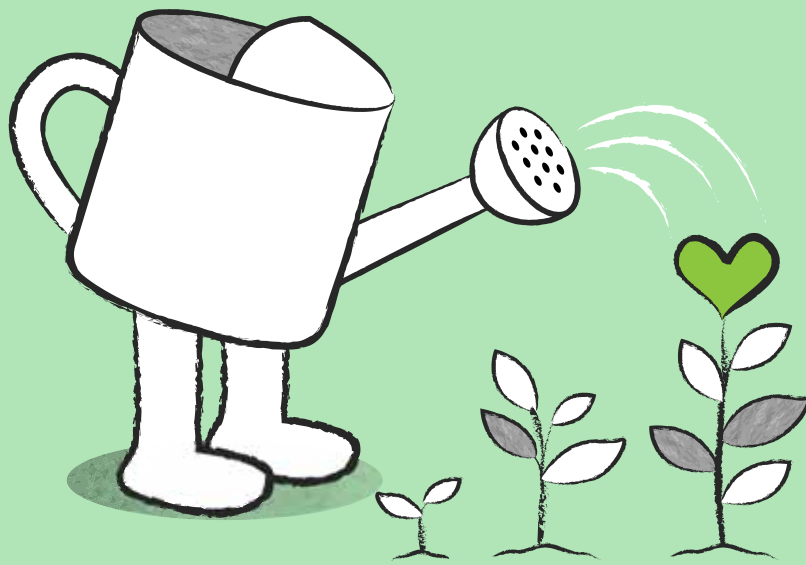


× × ×



لزوم تغییر سیستم آموزشی
متناسب با ویژگی‌های این نسل





رسولُ اللهِ ﷺ:

اوصيكم بالشُّبَّانِ خَيْرًا فَإِنَّهُمْ أَرْقُ أَفْئِدَةً إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي بِشِيرًا وَنَذِيرًا؛

شما را به نیکی با جوانان سفارش می کنم، چرا که آنان، دل های رقیق تری دارند، به راستی که خداوند، مرا بشارت دهنده و هشدار دهنده برانگیخت.



مجموعه موارید مفید

انتم از حرم

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: دکتر فخرالدین دانش آشتیانی
سر دبیر: سیدحسام الدین موسوی نیا
دبیر تحریریه: طوبی پروین
ویراستار: دکتر سعیده باقری
طراح گرافیک و صفحه آرایی: رسول محمدی
عکس: مرتضی کیانفر، امین فتح الله زاده، الهام شیبانی

با تشکر از: دکتر فاطمه نوری راد، مهندس حمیدرضا عسگریان

همکاران تحریریه وفنی: محمدرضا حشمتی، سید سجاد حسینی، پروانه مجیدیان، سیده نسترن دریاباری، صبا سعادت، مروراید پروین

همکاران مدارس: سید رضا معصومی نژاد، محمدرضا دهقانی، سینا ملکیان، محمدعلی مهرآزما، امیرمنصور بابایی، مهسا قربانی، هاجر مقیم خان، مقدادسلطانی، هویار ایمانی، ایمان رحمانیان، علی دانش پرور

نشانی: خیابان ولی عصر، پایین تر از میدان ونک، روبروی گاندی ۱۲، ساختمان خورشید، طبقه هفتم
تلفن: ۰۲ - ۸۸۶۷۹۸۸۰

آرای مندرج در مطالب نشریه، ضرورتاً بیانگر رای و نظر مسئولان مجتمع آموزشی نیست.



آیت الله العظمی موسوی اردبیلی
 بنیانگذار مدارس مفید:

الآن به حمد الله مدارس مفید، چند هزار فارغ التحصیل دارند. اینها اکثراً در هر کجا که هستند، در هر رشته‌ای که درس خوانده‌اند، آدم‌های مفید، خادم، سودمند و مومنی هستند. اگر خداوند در روز قیامت از من بپرسد به شما این قدر عمر دادیم، امکانات دادیم، توفیق دادیم، با اینها چه کار کردی؟ من هر چه فکر می‌کنم، دستم خالی است. تنها چیزی که برای من امید بخش است، همین مدارس مفید و دانشگاه مفید است.



۹

دکتر فاطمه نوری راد
 مدیر گروه مطالعات کودکی انجمن ایرانی
 مطالعات فرهنگی و ارتباطات
هویت مقاومت



۴

مصاحبه با حمیدرضا عسگریان
 فارغ التحصیل دوره چهارم
 مدرسه مفید و مدیر کانون توحید
**از جبهه
 به مدرسه**

۱۷



مصاحبه با محمدعلی مهرآزما
 مدیر دبستان پسرانه مفید قلعهک

**تربیت برای
 زمانه‌ای دیگر**

۱۲



سید رضا معصومی نژاد
 مدیر دبیرستان دوره دوم مفید قیطریه

**یادگیری
 به روش نسل Z**



۲۸

مصاحبه با مهسا قربانی
 دبیر مطالعات اجتماعی پایه هفتم
**نسل انتخابگر،
 نسل هوشمند**



۲۵

مصاحبه با هاجر مقیم خان
 مدرس سواد رسانه و راهبر
 متوسطه دوره دوم دخترانه مفید
نسل اپلیکیشنی

نسل جهان دیده



آینده‌ساز این کشور و جهان خواهند بود، با این حد از متفاوت بودن و مطالبه‌گری، چه سرنوشتی را برای خود و جامعه رقم خواهند زد؟

با این فاصله یا بهتر است بگوییم شکاف نسلی که به لطف توسعه ارتباطات، بیشتر و سریعتر از گذشته در حال وقوع است، شناخت صحیح نسبت به این نسل، برای بزرگسالان به ویژه کادر آموزشی و والدین بسیار ضروری بنظر می‌رسد.

در این شماره از نشریه خانواده مفید تلاش کردیم با توجه به اتفاقات و نامالایمات اخیر در سطح جامعه که عدم وجود فهم متقابل بین این نسل و نسل‌های پیشین را بیش از پیش نمایان کرد، بتوانیم با گفتگو و انتشار نقطه نظرات کارشناسان حوزه آموزش و نسل جوان، درک بهتری را برای آحاد مختلف جامعه به ویژه فعالان حوزه آموزش فراهم آوریم.

در این شماره برای نخستین بار در دوره جدید نشریه خانواده مفید، میزگردی با حضور دانش‌آموزان انعکاس یافته و تلاش شده است که با توجه به لزوم ایجاد آشنایی و درک بیشتر از این نسل، موضوع را از زبان خود نوجوانان دهه هشتادی نیز به بوته نقد و بررسی بسپاریم. شاید بهتر باشد از زبان خودشان بدانیم که آنها درباره خودشان و دیگریانی که آنها را قضاوت می‌کنند چه نقطه‌نظراتی دارند.

در این شماره از نشریه خانواده مفید به موضوع دهه هشتادی‌ها یا نسل زد پرداخته‌ایم. نسلی که تا چشم باز کرده کامپیوتر بوده و اینترنت، نسلی که تا چشم باز کرده موبایل بوده و پیامک و بولوئوت، نسلی که بیشترشان در خانواده‌های تک فرزندی رشد کرده‌اند و بجای حیاط و کوچه در اسارت فضای محدود آپارتمان بوده.

شاید برای ما این نسل همه‌امورشان از سبک و سیاق لباس پوشیدن تا ادبیات و لحن کلامشان، عجیب و غریب به نظر برسد. شاید بنظر می‌رسد که لذت جو و خوش گذرانند و وقت خودشان را صرف امور بیهوده می‌کنند و سطحی‌نگر هستند.

با گسترش ارتباطات و اینترنت، نوجوانان این نسل بیشتر از نسل‌های پیشین، دنیا دیده شده‌اند و خودشان را با دیگر همسن و سالان خود در خارج از مرزها مقایسه می‌کنند و به نوعی جهان وطن شده‌اند و برخلاف نسل‌های قبلی که اهل اجبار و اطاعت بودند، نسل اجماع و اقعاع هستند.

از آنجا که هنوز وارد اجتماع نشده و به سن مسئولیت اجتماعی نرسیده‌اند و یا بدلیل اینکه فرصتی در دنیای واقعی برای عرضه خود پیدا نکرده‌اند، مهم‌ترین محل بروز و ظهورشان فضای مجازی است و احترام به سبک و زندگی مختص خودشان برایشان از اهمیت بالایی برخوردار است و آن را از دیگران مطالبه می‌کنند.

بسیاری از افراد نگران و درگیر این پرسش هستند که این نوجوانان که زنان و مردان



سید حسام الدین موسوی نیا
سرمدبیر

از جبهه به مدرسه

مصاحبه با حمیدرضا عسکریان
فارغ التحصیل دوره چهارم مدرسه مفید و مدیر کانون توحید



از خود معلم‌ها مثل دکتر ظفرقندی و مرحوم کبریایی هم جبهه می‌رفتند.

اگر بخواهم از راهنمایی تا دبیرستان را تقسیم کنم، یک‌سال و نیم قبل از انقلاب بوده و دوم راهنمایی بودم که انقلاب شد. سال تحصیلی نصفه و نیمه بود و زود تعطیل شد. مدرسه ما در حالی که خیلی جاها تعطیل نمی‌کردند، زود تعطیل کرد و از حدود آبان تعطیل شدیم و با این که سن کمی داشتیم، در تظاهرات شرکت می‌کردیم و حتی مدارس دیگر می‌رفتیم شعار می‌دادیم که آن‌ها هم تعطیل بشوند. تا اسفندماه که بعد از ۲۲ بهمن مدرسه رفتیم و در زمان برگشتن به مدرسه مواجه شدیم با رفتن مسئولان و معلم‌های اصلی مدرسه که بیشترشان رفته بودن و سبمت گرفته بودند. ابتدای انقلاب مدرسه با این که شش کلاس بیشتر نداشت، از معلم و کادر خالی شد. مرحوم نجفی، پیش‌بین و خوشنویسان جاهای دیگر مسئولیت گرفتند و یک‌سری معلم‌ها حتی مثل آقای مظفری‌نژاد یا آقای موسوی رفتند و مواجه شدیم با یک‌سری معلم جوان و فضای انقلابی که بچه‌ها هم انقلابی شده بودند و هر روز می‌خواستند تو کوچه و خیابان باشند. سوم راهنمایی هم بالطبع همان طوری شد که علاقه بچه‌ها به مدرسه زیاد شده بود و بچه‌ها صاحب مدرسه شده بودند. در فضای انقلابی مدرسه دیگر آن ابهت خودش را از دست داده بود. وقتی آمدیم دبیرستان، دو دسته بودیم. یک دسته از راهنمایی بودیم و یک سری جدید آمده بودند. هم‌کلاسی‌هایمان به ما می‌گفتند که تو حالات بچگی خودمان اول خودتان را جدا می‌کردید که مفیدی‌ها بیایند این طرف، ولی خیلی زود با هم قاطی شدیم. یک دلیلش هم این بود که دبیرستان ابهت خودش را نشان داد. بچه‌های آن زمان معلم‌ها را زیاد مسخره می‌کردند اما در دبیرستان این‌گونه نبود. آن موقع آقای رفیعی بزرگ مدرسه ۲۷ساله بود. مدیر و مسئول مدرسه، آقای دانش، ۲۵ساله بود. آقای ظفرقندی ۲۲ساله بود. آقای روایی و آیت‌اللهی ۲۱ساله بودند. با این حال تعداد زیادی از بچه‌ها این احترام به معلم را از مدرسه پذیرفته بودند.

معلم هندسه ما تازه دیپلم گرفته بود اما مدرسه کم‌کم جای خودش را در میان قشری مثل خود ما باز کرد. آن زمان ما گزینش نداشتیم. از نظر درسی هم نداشتیم. من را با یک تلفن ثبت‌نام کردند. ورودی دبیرستان آزمون نداشتیم. حتی از بیرون افرادی بودند که ضعف شدید درسی داشتند. آخر سال دوسه نفر زیر معدل ده شدند. به‌لحاظ مسائل مذهبی و انقلابی هم

■ در ابتدا لطفاً خودتان را معرفی کنید و از دوره تحصیلی خودتان در مفید بگویید.

من حمیدرضا عسکریان دوره چهارم مدرسه مفید هستم. من از راهنمایی در مفید بودم. زمانی که آمدم دبیرستان، در واقع روز اول دبیرستان، جنگ شروع شد. سال ۵۹ و دوره یک آن زمان سال چهارم دبیرستان بودن. اولین دوره‌ای بود که دبیرستان فارغ‌التحصیل داشت. قبل از آن زمان آن‌هایی که راهنمایی بودند، به دلیل اینکه دبیرستان نداشتیم، رفتند جای دیگر. آقای دکتر موسوی مدیرعامل مکتب و برادر بزرگم هم همین‌طور.

به هر حال دبیرستان ما با جنگ شروع شد و چهار سالی که در دبیرستان بودم، هر چهار سال در جنگ بود. روز اولی که بعد از ظهر مدرسه بودیم و زنگ خورده بود که تعطیل بشویم، صدای هواپیما می‌آمد و صداهای عجیب و غریب و بعد صدای انفجار و کم‌کم روزهای بعد متوجه شدیم که جنگ شروع شده و از آغاز تا پایان دوره دبیرستان من جنگ ادامه داشت. به همین دلیل اگر بخواهم به نکته مثبتش اشاره کنم، جزو مدارسی بود که بچه‌ها خیلی جبهه رفتند علی‌رغم اینکه مدرسه یک مقداری مخالفت می‌کرد، اما در مجموع مدرسه همراهی می‌کرد. تعداد شهدای دانش‌آموز مفید هم خودش نشان دهنده این موضوع است. هر چه گذشت تعداد دانش‌آموزانی که به جبهه می‌رفتند بیشتر بود و شاید نکته مثبتش همراهی با انقلاب و جنگ بود که تعدادی

آن زمان بچه‌ها خیلی راحت رنگ‌وبوی مدرسه را می‌گرفتند. سال سوم دبیرستان بودم و همان سال در راهنمایی معلم سرود بودم. من ظهر وقت ناهار از دبیرستان می‌رفتم راهنمایی و با بچه‌ها سرود کار می‌کردم و برمی‌گشتم. در دبیرستان بچه‌ها در اوج کارهای پرورشی بودند. مثلاً آقای حناچی که دانش‌آموز سال چهارم دبیرستان بود، معلم سرود ما اول دبیرستانی‌ها بود. یادم هست یک بار رفتم دیدم روی تخته چیزی نوشته بودند و تذکر دادم که رعایت بیت‌المال را نکنید. بچه‌ها به این حرف‌ها گوش می‌دادند. می‌دانستند که خودم دانش‌آموز هستم. در حالی که بعدها خیلی به این موارد اعتنا نمی‌کردند که مال بیت‌المال چیست یا بحث قلب که این کار را نکنید. آن موقع خیلی راحت‌تر می‌پذیرفتند که حتماً جو جامعه هم بوده و صرفاً دلایل پول نیست. این تفاوت‌ها هست و قاعدتاً یک سری رشدهایی داشته. در زمان قدیم ممکن است خطاهایی مانند چیدمان کلاس‌ها بوده باشد که بعدها اصلاح شد. بعداً که خودم معلم شدم، اشکالاتش را می‌فهمیدم.

پدر شهید شیرازی که هم‌سن پدر من بود، اولیا از



تشییع جنازه مسعود پسر آقای عموزاده سرابدار خدمت‌مدرسه - شیرزنی که کنار همسرش می‌بینید مادر مسعود است که خود پاره‌تنش را تشییع می‌کند

”

**زمانی بود که سفر بازدید از جبهه‌ها
یا کاروان راهیان نور نبود و ما جزو
اولین‌ها بودیم که اردوهای راهیان نور
را برای بچه‌ها راه‌اندازی کردیم و عید
بچه‌ها را می‌بردیم بازدید جبهه. من تازه
معلم شده بودم و بچه‌ها و خانواده‌ها هم
استقبال می‌کردند**

کسانی بودند که رعایت نمی‌کردند، اما فضای جامعه طوری شد که مثلاً معلم‌ها در سال اول از نظر ظاهری متفاوت شدند و ریش گذاشتند. نه به‌خاطر اجبار مدرسه؛ بلکه برای فضای جامعه این تغییرها ایجاد شد. مثلاً سال اول درگیری داشتیم که: «لباس آستین کوتاه نپوشید.» اما سال بعد بچه‌ها خودشان نمی‌پوشیدند. بعد هم فضای جامعه رفت به سمت فضای جنگی.

دوره اولی که فارغ‌التحصیل شد، اردوهای جهادی که اصلاً تا آن زمان در کشور نبود را شروع کردند. آقایان استاد باقر، حناچی و سعید امین، کسانی بودند که رفتند قروه کردستان و اردوهای جهادی از آنجا شکل گرفت و بعد هم جبهه و از همان دوره‌های بالا شروع شد و یک‌سری رفتند جبهه و کم‌کم به دوره‌های پایین‌تر هم منتقل شد و در عملیات‌های بزرگ بودند. این فضایی بود که تا پایان دوره تحصیل ادامه داشت. کسانی که اینجا بودند، به بچه‌هایی که از جبهه می‌آمدند کمک درسی و تحصیلی می‌کردند.

■ چه تعداد از دانش‌آموزان مفید بودند که جبهه رفته بودند؟

تو فضای دانش‌آموزی کم بود اما سال ۶۵ که ما دانشجو بودیم، شاید در مقطعی نصف دوره هم تهران نبودند. یادم هست که حتی سر جلسه هفتگی می‌گفتم که باید جلسات برگزار نشود چون خیلی‌ها نیستند تهران. دوره‌های هفت و هشت که دانش‌آموز بودند و سال ۶۵ هنوز دانشجو نشده بودند. اگر به شهدا نگاه کنید مربوط به آن زمان بود که شهدای دانش‌آموز زیاد شد.

■ چه تفاوت فضایی بین مفید آن زمان و الان می‌بینید؟

در حال حاضر که آشنایی ندارم اما بین سال‌های ۷۰ تا ۷۶ که در مفید کار کردم، مدرسه شده بود غیرانتفاعی. قبل از انقلاب هم مدرسه ملی بود و پول می‌دادیم. مثلاً قبل از انقلاب تغذیه رایگان نمی‌دادند و پول می‌گرفتند و خود مدرسه میوه می‌داد. نمی‌توانستند بگویند که تغذیه شاه را نمی‌خواهیم بدهیم. بابت شهریه و ناهار و سرویس پول می‌گرفتند. بعد که انقلاب شد، مدارس همه شدند دولتی در یک مقطعی. با این وجود در سال چهارم دبیرستان مدرسه فکر می‌کنم نفری سه‌هزار تومان گرفته بود. اما از من که از جبهه آمده بودم، نگررفتند. اما آن موقع سه‌هزار تومان قابل توجه بود. بعد هم اسم غیرانتفاعی و شهریه‌ها مطرح شد. فکر کنم آخرهای دوره‌ای که من در مفید کار می‌کردم، شهریه به صدوده‌هزار تومان رسیده بود که نسبت به مدارس دولتی زیاد بود. زمانی بود که سفر بازدید از جبهه‌ها یا کاروان راهیان نور فعلی نبود و ما جزو اولین‌ها بودیم که اردوهای راهیان نور را برای بچه‌ها راه‌اندازی کردیم و عید بچه‌ها را می‌بردیم بازدید جبهه. من تازه معلم شده بودم و بچه‌ها و خانواده‌ها هم استقبال می‌کردند.

■ اگر اردوهای راهیان نور را نتوانیم به‌طور قطع

بگوییم اولین در کشور بوده، اما در اردوهای جهادی مفید اولین بوده؟

بله. بچه‌ها را برده بودیم سفر راهیان نور، نه تنها از مدارس دیگر بلکه افراد بالاتر از سن دانش‌آموزی هم برای اردوهای بازدید از جبهه نبودند. اولین دوره که مشاور شدم، دوره ۱۸ بودند که اردوهای بازدید از جبهه راه‌اندازی شد و یادم نمی‌آید که دوره‌های قبل‌تر هم داشتند یا نه.

دوره ۱۸ متولدین ۵۸ و ۵۹ که بعد از انقلاب به دنیا آمدند و حدود سال ۷۳ و ۷۴ بود که این اردوها شروع شد.

یادم هست راهنمایی‌ها را برده بودیم آبادان برای بازدید از جبهه‌ها، دبیرستانی‌ها آمده بودند برای اردوی جهادی. ابتدا اردوی بازدید جبهه بود و بعد دبیرستانی‌ها اردوی جهادی داشتند.

تفاوت‌هایی بین فضای مدرسه یا جامعه در دوره‌های مختلف زمانی وجود دارد.

برگشته بودم. عملیات خیبر بود. حدوداً هفده ساله بودم. همراه با شهید سعید امیری مقدم که یک دوره از ما پایین تر بود، با هم رفتیم جبهه. آن روز بچه‌ها توی حیاط مدرسه برای بدرقه ما آمده بودند و خیلی لذتبخش بود برای ما. خلاصه رفتیم جبهه و عید شد. توی چادر نشسته بودیم، آجیل داده بودند از این کمک‌هایی که می‌آوردند جبهه. کیسه آجیل را باز کردم و یک ورقه نامه بود. نامه را باز کردم دیدم که از مدرسه مفید آمده است. سعید هم دید برای او هم از مدرسه مفید نامه آمده. ۱۵ نفر توی چادر بودند. دیدیم همه نامه‌ها از مدرسه مفید آمده. خلاصه شیطنت ما گل کرد و رفتیم کل گردان همه نامه‌ها را جمع کردیم. به‌طور اتفاقی تمام نامه‌های مدرسه آمده بود توی گردان ما. بچه‌های دانش آموز نامه نوشته بودند برای رزمده‌ها و اتفاقی به دست ما رسیده بود. توی آن نامه‌ها دو تا خیلی نامه‌های خوبی بود. شهید شیرازی و آل بویه دوره‌های پنج و شش. عید ۶۳ بود. این‌ها ۶۵ آمدند جبهه و شهید شدند. در فضای آن موقع آن دو تا نامه خیلی جالب بود برای ما. سال ۶۵ ما اهواز بودیم. شهید شیرازی آمد آن جا پیش ما و عصر که خواستند بروند، لحظه آخر یک پاکت گذاشت توی دست من تا خواستم ببینم چی هست، ماشین رفته بود. دیدم بسته شده و وصیت‌نامه است. وصیت‌نامه را آمد تهران و خانه گذاشتم ولی باز نکردم. یک بار دیگر رفتیم مگری که آن‌ها بودند. کربلای ۵ مرحله اولش تمام شده بود و من به شیرازی خبر شهادت رمضان زاده را دادم که وقتی بهش گفتم، خیلی گریه کرد. شاید بار اولش بود که می‌آمد جبهه زیاد نیامده بود و چند روز بعد هم خودش شهید و مفقود شد و جنازه را سال‌ها بعد آوردند. خبرش که آمد، من خانه بودم. دیگر طاقت نیاوردم و وصیت‌نامه را باز کردم و خودم اول خواندم، بعد بردم دادم خانواده‌اش.



اردوی بازدید از جبهه ساحل اروندرود عید ۱۳۷۴

حضور ایشان آرامش داشتند. اردو می‌خواستیم برویم، می‌پرسیدند که آیا حاج آقا در کنار کادر جوان مدرسه هست یا نه؟ همان زمان ما هم بود که سالی یک بار اردو می‌بردند. اردوهای تشویقی تابستان. حتی زمان ما هم بود اما به‌خاطر جبهه نمی‌توانستیم برویم.

■ خاطره خاصی از دوره تحصیل در مفید دارید؟

شهید شدن هم مدرسه‌ای‌ها و همکلاسی‌ها فراموش شدنی نیست. اگر مسئله شخصی خودم را بخواهم بگویم، سال چهارم، مدرسه شهرپور شروع شد. من آبان از جبهه آمدم و نزدیک سه ماه دیرتر آمدم. آقای دانش آن موقع مشاور چهارم بود و سه تا امتحان سوم من هم مانده بود و گفت: «باید از مدرسه بروی. برای خودت می‌گویم و سخت است. الان چند ماه نبودی.» من شش سال آن جا بودم و با تصور اینکه جبهه بودم و باید بهتر برخورد می‌کردند، خیلی به من برخورد و از آن طرف هم آدمی نبودم که به هر قیمتی هم قبول کنم. حرف‌های خودم را زدم اما نتیجه نداد و حتی مدرسه تزکیه را معرفی کردند. آقای دانش گفت بعد از ظهرها که آن جا زودتر و حدود ساعت دو تعطیل می‌شوید بیا اینجا. دکتر زینعلی که یک سال از من بزرگ‌تر بود و فارغ‌التحصیل شده بود، یادم هست می‌آدم شیمی را با ایشان می‌خواندم که امتحانم را بدهم. یک هفته تا تعطیل می‌شدم، از مدرسه می‌آدم مفید. دلم این طرف مفید بود. همه رفیق‌هایم اینجا بودند. بعد از یک هفته یک روز بعد از ظهر که آمده بودم درس بخوانم، آقای دانش من را صدا کرد و گفت حالا اگر می‌خواهی برگردی، برگرد. حالا نمی‌دانم تصمیم از اول بود یا نه. من هم از خدا خواسته فقط رفیق‌هایم را می‌دیدم و پا شدم آمدم. اتفاقاً مصادف شد با مسابقات فوتبال مدرسه. تا آن سال نتوانسته بودیم اول بشویم. آن سال اول شدیم. همان سال اسفند با کمال پروری رفته جبهه با اینکه با این سختی

■ در مورد سوابق و تجربه‌های شغلی خودتان بفرمایید و فکر می‌کنید تأثیر تحصیل در مفید در جهت‌گیری شغلی شما چقدر تأثیرگذار بود؟

من بچه که بودم از من می‌پرسیدند: «چه کاره می‌خواهی بشوی؟» من می‌گفتم: «یا معلم یا مهندس.» اول فکر می‌کردم هر کس خانه می‌سازد، مهندس می‌شود. پدرم هم معلم بود و یک دلیلی که در دوران بچگی معلمی را می‌گفتم، همین بود. بعد در زمان کنکور دوازده تا رشته می‌توانستیم انتخاب کنیم. آن موقع کنکور دوم‌حله‌ای بود؛ مرحله اول تستی بود و بعد در مرداد یا تیر مرحله تشریحی برگزار می‌شد. سال ۶۳ ما دومین ورودی دانشگاه بعد از انقلاب بودیم. دوازده رشته را هم در مرحله دوم هم‌زمان و در همان جلسه امتحان باید تحویل می‌دادیم نه اینکه بعداً تعیین رشته کنیم و خیلی بی‌خود بود. از بین دوازده رشته، یازده تا عمران و یک رشته کامپیوتر هم انتخاب کرده بودم. ذهنیت من این بود که هیچ‌وقت شغل دولتی انتخاب نخواهم کرد. در واقع مهندسی خواندم ولی معلم شدم. شاید اتفاقی که برای پای من افتاد و به‌دلیل مجروحیتیم درس دانشگاه طول کشید، باعث شد سراغ مهندسی نروم. فعالیت‌های تدریس در مساجد و بعد تدریس سرود در زمانی که دانش‌آموز بودم شاید عواملی بود که جذب معلمی شدم. البته از قبل تعدادی از فارغ‌التحصیلان جذب مدرسه برای تدریس می‌شدند. من نسبت به دیگران شاید دیرتر جذب معلمی شدم. سال ۶۳ دیپلم گرفتم و سال ۷۰ بود که در مفید شروع به کار کردم. البته پاره‌وقت کار کرده بودم اما این که ساعت زیادی وقت بگذارم، نبود. شاید یک دلیل ماندنم این بود که برحسب اتفاق با تدریس شروع کردم و دومین سال شدم معاون آموزشی و بعد معلم راهنما و بعد مدیر داخلی. در شش‌سالی که آنجا بودم، این‌ها خیلی به‌سرعت اتفاق افتاد. بعد هم که از مفید آمدم بیرون، میزان راه‌اندازی کردیم. قاعدتاً خود معلم‌ها و فارغ‌التحصیلان که جذب شغل معلمی بودند، تأثیرگذار بودند.

کدام دانشگاه تحصیل کردید؟

دانشگاه شیراز قبول شدم. ترم بهمن یکی از هم‌کلاسی‌های دبیرستان خودم که یک شیرازی



کادر مدرسه راهنمایی مفید - اردوی بازدید از جبهه عید ۱۳۷۵



تصویر مربوط به اوایل دهه ۶۰ از مدرسه راهنمایی ایوان مشرف به حیاط - پیش نماز آقای بیاتانی معاون مدرسه

در کلاسشان بود به من گفت که هم کلاسی اش اینجا برایش سخت است و می خواهد برگردد شیراز. آن موقع جابه جایی راحت بود و من جای او آمدم تهران و دانشجوی دانشگاه علم و صنعت شدم.

■ با توجه به اینکه ارتباط زیادی با فارغ التحصیلان مفید دارید، ارزیابی شما از ظرفیت فارغ التحصیلان مفید چیست؟ به نظر شما چرا از این ظرفیت به طور کامل استفاده نشده است؟

برداشت من این است که از منظر سیاسی معلمان ما این هدف را نداشتند ولو اینکه خودشان به نسبت سیاسی بودند. انتخابات دوره دوم و سوم مجلس، آقای رفیعی و مظفری نژاد کاندیدا بودند و ما برای آن ها تبلیغ می کردیم. اما این طور نبود که فضای مدرسه را ببرند به سمت کار تشکیلاتی. یکی از خصوصیات مدرسه در آن زمان این بود که کسی مثل آقای شکوری شاگرد اول بود و در کارهای فوق برنامه هم حرف اول را می زد. آن زمان در مدرسه معاون پرورشی نداشتیم و دانش آموزان خودشان این کارها را انجام می دادند. حتی از معاون پرورشی هایی که بعداً به کادر مدرسه اضافه شدند هم قوی تر کار می کردند. به طور کلی مدرسه بنای کار تشکیلاتی نداشت.

این ارتباط هم بین بخش های وابسته به مکتب وجود ندارد. من تا حالا نشنیده ام که فارغ التحصیل مدرسه مفید وارد دانشگاه مفید شده باشد. الان چندین سال هست که دبیرستان علوم انسانی در مفید داریم و نمی دانم به دانشگاه مفید می روند یا نه.

با حضور و مسئولیت من در کانون توحید به عنوان فارغ التحصیل مفید و دوستی قدیمی با برخی از مدیران مدارس مانند آقایان میرقاسمی و افصح، ارتباط بین کانون توحید و مدارس بهتر شد اما اتفاق ویژه ای نیفتاد و در حد برگزاری جشن فارغ التحصیلی دانش آموزان و برگزاری جلسات گروه های جهادی بوده است.

مفیدی ها خیلی مدرسه راه اندازی کرده اند. خود ما به اعتبار مفید میزان را راه انداختیم. ما ابتدای تیر اعلام موجودیت کردیم و در همان سال اول مرحوم دعایی اسم مؤسسين مدرسه و سوابق آن ها را در روزنامه اطلاعات منتشر کرد و در همان سال سه تا کلاس و بالای صد نفر با گزینش ثبت نام کردیم. یا آقای سعیدنیا مدرسه رافع را راه اندازی کردند. خیلی ها هم اعتقاد دارند که مفیدی ها با هم نمی توانند کار بکنند اما با دیگران و غیر مفیدی ها خوب کار کرده اند.

یادم هست آقای ابوالفضل موسوی وقتی مجلس بود، یک جمع نزدیکی را دور خودش جمع کرد و برای انتخابات بعدی دعوت کرد. همه متفق القول مخالفت کردند و نخواستند ورود کنند به این مسائل. آن زمان که ما عاشق همه چیز این مملکت بودیم، به دلیل تربیت خانوادگی یا مدرسه در ذهن ما این بود که باید از قدرت دوری کرد.

فکر می کنم فارغ التحصیلان مفید در مدارس و حوزه آموزش کارنامه به نسبت موفق تری دارند. مدارس میزان و رافع را خود مفیدی ها راه اندازی کردند و در مدرسی مانند سروش در راه اندازی خیلی کمک کردند. مدرسه معلم را مفیدی ها راه اندازی نکردند اما با مفیدی ها پا گرفت. یا خود مفید با حضور فارغ التحصیلان توسعه پیدا کرد و الان از یک مدرسه به ۱۴ مدرسه رسیده است.



دوره اولی که فارغ التحصیل شد، اردوهای جهادی که اصلاً تا آن زمان در کشور نبود را شروع کردند. آقایان استاد باقر، حناچی و سعید امین، کسانی بودند که رفتند قروه کردستان و اردوهای جهادی از آنجا شکل گرفت

● گفت‌وگو

● دهه هشتادی‌ها یا نسل زد

نسل بی‌آرمان، نسل کتاب‌نخوان، نسل غیرسیاسی، نسل بی‌تفاوت، نسل پیشرو و بسیار باهوش، نسل گیم و بازی‌های اینترنتی، نسل شلوغ کار و پرهیاهو و ... این‌ها تنها بخشی از برچسب‌هایی است که به متولدین دهه هشتاد زده می‌شود. اما به راستی دهه هشتادی‌ها چه کسانی هستند؟ چه ویژگی‌های رفتاری و گفتاری دارند؟ چرا چنین هستند؟ تفاوت‌شان با نسل‌های پیشین چیست؟ آیا انتظارات نسل‌های پیشین از آن‌ها درست است؟ نگاه واقع‌بینانه به این نسل چیست و برای مواجهه سالم و مثبت و ایجابی، میان نسل‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی چه باید کرد؟ اینها سؤالاتی است که تلاش کرده‌ایم گفتگوهای انجام شده با کارشناسان و فعالان حوزه آموزش و حتی خود این نوجوانان در این شماره از نشریه خانواده مفید در شکل‌گیری درک و فهم صحیح از این نسل تاثیرگذار باشند.



هویت مقاومت

دکتر فاطمه نوری راد

مدیر گروه مطالعات کودکی انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات



یکی از ویژگی‌های مهم دهه‌هشتادی‌ها یا نسل زد این است که وقتی ما از این نسل یا دهه یاد می‌کنیم، یعنی از تعبیرهایی مثل دهه‌هشتادی یا نسل زد صحبت می‌کنیم، در واقع داریم این‌ها را بر اساس نظریات نسلی تعریف می‌کنیم. در نظریات نسلی، موارد متفاوتی برای دسته‌بندی وجود دارد. البته این را هم بگویم که شاید این دو تعبیر نسل زد و دهه‌هشتادی‌ها دقیقاً هم با هم هم‌خوانی نداشته باشند. وقتی از نسل زد حرف می‌زنیم، در واقع بچه‌ها یا یک گروه از افراد را بر اساس نوع قالب مصرف رسانه‌ای آن‌ها طبقه‌بندی می‌کنیم.

■ دهه‌هشتادی‌ها یا نسل زد از نظر شما چه تعریفی دارد؟

یکی از ویژگی‌های مهم دهه‌هشتادی‌ها یا نسل زد این است که وقتی ما از این نسل یا دهه یاد می‌کنیم، یعنی از تعبیرهایی مثل دهه‌هشتادی یا نسل زد صحبت می‌کنیم، در واقع داریم این‌ها را بر اساس نظریات نسلی تعریف می‌کنیم. در نظریات نسلی، موارد متفاوتی برای دسته‌بندی وجود دارد. البته این را هم بگویم که شاید این دو تعبیر نسل زد و دهه‌هشتادی‌ها دقیقاً هم با هم هم‌خوانی نداشته باشند. وقتی از نسل زد حرف می‌زنیم، در واقع بچه‌ها یا یک گروه از افراد را بر اساس نوع قالب مصرف رسانه‌ای آن‌ها طبقه‌بندی می‌کنیم. یعنی مشخص می‌کنیم بچه‌هایی که در این دهه بودند، نوع قالب مصرف رسانه‌ای‌شان فلان بوده است و لذا این ویژگی‌ها را دارند. ریشه این موضوع هم برمی‌گردد به جامعه‌شناسانی که معتقدند رسانه بر شناخت ما از واقعیت اثر دارد. همچنین بر رفتار و شخصیت ما اثر می‌گذارد. «محتوای رسانه» هم نه؛ نوع قالب رسانه‌ای که استفاده می‌کنیم، اثر دارد.

خب حالا بپردازیم به اینکه نوع قالب رسانه‌ای که این نسل استفاده می‌کند چیست و باعث شده این‌ها چه ویژگی‌هایی پیدا کنند؟ نوع قالب رسانه‌ای مورد استفاده این بچه‌ها، رسانه‌های تعاملی و اینترنت وب ۲ و فضاهایی

مثل شبکه‌های اجتماعی بوده است. اکثر فضاهایی که از اول تجربه کرده‌اند و به آن‌ها وارد شده‌اند، از بازی‌های کامپیوتری گرفته تا شبکه‌های اجتماعی، جزو رسانه‌های تعاملی بوده است. یعنی از وقتی خودشان را شناخته‌اند، از سنین کودکی، وارد این نوع رسانه‌ها شده‌اند و در آن دائماً در جایگاه فرستنده و بازخورددهنده قرار می‌گرفته‌اند و ارتباطاتی کاملاً افقی را تجربه می‌کرده‌اند.

خب این استفاده از این رسانه‌ها سبب شده است که این گروه سنی ویژگی‌های خاصی هم پیدا کنند. یکی از ویژگی‌ها این است که ساختار ذهنی این افراد بر اساس فهم روابط فراگردی شکل گرفته است. یعنی ذهن آن‌ها قدرت فهم رابطه از بالا به پایین یا سلسله‌مراتبی و عمودی را ندارد. این موضوع در نگاه اول ممکن است مسئله پیش‌پاافتاده‌ای به نظر برسد، اما ریشه خیلی از مسائلی است که ما آن را ناپهنجاری می‌دانیم، یا در جامعه با آن دچار مشکل شده‌ایم. به همین دلیل است که بچه‌ها اصلاً نمی‌توانند رابطه سلسله‌مراتبی عمودی را فهم کنند.

■ تفاوت ویژگی‌های نسل امروز با همین گروه سنی در دهه‌های گذشته چیست و آیا می‌توان این تفاوت‌ها را برای ایجاد ارتباط بهتر با آن‌ها تبدیل به فرصت کرد؟

به خاطر تغییراتی است که در این گروه سنی ایجاد شده است. خوب راه ارتباط بهتر با این گروه چیست؟ فهم هم‌دلانه آن‌ها. این فهم هم‌دلانه گزینه خیلی مهمی است. شکل دادن گفت‌وگو و دیالوگ با آن‌ها به معنی واقعی کلمه، یعنی اینکه ما گفت‌وگفت نداشته باشیم، گفت‌وشنود داشته باشیم؛ بشنویم؛ البته با شروط شنیدن، یعنی هم‌دلانه بشنویم. خودمان را جای آن‌ها قرار بدهیم. بدانیم که این‌ها نسلی نیستند که قرار است «بشوند»؛ یعنی هنوز بزرگسال نشده‌اند؛ این‌ها «هستند». این‌ها را باید به عنوان کسانی که هستند و دارای تفکر و فکر هستند، بشناسیم. اینطور باید به آن‌ها نگاه شود. آن وقت می‌شود دو طرف به یک توسعه مفهومی برسیم.

■ چه بخش‌هایی از جامعه بیشترین مسئولیت را در مواجهه و ایجاد ارتباط عقلانی و منطقی با این نسل دارد؟

حتماً خانواده، سپس نهادهای آموزشی و بعد جاهای دیگر. شاید اگر این‌ها بتوانند با نهادهای آموزشی ارتباط برقرار کنند و نهاد آموزشی بتواند با این‌ها به‌طور صحیح ارتباط برقرار کند، خیلی از مشکلات حل شود. چون الان سیستم آموزشی‌ای که داریم، ابداعاً متناسب با ویژگی‌های این نسل نیست و تغییر نکرده است. آموزش مخزنی و بانکی که کماکان در مدارس ما وجود دارد، در شرایط جدید محلی از اعراب ندارد.

همه اطلاعاتی که ما مجبور می‌کنیم این بچه‌ها حفظ کنند، اگر لازم باشد، با یک جستجوی اینترنتی در دسترس است. مهم‌ترین نکته ایجاد انگیزه و دغدغه برای فکر کردن آن‌هاست. چون یکی دیگر از ویژگی‌های این نسل، که باز هم تحت تأثیر فضای مجازی و رسانه‌های شکل گرفته، قدرت پردازش سریع‌تر و سطح اطلاعات بیشتر آن‌هاست. اما عمق اطلاعات و تمرکزشان روی موضوعات کم است و دلیل آن هم استفاده از رسانه‌های اجتماعی، بازی‌های کامپیوتری و امثالهم است. چون عمیق نشده‌اند و در زمان استفاده از اینترنت دائماً یا پیام فوری (notification) آمده است یا صفحات وب را بالاوپایین می‌کرده‌اند. این باعث شده است که یک تصویر پراکنده متناقض را کنار هم داشته باشند. لذا باعث شده خیلی از مواردی که برای نسل‌های قدیم متناقض است، برای اینها تناقض‌آمیز نباشد. فلذا بتوانند به‌عنوان مثال سه یا چهار موضوعی که از نظر ما تناقض دارد را کنار هم داشته باشند. دلیل این است که همان پردازش سریع‌تر و سطح اطلاعات بیشتر باعث شده است که این نسل، کم‌عمق باشند، قدرت تجزیه‌تحلیل و نقدشان هم پایین بیاید. این حلقه مفقوده‌ای است که آموزش‌وپرورش باید به آن‌ها بدهد؛ به‌عنوان بخشی که بیشترین مسئولیت را در مواجهه و ایجاد ارتباط عقلانی با آن‌ها دارد و جای آن کاملاً خالی است.

■ چالش نسل جدید در کدام کشورهای جهان بیشتر است و آیا کشوری با شباهت فرهنگی با ایران وجود دارد که کارنامه موفق‌تری در این زمینه داشته باشد؟

این چالش فقط چالش ما نیست؛ چالش همه کشورهای جهان است. اغلب کتاب‌هایی که در این زمینه نوشته شده و به شرح این موضوع می‌پردازند، مثل گاردنر که راجع به نسل اپلیکیشن‌های صحبت می‌کند یا مک‌لوهانی‌ها که راجع به تأثیرات اینترنت و شناختش حرف می‌زنند، از کشورهای غربی هستند. پس این چالش برای همه هست ولی من فکر می‌کنم برای ما عمیق‌تر است؛ چون ما هنوز از سنت به مدرنیته هم گذار نکرده‌ایم و حالا یک نسلی را داریم که حتی با نسل مدرن هم متفاوت هستند. یعنی ما در یک سو، نسلی را داریم که کاملاً سنتی هستند و نسل جدیدی که نه تنها مدرن نیستند بلکه جلوتر رفته‌اند و نسل زد یا نسل فرآپلیکیشن‌ها هستند. قطعاً باید تجربه همه کشورهای دیگر بازخوانی شود. به‌خصوص کشورهایی که برای این نسل فکر و برنامه‌ریزی کرده‌اند. خیلی از کشورها سال‌هاست که رشته تحصیلی راجع به این موضوع دارند؛ نسل پژوهی می‌کنند؛ در حقیقت درباره تأثیرات اینترنت کار می‌کنند. خانم سونیا لیونگستون از دانشگاه ال‌اس‌ای لندن، کتابی راجع به این موضوع نوشته است. در کانادا هم مکتبی در این خصوص وجود دارد. قطعاً نگاهی به تجربه‌های آن‌ها می‌تواند برای ما مفید باشد ولی باید نسخه خاص خودمان را داشته باشیم.

این که این نسل، ارتباطات عمودی را فهم نمی‌کنند و در آن فضا احساس آزادی نمی‌کنند، یک ویژگی دیگر هم برای بچه‌های این نسل به وجود آورده است. من می‌توانم این را به‌عنوان یکی از ویژگی‌های مهم این نسل بدانم. نسلی که ضد اداره‌شوندگی در تمام شئون هستند. یعنی اگر احساس کنند اداره می‌شوند، مقاومت می‌کنند و «هویت مقاومت» که مانوئل کاستلز می‌گوید را بروز و ظهور می‌دهند. برای همین خیلی از مخالف‌خوانی‌ها رفتارهایی است که از نظر ما نابهنجار هستند. خوانش‌هایی هم که از رفتار بقیه دارند، به‌دلیل نشان دادن حس ضد اداره‌شوندگی و استقلالشان است. حس استقلال را همیشه نوجوانان داشته‌اند ولی برای این نسل یک حالت تشدید شده دارد. پس اینکه نسل قدیم، فکر کند با راه‌های قدیمی‌تری که بچه‌ها را کنترل می‌کرده، یا خودش کنترل می‌شده، می‌تواند این‌ها را کنترل کند، این گروه‌های کور نسلی را ایجاد می‌کند.

■ چه مواردی در جامعه ما وجود دارد که این نسل را بیش از هم‌سن‌وسال‌های آن‌ها در دیگر جوامع می‌تواند معترض به وضع موجود کند؟

این بچه‌ها به‌زودی وارد بازار کار می‌شوند. در دانشگاه‌ها و جاهای مختلف اجتماع حاضر می‌شوند. شیوه‌هایی که الان در ادارات، دانشگاه‌ها و مدارس اجرا می‌شود، به‌صورت سلسله‌مراتبی است و رفتارهای نسل قدیم نیز به‌شدت کنترل‌گرایانه است. نسل قدیم باید بداند همین امر باعث بروز مشکلاتی می‌شود که نمونه‌هایش را در این حوادث اخیر هم دیده‌ایم. خیلی از افرادی که جزو نیروهای امنیتی بودند، بسیار تعجب می‌کردند که این نسل چقدر مقاوم‌تر هستند! چرا نمی‌ترسند؟ چرا نمی‌روند؟ این

”

نسلی که ضد اداره‌شوندگی در تمام شئون هستند. یعنی اگر احساس کنند اداره می‌شوند، مقاومت می‌کنند و «هویت مقاومت» که مانوئل کاستلز می‌گوید را بروز و ظهور می‌دهند. برای همین خیلی از مخالف‌خوانی‌ها رفتارهایی است که از نظر ما نابهنجار هستند. خوانش‌هایی هم که از رفتار بقیه دارند، به‌دلیل نشان دادن حس ضد اداره‌شوندگی و استقلالشان است

هر جایی از قرآن و آیات و روایات را می‌بینیم، روی این موضوع تأکید می‌کند. آیه قرآن هم هست که: «وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنَّصُورًا مِنْ حَوْلِكَ» یعنی: «اگر تندخو و خشن بودی، از دور تو فاصله می‌گرفتند.» برعکس این، نوعی تربیت مذهبی در خیلی از مدارس در گذشته بوده و به‌صورت خاطرات در اینترنت به‌وفور یافت می‌شود؛ تازه از بهترین مدرسه‌ها، به‌خاطر تأکید یک‌سویه خشک بر فقه و طردشدگی، خاطرات بد زیادی نوشته شده است که: «تو که لاک زدی، تو که اینجوری نماز خواندی، تو که این کار رو کردی، از دایره بیرونی.» و این حس ابداً نباید ایجاد شود. اول باید، دلی، معرفتی و محبتی ماجرا پیش برود، دوم اینکه روی اصول، اخلاق و معنویت باید تأکید شود چون معنویت حلقه گمشده این عصر و نسل است. همین معنویت هم هست که می‌تواند نجات‌بخش آن‌ها باشد.

■ به نظر شما و از نقطه‌نظر تربیتی این نسل از چه گروهی در جامعه به‌اصطلاح حرف‌شنوی دارند و در این خصوص باید چه ملاحظاتی را در نظر داشت؟

بسیاری از روان‌کاوها در این ایام با توجه به مراجعینی که داشته‌اند، می‌گفتند: «بچه‌هایی که می‌آیند، ضددین نیستند، فقط مقاومت می‌کنند. برای اینکه استقلال خود را نشان دهند. ضدیت می‌ورزند با هر آنچه که به نظرشان دینی می‌آید، در حالیکه در عمق باورهایشان چنین نیست.» من اگر اجازه بدهم که این‌ها با استقلال خودشان دینداری کنند، حتی اگر نوع خاصی از دینداری خودشان را داشته باشند، خیلی بهتر از این است که کلاً دین‌ستیز باشند.

در نهایت، امیدوارم خداوند به افرادی مثل شما که تلاشگر هستید و دغدغه دارید، کمک کند و بچه‌هایی که تربیت می‌شوند، جهان را به جای بهتری تبدیل کنند. هابرماس می‌گوید: «دینداری، موتور محرک بسیاری از تحولات در جامعه است و اگر به‌معنای واقعی درست شود، اتفاقاً پیش‌برنده اصلاح و بهبود آن نیز هست.» و من امیدوارم بچه‌هایی تربیت شوند که بتوانند به این سمت بروند و خودشان هم شادتر و سالم‌تر زندگی کنند.

”

قطعاً باید از روش‌های استدلالی و گفت‌وگومحور استفاده شود. قطعاً باید کلیدواژه‌هایی مثل حرف‌شنوی را فراموش کرد و قطعاً باید کمپین‌سازی کرد. یعنی با شیوه‌های جدید خود این نسل، کار را انجام داد



جامعه ما از سنت به مدرنیته گذار نکرده است، برای انسان سنتی همه‌چیز خیلی چارچوب‌مند است. یعنی چارچوب مذهب از غیرمذهب، چارچوب اخلاق، سیاست و همه مواردی که داریم، کاملاً مشخص هستند. به‌عنوان مثال برای ما خیلی واضح و مبرهن است که افراد مذهبی نباید از مشروبات الکلی استفاده کنند و در ذهن ما این موارد کاملاً متناقض هستند و نمی‌توانیم این ماجرا را فهم کنیم. خوب، در چنین جامعه‌ای که الگوهای هنجاری ثابتی وجود دارد و تکثر پذیرفته نیست، یعنی طیفی نیست، خیلی از این چیزها یک نقطه صفر مشخص دارد، و آن طرفش مثلاً نابود است. این موارد می‌تواند بچه‌ها را معترض‌تر کند، چون داریم روی وجهی از هویتمان تأکید صرف می‌کنیم. تأکید صرف روی وجهی از هویت در شرایط کنونی باعث می‌شود که آن وجه از هویت به‌شکل مرگباری بروز و ظهور پیدا کند.

برای شفافیت بیشتر موضوع، مثالی می‌زنم. زمانی که برای بعضی از طرفداران گروه بی‌تی‌اس، پاپ کره‌ای، صحبت می‌کردم، برایشان خیلی عجیب بود که: «چرا ما که مذهبی هستیم، نباید اینها را گوش بدهیم؟ ما محرم پول جمع کردیم از طرف بی‌تی‌اس برای امام حسین قربانی کردیم.» این نقطه تقابلی هست که می‌گویم. برای نسل قدیم این موضوع شاید خیلی عجیب به نظر برسد یا متناقض باشد. نباید. نمی‌شود. قربانی دادن، نذری دادن شرایطی دارد. ولی نسل جدید هر دو را با هم دارند. این من هستم که باید این فضای موزاییکی کنار همدیگر را یکپارچه ببینم. الان در ادبیات مسئولین می‌بینم که تغییراتی به وجود آمده است: «اینها دختران ما هستند؛ ضدانقلاب نیستند.» در حالی که کار از کار گذشته است. از ابتدا باید آن‌ها احساس طردشدگی نمی‌کردند که در مقابل سیستم قرار بگیرند.

■ تربیت دینی به‌ویژه در مدارس با توجه به شکاف نسلی به‌وجود آمده چه الزاماتی را باید رعایت کند تا تأثیرگذاری لازم را داشته باشد؟

اول، به‌نظرم باید واقعاً از خداوند کمک گرفت، خیلی مهم است این موضوع. دوم اینکه، یک طیفی در نظر گرفته شود و قطعاً نباید از روش‌های کنترل‌گرانه استفاده شود. قطعاً باید از روش‌های استدلالی و گفت‌وگومحور استفاده شود. قطعاً باید کلیدواژه‌هایی مثل حرف‌شنوی را فراموش کرد و قطعاً باید کمپین‌سازی کرد. یعنی با شیوه‌های جدید خود این نسل، کار را انجام داد. برای مثال باید کمپینی زد که خود بچه‌ها احساس کنند در آن فعالیت دارند. آن وسط معلم یا تسهیلگر هم جزئی از گروه محسوب می‌شود که در ارتباطات افقی قرار می‌گیرد. منبر برای این نسل جواب نمی‌دهد. منبر یک‌سویه از بالا به پایین، رسانه خوبی برای این نسل نیست. برای این نسل قرار گرفتن در فضای جمعی یا حلقه گفت‌وگو یا گروه جهادی، یا از این دست فعالیت‌هایی که در مدرسه مفید هم انجام می‌شود، ممکن است جذابیت خاص داشته باشد؛ از این جهت که نایاب است. چون تجربه خاص است. این خاص‌شدگی تجربه، به شکل‌گیری آن فضا کمک می‌کند و نکته آخر این است که تربیت دینی که قرار است صورت بگیرد، باید بیشتر به سمت اصول اخلاقی و کمتر به سمت فقه برود. در حالی که به‌نظرم برای نسل قدیم برعکس بود، یعنی ما دستورات فقهی و تربیت دینی بسیاری داشتیم. نمی‌گویم این دستورات نباشد، ولی الان به جایی رسیده‌ایم که با این نسل در مورد اصول بحث داریم و اگر این پایه محکم باشد، خیلی موارد دیگری هم اتفاق می‌افتد. مورد دیگر این است که آن محبت شکل بگیرد. واقعاً

یادگیری به روش نسل Z

یکی از ویژگی‌های مهم دهه‌هشتادی‌ها یا نسل زد این است که وقتی ما از این نسل یا دهه یاد می‌کنیم، یعنی از تعبیرهایی مثل دهه‌هشتادی یا نسل زد صحبت می‌کنیم، در واقع داریم این‌ها را بر اساس نظریات نسلی تعریف می‌کنیم. در نظریات نسلی، موارد متفاوتی برای دسته‌بندی وجود دارد. البته این را هم بگوییم که شاید این دو تعبیر نسل زد و دهه‌هشتادی‌ها دقیقاً هم با هم هم‌خوانی نداشته باشند. وقتی از نسل زد حرف می‌زنیم، در واقع بچه‌ها یا یک گروه از افراد را بر اساس نوع قالب مصرف رسانه‌ای آن‌ها طبقه‌بندی می‌کنیم.



سید رضا معصومی نژاد

مدیر دبیرستان دوره دوم مفید قیصریه

آموزش و یادگیری برای دانش آموزان نسل زد

روایت اول: در مسافرت جهادی در حال صحبت با بچه‌ها و مرور خاطراتشان در دوران کرونا هستیم. یکی از بچه‌ها می‌گوید ایام کرونا خیلی برای من دوران خوبی بود؛ تا ساعت سه‌ونیم کلاس داشتیم و بعد از آن من از چهار تا هشت شب در یک شرکت روش سرمایه‌گذاری در بورس وال استریت را آموزش می‌دادم و تازه بعد از آن به انجام تکالیف می‌پرداختم. وقتی من با چشم‌های از تعجب گردشده از او می‌پرسم آیا برای تو منفعت مالی هم داشت، با افتخار بادی به غیغ می‌اندازد و می‌گوید بیشتر برای تجربه می‌رفتم. البته ماهی حدود بیست میلیون هم برایم درآمد داشت.

روایت دوم: برای ثبت‌نام و بارگذاری یک فایل در یک سایت مدت زمانی مشغول هستم و کمی کلافه، پسر هفده‌ساله‌ام می‌پرسد: «کمکی از دست من برمی‌آید؟» بعد در یوتیوب فیلم نحوه ثبت‌نام در این سایت را جستجو می‌کند. پس از چند دقیقه به‌طور سمعی و بصری کاری را که می‌خواستیم انجام دهم را یاد می‌گیرم و به‌خاطر مدت زمانی که وقتم را تلف کرده‌ام تأسف می‌خورم.

روایت سوم: یکی از دانش‌آموزان که در فضای برنامه‌نویسی و آی‌تی کار می‌کند، از طرف یکی از بچه‌های فارغ‌التحصیل سال‌های قبل که مدت‌هاست از او بی‌خبرم، سلام می‌رساند. وقتی می‌پرسم: «تو را از کجا می‌شناسد؟»، می‌گوید که در یکی از فروم‌های تخصصی برنامه‌نویسی با ایشان آشنا شده است و ایشان فرد بسیار متخصصی در این زمینه خاص است.

روایت چهارم: در نمایشگاه پژوهشی مدرسه یکی از دانش‌آموزان در مورد شعار تبلیغاتی یکی از برندهای معروف صحبت می‌کند سپس مجله‌ای را که در زمینه ارتباطات تبلیغات و برندسازی است، به بنده معرفی می‌کند. متوجه می‌شوم با یکی از شرکت‌های معروف فروش اینترنتی همکاری دارد و ایده‌هایی را هم به آن‌ها داده است.

روایت پنجم: پسر من با دوستانش قراری برای آموزش در تعطیلات تابستان گذاشته است و هر کدام خود را موظف کرده‌اند که از سایت master class یا یوتیوب یک دوره آموزشی را روزانه به مدت مشخصی مشاهده کنند و بیاموزند. هر کدام هم بنابر سلیقه و علاقه‌مندی خود. یکی در مورد فضاوردی، یکی موسیقی، یکی برنامه‌نویسی، یکی تفکر علمی، خلاصه بازار آموزش موضوعات مختلف حسابی داغ است. هر چند وقت یکبار هم به هم گزارش پیشرفت خود را می‌دهند.

روایت ششم: یکی از همکارانمان از علاقه‌مندی فراوان فرزندش به موسیقی صحبت می‌کرد و از اینکه با توجه به سن کم فرزندش و در دسترس نبودن آموزشگاه مناسب پیگیری خاص نکرده است. در حالی که فرزندش با استفاده از فیلم‌های موجود در اینترنت آموزش‌های اولیه‌ی ساز خاصی را به‌صورت خودآموز دیده و آن‌قدر در زمینه آن ساز توانمند شده است که او را مجاب به تهیه آن کرده است. فعلاً در ایام سال تحصیلی که امکان شرکت در کلاس‌های آموزشی را ندارد، با دوستان متبحرترش در یکی از پلتفرم‌های ملاقات حضوری با هم هر روز به مدت محدودی جلسه برگزار می‌کنند و برای هم می‌نوازند و در مدت کوتاهی بدون هیچ استادی تبحر اولیه‌ای پیدا کرده است.

امروزه ما اولیا، معلمان و مدیران با دانش‌آموزانی در مدارس خود سروکار داریم که با نسل‌های قبلی خود تفاوت‌های اساسی دارند. در اصطلاح این نسل را نسل زد می‌نامند. جمعیتی که اکنون ۳۲ درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد با حدود دویزده میلیارد انسان که در دهه ۱۹۹۰ تا اواسط دهه ۲۰۱۰ متولد شده‌اند. در این مجمل اندک خیلی نمی‌خواهیم به معرفی نسل‌های قبل اعم از X و Y و ویژگی‌های هریک بپردازیم اما لازم است ویژگی‌های مشترک مخاطبانمان را تا حدودی بشناسیم. البته این ویژگی‌ها محدود به ویژگی‌هایی شده است که غالباً در مباحث آموزشی و بحث یادگیری مؤثرتر هستند. آمار و ارقام ارائه‌شده با توجه به اینکه هنوز در کشورمان پژوهش‌چندان معتبری در مورد این نسل صورت نگرفته است از منابع بین‌المللی و آمار جهانی استخراج گردیده که به نظر می‌رسد با فرآیند جهانی شدن با آمار کشور ما تفاوت چندانی ندارد.

نسل زد نسلی است که بومی دنیای دیجیتال است و در بطن توسعه این فرهنگ زاده شده و با دسترسی به اینترنت، بازی در رایانه و ضربه‌زدن در گوشی‌های هوشمند بزرگ شده و زندگی بدون آن‌ها را به‌خاطر نمی‌آورد. حتی زندگی بدون آن‌ها برایش قابل تصور هم نیست.

یادگیری حضوری: غالب ارتباطات دانش‌آموزان این روزگار به‌صورت آنلاین انجام می‌شود اما آنچه جالب است این است که این نسل بیش از نسل‌های قبلی خود فعالیت‌های یادگیری و کلاسی را به‌صورت حضوری در آموزش‌های آنلاین ترجیح می‌دهد. ۵۷ درصد از دانش‌آموزان این نسل مایل به فعالیت‌های یادگیری حضوری با همکلاسی‌های خود هستند در حالی که برای نسل‌های قبلی این عدد ۴۷ درصد بوده است.



تعاملات و چالش‌ها: دانش‌آموزان این نسل مطالب را زمانی بهتر می‌آموزند که در یک فضای چالشی به آن‌ها ارائه شود و برای یادگیری آن مجبور به تعامل و بحث شوند.

بنابراین جای تعجب ندارد که ۶۴ درصد دانش‌آموزان بحث‌های کلاس‌های تعاملی و ۶۰ درصد کار بر روی مسائل چالشی را به‌عنوان مفیدترین روش یادگیری بیان می‌کنند. حال آن‌ها را با روش‌های سنتی مانند دیدن و گوش کردن مقایسه کنید. از منظر آن‌ها کلاس دیداری ۳۸ درصد و کلاس شنیداری فقط ۱۲ درصد در یادگیری ترجیح دارد.

”

برای این نسل مرزهای جغرافیایی و فرهنگی به شدت نیاکان وجود ندارد به همین جهت آنچه ما قدیمی‌ترها به‌عنوان شاخص‌های هویت فرهنگی خود می‌شناختیم، مرزهایش به شدت تغییر کرده است

بازۀ توجه: دانش‌آموزانی در کلاس‌های ما حضور دارند که بازۀ توجه کوتاهی در حدود هشت ثانیه دارند در حالی که نسل قبلی آن‌ها به‌طور متوسط ۱۲ ثانیه بازۀ توجه داشتند که قطعاً از نتایج ابزار دنیای دیجیتال و تنوع اطلاعات ارائه‌شده و انتخاب در این فضا است.

مفاهیم کاربردی: فرزندان این نسل به دنبال مفاهیم کاربردی هستند و برای اتکابه‌نفس و استقلال خود ارزش ویژه‌ای قائل هستند. وقتی صحبت از یادگیری خودراهبری می‌شود، با مهارت‌های فراوانی می‌توانند آن مهارت جدید را در یوتیوب جستجو کنند و یاد بگیرند و به دیگران توضیح دهند. ایده‌های بسیار بلندپروازانه‌ای برای زندگی شخصی، شغلی و آینده خود دارند. بنابراین به مطالبی بها می‌دهند که آن‌ها را در مسیر پیشرفت خود مؤثر می‌دانند.

دنیای مجازی: برای آن‌ها تفاوت چندانی بین تجربه‌های دنیای حضوری و دنیای آنلاین وجود ندارد. مفاهیم جدیدی مانند متاورس، آواتار و زندگی دوم بخش عمده‌ای از ذهن آن‌ها را اشغال کرده است و تفکیک آن با دنیای واقعی امر چندان راحتی برایشان نیست. در اعتراضات اجتماعی اخیر نیز یکی از کارشناسان علوم اجتماعی هشدار جدی به خانواده‌ها و مسئولان داده بود که این نسل تفاوت بین درگیری در دنیای واقعی و مجازی را نمی‌داند به همین دلیل از آنچه نسل‌های قبل از آن‌ها می‌ترسیدند، واهمه ندارد و بعضاً آن‌ها را بخشی از پازل یک بازی رایانه‌ای می‌پندارد.

هویت اجتماعی: برای این نسل مرزهای جغرافیایی و فرهنگی به شدت نیاکان وجود ندارد به همین جهت آنچه ما قدیمی‌ترها به‌عنوان شاخص‌های هویت فرهنگی خود می‌شناختیم، مرزهایش به شدت تغییر کرده است.



می‌نماید و به دانش‌آموزان فرصت بیشتری برای انتخاب و کنترل سفر یادگیری خود ارائه می‌کند. پلتفرم‌های موجود برای برگزاری کلاس‌های آنلاین و محتواهای تعاملی تولید شده به معلمان و دانش‌آموزان اجازه می‌دهد تا بازی‌های آموزشی را به روشی ساده بسازند و بازی کنند و برای دوستانشان به اشتراک بگذارند.

توصیه برای برگزاری کلاس‌های مطلوب نسل زد:

۱ فرصت انتخاب: به دانش‌آموزان کمک کنید تا در پیشرفت خود مشارکت نمایند و در انتخاب عنوان کلاس، تکمیل تکالیف، دریافت ارزیابی و دسترسی به منابع امکان انتخاب داشته باشند. در اختیار قرار دادن موضوع‌های متفاوت پژوهشی در مباحث مرتبط به درس‌ها فرصت مناسبی برای انتخابگری دانش‌آموزان است.

۲ معنابخشی به آموزش: فرصت‌هایی برای یادگیری ایجاد کنید که شامل راه‌حل‌های عملی برای مشکلات دنیای واقعی است. دانش‌آموزان را درگیر کارهای معنادار نمایید که نتایج مفید و کاربردی برای یادگیرندگان دارد. استفاده از آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌های واقعی فرصت مناسبی برای معنابخشی به آموزش می‌تواند باشد.

۳ آموزش تکنولوژی‌محور: برای ابزارهای دنیای مجازی در آموزش و پلتفرم‌های موجود حتی گوشی‌های هوشمند طرح درسی طراحی کنید تا دانش‌آموزان بومی دنیای مجازی با استفاده از ابزارهای این دنیا به آموزش و یادگیری بپردازند و از تعامل با هم و محتوای آموزشی لذت ببرند.

۴ استفاده از وسایل کمک آموزشی و سمعی بصری: استفاده از مجموعه ویدیوهای آموزشی و فیلم‌های مرتبط به موضوع تدریس به‌عنوان بخشی از فعالیت‌های آموزشی یا انجام تکالیف علاوه بر افزایش جذابیت کلاس باعث عمق‌بخشی به مباحث می‌تواند باشد. استفاده از بازی‌های آموزشی و گیمیفیکیشن‌ها علاوه بر آن که مدت زمان تمرکز دانش‌آموزان به موضوع درسی را افزایش می‌دهد، باعث تعمق و یادگیری بیشتر می‌شود.

۵ فعالیت‌های گروهی و مشارکتی: تشکیل گروه‌های چند نفره دانش‌آموزی و مشارکت آن‌ها در برنامه‌های مختلف اعم از حل مسئله، انجام پروژه، ارائه کنفرانس علاوه بر افزایش بازده یادگیری بسیاری از تعاملات گروهی و مهارت‌های اجتماعی را ارتقا خواهد داد.

شاید به نظر برسد برای دانش‌آموزان نسل زد دیگر نیازی به مربیان توانمند و قوی برای رهبری کلاس وجود ندارد و دانش‌آموزان با استفاده از محتواهای موجود خود می‌توانند از فرایند خود یادگیری استفاده کنند در حالی که اگر از آن‌ها بپرسید معلمان چقدر در یادگیری و پیشرفت شما مؤثر خواهند بود، ۷۸ درصد آنان به شما پاسخ خواهند داد بسیار بسیار مهم و این نقش کلیدی معلمان را به‌عنوان طراح اصلی کلاس‌های درس در تمام فصول و نسل‌ها نشان می‌دهد.

در پایان این کلام مجدداً تأکید می‌شود آنچه عنصر طراحی فرایند آموزش در تدریس می‌باشد، توجه به آموزش مشارکتی و تعاملی دانش‌آموزان در محتوا و سبک یادگیری است و این مهم را فقط دبیران و مربیان توانمند می‌توانند اجرا کنند.

آموزش شخصی: دانش‌آموزان این نسل آموخته‌اند آنچه را نمی‌دانند به سایت‌هایی مانند یوتیوب مراجعه نمایند و از آن به‌صورت سمعی و بصری بیاموزند به همین دلیل در روز بیش از سه ساعت از زمان خود را در این سایت‌ها می‌گذرانند و ۵۹ درصدشان می‌گویند که این یکی از روش‌های آموزش ترجیحی آنان است.

گزارش‌های بین‌المللی بیانگر آن است که ۵۵ درصد دانش‌آموزان یک دوره یادگیری یا توسعه شخصی را در سایت‌های اشتراک‌گذاری فیلم‌های ویدیویی مانند یوتیوب گذرانده‌اند و ۸۰ درصد آنان از پلتفرم‌ها به این صورت استفاده می‌کنند. استفاده از این ابزار گام بزرگی در یادگیری شخصی با موضوعات و علایق فردی است.

یادگیری اجتماعی: از این نسل به‌عنوان نسل اشتراک‌گذاری محتوا می‌توان نام برد. نسلی که با اشتراک‌گذاشتن دانش و اطلاعات با دیگران مشارکت می‌کند و یادگیری آنلاین و آفلاین از دیگران برایش اهمیت دارد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد حدود ۸۰ درصد دانش‌آموزان ترجیح می‌دهند درس‌های خود را با دوستان خود مطالعه کنند و ۶۰ درصد از به‌اشتراک‌گذاشتن دانش خود به‌صورت آنلاین برای دیگران خوشحال هستند.

یادگیری ترکیبی: آنچه در این نسل می‌تواند مؤثر باشد، تعامل بین آموزش آنلاین و حضوری است. یادگیری ترکیبی این تعامل را بین کلاس‌های سنتی و آموزش الکترونیکی ایجاد



اگر از دانش‌آموزان بپرسید معلمان چقدر در یادگیری و پیشرفت شما مؤثر خواهند بود، ۷۸ درصد آنان به شما پاسخ خواهند داد بسیار بسیار مهم و این نقش کلیدی معلمان را به‌عنوان طراح اصلی کلاس‌های درس در تمام فصول و نسل‌ها نشان می‌دهد

من معلم و نسل امروز



من و شما همدیگر را درک نمی‌کنیم، از هفته آینده مدرسه نمی‌آیم! پس از گفت‌وگوهای کلاسی به این نتیجه می‌رسیم که ما قبل از این که بخواهیم همدیگر را درک کنیم، باید بتوانیم با هم ارتباط برقرار کنیم. و این یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های ما آدمیان است. ارتباط برای انتقال شیوه‌اندیشیدن من نسبت به هر آنچه هست به دیگری، ارتباط برای هم‌فهمی، ارتباط برای فهم فهم دیگری. در نهایت به این نتیجه می‌رسیم که ما نیازمند یادگیری شیوه مؤثر ارتباط با یکدیگر هستیم. ما نیازمند یادگیری و تمرین مهارت‌های گفت‌وگو هستیم و قرارمان این است که بتوانیم در کلاس درس با هم گفت‌وگو کنیم. بر این اساس به نظر می‌رسد یکی از وظایف مهم ما معلمان این است که بتوانیم صادقانه و صمیمی

”

**شناخت ویژگی‌های دوران رشدی
به تنهایی کافی نیست! ما نیاز داریم
هم‌زمان مخاطبان خود را از جهت
«نسل» و «عصر» نیز بشناسیم**

مهر ماه سال ۱۴۰۱، مدرسه مفید، متوسطه اول مفید قطریه، پایه نهم، کلاس درس پیام‌های آسمان

طبق طراحی آموزشی، قرار است این جلسه درباره ویژگی‌های انسان صحبت کنیم. با دانش‌آموزان وارد

گفت‌وگو می‌شویم. پس از انجام چند فعالیت، سرمایه‌های انسان را که در طول تاریخ بشر ثابت است، مرور می‌کنیم. یکی از مهم‌ترین آن‌ها «تفکر» است. دست یکی از دانش‌آموزان بالا می‌رود و می‌گوید: «به نظر من شاید تفکر ویژگی مشترک انسان‌ها باشد، اما زمان در نوع فکر کردن افراد تأثیر دارد. مثلاً من مثل پدر بزرگم فکر نمی‌کنم. مدل فکر کردن من با او متفاوت است. من توانایی استفاده از ابزارهای امروزی را دارم، اما پدر بزرگ نمی‌تواند از اپلیکیشن‌های امروزی استفاده کند. (پدر بزرگ پزشک ۶۵ ساله است.) به عبارت دیگر شرایط باعث شده من و پدر بزرگ همدیگر را درک نکنیم!» موضوع جدیدی است که باید درباره آن گفت‌وگو کنیم. ناگهان زنگ پایان کلاس به صدا درمی‌آید و بحث ما ناتمام می‌ماند.

در جلسه دوم، دانش‌آموزان علاقه‌مند هستند تا بحث ساعت قبل ادامه پیدا کند. با طرح این نکته وارد موضوع می‌شوم. من متولد اوایل دهه ۴۰ هستم و شما متولدین اواخر دهه ۸۰. سؤال این است که آیا من و شما همدیگر را درک می‌کنیم یا نه؟ منظورمان از درک چیست؟ چه عواملی در درک مؤثر هستند؟ بحث بالا می‌گیرد و موافقان و مخالفان شروع به اظهار نظر می‌کنند. در بین گفت‌وگوها اعلام می‌کنم که اگر به این نتیجه برسیم که



محمد رضا حشمتی

معلم مدارس مفید

با دانش‌آموزان خود گفت‌وگو کنیم. بر این باور هستیم که گفت‌وگو معجزه‌گر است. البته اگر به ضوابط، شرایط و ویژگی‌های آن وفادار باشیم، نه این‌که به اسم گفت‌وگو، خطابه را پوشش دهیم.

فاصله سنی بین نسل‌ها یک امر طبیعی است. سیر تاریخ زندگی بشر بهترین شاهد بر این مدعا است. ویژگی شغل معلمی این است که به مرور زمان فاصله سنی معلم با دانش‌آموزان بیشتر می‌شود. از طرف دیگر یک معلم باید دانش و مهارت «مخاطب‌شناسی» را داشته باشد. شناخت مخاطب از جهت ویژگی‌های رشدی بیش از سایر موارد برای ما جلوه‌گری می‌کند. اما واقعیت مطلب این است که شناخت ویژگی‌های دوران رشدی به‌تنهایی کافی نیست! ما نیاز داریم هم‌زمان مخاطبان خود را از جهت «نسل» و «عصر» نیز بشناسیم.

بر این اساس تحولات عصر و نسل امروز را با پرسش‌های زیر مرور کنیم:

- نسبت ما با زیست جهان مجازی و جهان واقعی چگونه است؟
- تا چه میزان با مراحل تحول رسانه و سوادهای جدید آشنا هستیم؟
- آیا سواد رسانه‌ای لازم را داریم؟
- سواد دیجیتال ما در چه حدی است؟
- سواد مجازی تا چه حد در زندگی ما نقش دارد؟
- آیا سواد ترکیبی (مجازی و حقیقی) ما برای تعامل با دانش‌آموزان کافی است؟
- آیا فهم مشخصی از زیست ترکیبی داریم؟
- با هویت سیال آنلاین نسل امروز تا چه میزان آشنا هستیم؟

چگونگی شناخت نسل امروز

فراموش نکنیم که شناخت ما از نسل امروز پیش از آنکه محصول داورهای واقع‌بینانه باشد، محصول



نسل جدید متأثر از ابزارهای پنهان و آشکاری است که تمامیت ارزش‌ها و هر آنچه در ساحت سنت ریشه دارد را نشانده گرفته است. یکی از بارزترین این تفاوت‌ها، گسست واقعیت و مجاز و مجازی شدن یادگیری و سبک زیستن آنلاین نسل امروز است

پیش‌دآوری‌های خودمدارانه است. شواهد نشان می‌دهد که در دهه‌سوم، هزاره سوم، نسل جدید در جهان و ایران در حال نشان‌دادن تغییرات بنیادین و اساسی نسبت به نسل‌های قبل از خود است. نسل جدید متأثر از ابزارهای پنهان و آشکاری است که تمامیت ارزش‌ها و هر آنچه در ساحت سنت ریشه دارد را نشانده گرفته است. یکی از بارزترین این تفاوت‌ها، گسست واقعیت و مجاز و مجازی شدن یادگیری و سبک زیستن آنلاین نسل امروز است. این گسست نسلی تا حدی پیش رفته است که جوانان به‌عنوان ساکنان فضای مجازی از یک سو و اولیا و مربیان از سوی دیگر به‌عنوان مهاجران ناخواسته این محیط شده‌اند. همه این تحولات ناظر به تغییرات بنیادین ارزشی-نگرشی و اعتقادی است که متأثر از تعلیم و تربیت مستقیم و غیرمستقیم در خانه و جامعه اتفاق می‌افتد. قصه زمانی دردناک و خنده‌دار است که مهاجران قرار است راهنما و راهبر ساکنانی شوند که دنیا و زبان آنان را نمی‌شناسند!

بر این اساس بر این باور هستیم تا دیر نشده باید به **پیش‌شرط‌های گفت‌وگوی بین نسلی یا بین فردی** توجه جدی کنیم:

- گفت‌وگو یعنی تعامل بر اساس هم‌پذیری و هم‌شنوی در شرایط آزاد و برابر، برای رسیدن به هم‌فهمی.
- گفت‌وگو یعنی شنیدن و گفتن بر اساس ادب، مدارا، عقلانیت و حوصله.
- لازمه گفت‌وگو بالا بردن توان ارتباطی ما و پذیرش تفاوت‌ها و تکرهاست.
- قرار نیست در گفت‌وگو ما آنچه را دوست داریم از زبان طرف مقابل بشنویم. ذات گفت‌وگو برای این است تا دیگری، متفاوت از ما سخن بگوید.
- در گفت‌وگو طرفین می‌پذیرند که حقیقت نه نزد من است و نه نزد تو، بلکه حقیقت می‌تواند در تعامل من و تو زاده شود.
- به‌گفته سقراط، دیالوگ کاری است از جنس کار ماما؛ یعنی سالم به دنیا آوردن نوزاد. به همین دلیل سقراط می‌گفت من از شاگردان بیشتر می‌آموزم تا آن‌ها از من.
- لازمه گفت‌وگو عبور از باورهای خود به سمت باورهای دیگری است. اگر ما با این فرض می‌رویم گفت‌وگو کنیم که حرفمان را به کرسی بنشانیم، این گفت‌وگو نیست. ما به اسم گفت‌وگو نباید بگوییم «بیا بیاید توافق کنیم که با من موافق باشید!»

اختلاف پیش‌فرض‌ها در زبان بین نسلی

تا زمانی که با نسل جدید بر سر تصورات به تفاهم نرسیم، بحث بر سر تصدیق‌های بیهوده و حتی مضر است! وقتی ما به چیزی معتقدیم، ابتدا تصویری از آن چیز نزد خود داریم، سپس با تصدیق آن، بدان معتقد می‌شویم. نداشتن درک متقابل تحولات بین نسلی و شکاف زبانی، فاصله ما را با نسل امروز بیشتر می‌کند. شاید قصه امروز ما، مشابه حکایت نقل شده در مثنوی است:

«آن یکی ترکی بُد و گفت ای کُرْم!
من نمی‌خواهم عَنبِ خواهم اُرْم»

چهار نفر با زبان‌های مختلف باهم همراه بودند. جایی خواستند استراحت کنند و چیزی برای خوردن بخرند. فارس‌زبان گفت: برویم انگور بخریم. عرب‌زبان گفت: انگور نه! عَنب بخریم. رومی گفت: من هیچ‌کدام نخواهم. من فقط استافیل (انگور) می‌خواهم. ترک‌زبان گفت: این حرف‌ها را کنار بگذارید. باید برویم اُرْم (انگور) بخریم و بخوریم. سرانجام حکیمی که به چهار زبان آگاهی داشت، به آن‌ها فهماند که همه شما یک چیز می‌خواهید، اما با الفاظ متفاوت بیان می‌کنید و در نتیجه اختلاف آن‌ها حل شد.

تربیت برای زمانهای دیگر

مصاحبه با آقای محمدعلی مهرآزما مدیر دبستان پسرانه مفید قلهک



■ مهم ترین ویژگی های ده هشتادی ها یا نسل زد چیست؟

”

اصلی ترین تغییرات از دامن پدر و مادرها شکل می گیرد و به جامعه جاری می شود. یعنی بیشتر از اینکه روی نسل زد تمرکز کنیم باید در مورد نسل پدر و مادرهای آنها تحقیق کنیم که مثلاً چه مواردی در تربیت آنها تغییر کرده است؟

من خیلی به این دسته بندی هایی که مد شده اعتقادی ندارم و فکر می کنم به نوعی بازی های ذهنی هستند برای ساده سازی این مسائل یا برای اینکه ایجاد احساس تسلط به این موضوع داشته باشیم که بتوانیم باورم کنیم بر موضوع واقف هستیم و می توانیم آن ها را به راحتی تحلیل کنیم.

نمی شود بر اساس گروه سنی یا دهه های تولد، جوانان را دسته بندی کرد، واقعیت این است که همه جوامع در طول زمان های مختلف دچار تغییر و تحولاتی می شوند، در حال حاضر هم شاهد کوچک شدن دنیا و تغییراتی هستیم که همه مردم دنیا آن را با هم تجربه می کنند. مهم ترین ویژگی در نوجوانان فعلی تجربه زندگی در دنیای کوچک تری نسبت به دوران ما به جهت سهولت در برقراری ارتباطات است، که امری طبیعی است. اگر از این زاویه به دنیا نگاه کنیم که همه چیز در دسترس است و در هر حوزه ای که علاقه مند یا فعال باشیم، می توانیم خود را در آن محیط احساس کنیم زیرا سطح دستیابی به آن اطلاعات بالا رفته است، دنیا برای ما کوچک تر

می‌شود. ولی چون یک احساس هست اندیشمندان آن را به چالش کشیده‌اند.

این امر به جهت اینکه ممکن است افراد احساس تسلط به موضوعی را پیدا کنند که گاهی فقط اطلاعات سطحی و پراکنده از آن دارند و اصطلاحاً دچار یک تله ذهنی می‌شوند، خطرناک است. از طرف دیگر این اتفاق سبب بروز خودبزرگ‌بینی و اعتماد به نفس کاذب می‌شود که مسائل مهمی را به وجود می‌آورد. بنابراین به جای استفاده از لفظ دهه‌هشتادی‌ها یا نسل زد، می‌گوییم کودکانی که به سهولت و سرعت بسیار دسترسی به اطلاعات دارند و به نظر در جامعه کوچک‌تری نسبت به ما زندگی می‌کنند. زیرا برای ما در دستیابی به اطلاعات و مشاهدات عینی، بعد مسافت وجود داشت. خوب، طبیعتاً این مسئله در رفتار، عملکرد، احساسات و حتی در کنش‌های اجتماعی ما منجر به تبعیض می‌شود، که می‌توان به‌عنوان ویژگی‌های افرادی که از ابزارهای ارتباط جمعی استفاده می‌کنند، یاد کرد.

اتفاقاً در حال حاضر طیف دیگری از نوجوانانی را داریم که به این ابزارها دسترسی ندارند، در نتیجه، سبک زندگی متفاوتی را تجربه می‌کنند. گروه دیگری هم هستند که علی‌رغم دسترسی به این ابزارها، به دلیل نظارت خانواده به سبک متفاوتی از دو گروه قبل، به خصوص افرادی که دسترسی به این ابزارها ندارند، زندگی می‌کنند. بنابراین ما با یک گروه با ویژگی‌های یکسان روبه‌رو نیستیم، این مسئله همیشه وجود داشته است زیرا همه افراد جامعه مثل هم زندگی نمی‌کنند در حالی که در یک دوران زندگی می‌کنند. درون خانواده‌ها اتفاقات متفاوتی می‌افتد، بچه‌ها در مدارس مختلفی تحصیل می‌کنند که هر کدام تجربه متفاوتی را رقم می‌زند. پس نباید ساده‌انگارانه و با زدن یک برچسب به‌عنوان دهه‌هشتادی‌ها به موضوع نگاه کنیم و آن را تحلیل کنیم، زیرا موضوع بسیار پیچیده است و ما فقط با یک عامل مواجه نیستیم. بلکه با مجموعه عواملی که کنش‌ها و واکنش‌های انسانی و اجتماعی را تشکیل می‌دهند، روبه‌رو هستیم و برون‌دادها، خروجی‌ها و دستاوردهای آن هم به همین نسبت متفاوت می‌شود.

شاید یکی از ویژگی‌های جامعه امروز این باشد که همه

”

یعنی ما نمی‌توانیم بدون مطالعه و بررسی نسل پدر و مادر، در مورد نسل جدید نظر دهیم. اساساً من معتقد هستم که اصلی‌ترین تغییرات از دامن پدر و مادرها شکل می‌گیرد و به جامعه جاری می‌شود

به خودشان این اجازه را می‌دهد تا در هر زمینه‌ای اظهار نظر کند، چون اطلاعات کمی در همه زمینه‌ها دارند. مسائل جامعه‌شناختی اصولی دارد که در طول ادوار مختلف نسبتاً ثابت هستند، من به‌عنوان یک فرد فعال در حوزهٔ تعلیم و تربیت می‌گویم اصول تعلیم و تربیت ثابت هستند ولی روش‌ها خیلی تغییر می‌کنند. ما همیشه باید تحت هر شرایطی به تفاوت‌های فردی بچه‌ها توجه کنیم، زیرا انسان‌ها متأثر از ژنتیک، محیط و اختیارات خود هستند و مجموعهٔ این عوامل با هم رفتارها و افکار ما را شکل می‌دهند و این یک موضوع ثابت است که همیشه بوده و خواهد بود.

از آنجایی که نگرش ما یک نگرش مهدوی است، نباید فراموش کنیم، ساختاری داریم که تکلیف ابتدا تا انتهای خلقت در آن معلوم و قائل به مسائلی هست. ما معتقد هستیم که بشر سیر تکاملی و رو به رشد دارد و این قدر باید رشد کند تا پذیرای حق مطلق شود، یعنی ولی خدا که واسطهٔ فیض الهی و انسان کامل است در کنار ما زندگی کند و ما آن قدر شعور و معرفت داشته باشیم که بتوانیم ایشان را درک کنیم، بپذیریم و از او تبعیت هم کنیم. نه تنها طرد نکنیم و بی‌وفایی نکنیم و خدایی نکرده رویه‌روی او نایستیم، کما اینکه عموماً بشر با همهٔ اولیای الهی چنین کرده است، بلکه چنان رشدی داشته باشیم که پذیرای ولی خدا باشیم تا او بتواند بیاید و حکومت نهایی را ایجاد کند.

بنابراین همهٔ این موارد حرکت‌هایی به سمت ظهور و زمینه‌ساز آن هستند. یعنی دیگر برای ما تصور اینکه یک نفر در این عالم صحبت کند و هم‌زمان همهٔ مردم دنیا بتوانند آن را مستقیماً از خود فرد بشنوند، پدیدهٔ عجیبی نیست، زیرا ابزار، وسایل و همهٔ امکانات به این سمت حرکت می‌کند. در حالی که زمانی به تبعیت از ذات دینی و به‌لحاظ عقلی این موضوع پذیرفتنی بود ولی ملموس نبود و تجربه‌ای از آن نداشتیم. لذا من این شرایط را روبه‌رشد می‌دانم. به‌عنوان مثال بعضی‌ها می‌گویند بچه‌های الان باهوش‌تر هستند، همیشه بچه‌ها نسبت به نسل قبلی خود باهوش‌تر بوده‌اند، و این به این معنی است که نسل قبلی در حال آموزش و رشد دادن نسل بعدی است، یعنی ما نمی‌توانیم بدون مطالعه و بررسی نسل پدر و مادر، در مورد نسل جدید نظر دهیم. اساساً من معتقد هستم که اصلی‌ترین تغییرات از دامن پدر و مادرها شکل می‌گیرد و به جامعه جاری می‌شود. یعنی بیشتر از اینکه روی نسل زد تمرکز کنیم باید در مورد نسل پدر و مادرهای آن‌ها تحقیق کنیم که مثلاً چه مواردی در تربیت آن‌ها تغییر کرده است؟ با اینکه هنوز فرهنگ‌های مختلفی از جمله عشیره‌ای یا قبیله‌ای در برخی از نقاط ایران بسیار جدی است ولی خیلی چیزها در فرزندپروری متفاوت شده است.

■ تفاوت ویژگی‌های نسل امروز با همین گروه سنی در دهه‌های گذشته چیست و آیا می‌توان این تفاوت‌ها را تبدیل به فرصت کرد برای ایجاد ارتباط بهتر با آن‌ها؟

بحث مورد توجه امروز ما در خصوص بچه‌هایی است که اکثر والدین آن‌ها در زمینه‌های متعدد با محرومیت‌هایی روبه‌رو بوده‌اند و الان حاضر نیستند فرزندشان هیچ سختی‌ها را تحمل شود، فلذا گاهی در این مسیر دچار افراط و تفریط می‌شوند، یعنی زیاد از حد مواظب بچه هستند، به‌عنوان مثال خانواده‌هایی را داریم که پدر و مادر هر دو شاغل هستند و هر دو، درآمدشان را به یک فرزند، یا حداکثر دو فرزند سرریز می‌کنند. یعنی شبانه‌روز برای رفاه فرزند خود زحمت می‌کشند. این در حالی است که ما این چنین زندگی نمی‌کردیم. در گذشته تعداد فرزندان زیاد بود و بیشتر پدرها کار می‌کردند، کمتر مادرها. مادرها در خانه، خانه‌داری، نگهداری و تربیت بچه‌ها را به‌عهده داشتند. ولی امروزه، ساختار زندگی خانواده‌ها کاملاً تغییر کرده است. امروزه اکثر خانم‌ها شاغل هستند و این موضوع سبب بروز مسائل مختلف تربیتی شده است. از طرف دیگر، درآمد‌ها بیشتر شده است و خانواده‌ها به جای تلاش برای حل مشکلاتشان می‌خواهند آن‌ها را با پول حل کنند. هر کدام از این موارد یک دنیا مسئله به وجود می‌آورد و به‌لحاظ عاطفی و اجتماعی روی بچه‌ها اثر می‌گذارد، که بعداً باز خورد و نتایج آن‌ها در رفتار و عملکرد بچه‌ها دیده می‌شود. بعد ما می‌پرسیم چرا بچه‌ها این‌گونه رفتار می‌کنند؟ در صورتی که با مطالعه و بررسی متوجه می‌شویم که در حقیقت خانواده‌ها دچار تغییر و تحولات بسیار جدی نسبت به گذشته شده‌اند. خانهٔ کوچک، تنهایی، خانواده‌ای که فردگراتر شده است، درقبال خانواده‌هایی که جمع‌گرا بودند، بیماری‌های روحی و روانی که در پدر و مادرها بیشتر

داشته باشیم، در قبال خانواده قوی، آموزش و پرورش خیلی حرفی برای گفتن ندارد.

طی سال‌های اخیر، به نظر من آموزش و پرورش، از دست رفته است. اوایل انقلاب یک حرکت‌هایی انجام می‌شد که شاید خیلی از آن روش‌ها صحیح نبود ولی حداقل نیست این بود که باید از مسیر آموزش و پرورش به اهدافمان برسیم. ولی من در دو دهه اخیر، یک رهاشدگی بدی در آموزش و پرورش دیده‌ام خصوصاً در مواردی مثل میزان سرمایه‌گذاری‌ها یا نوع نگاهی که وجود دارد.

متأسفانه، مثلاً در دبستان‌های شهر تهران به‌جای نیروی پرانرژی و خلاق نسل جوان که با نسل قبلی هم بسیار متفاوت هستند، بازنشستگان باید به کار گرفته شوند، در صورتی که شهر تهران بیشترین تغییرات را نسبت به شهرهای دیگر دارد. البته من ارادت‌مند همه پیشکسوتان و بزرگان هستم ولی خود این عزیزان به ما یاد دادند که برای نشست و برخاست با کودک، باید نشاط و شور جوانی باشد، ولی متأسفانه نیروی جوان و به‌روز ما در شهر تهران نمی‌تواند وارد آموزش و پرورش شود، چون نیرو کم هست و اولویت با شهرستان‌ها است. یعنی بنابر دلایل مالی، اجرایی و مدیریتی، عملاً پایتخت را از وجود نیروهای با نشاط، به‌روز، باتگیزه و جوان برای تعلیم و تربیت محروم کرده‌ایم، افرادی که بتوانند نسل جدید را بفهمند و با ابزارهای روز آشنا باشند.

طی این دو دهه، اتفاق‌های بدی برای تعلیم و تربیت افتاده است و به نظر من مخصوصاً در شهری مثل تهران، تأثیرگذاری آموزش و پرورش به شدت افت کرده است. همه این موارد نتیجه سیاست‌گذاری‌ها است، چون سرمایه‌گذاری نکرده‌ایم، نمی‌توانیم منتظر نتیجه‌ای هم باشیم.

■ تربیت دینی به‌ویژه در مدارس چه الزاماتی را باید رعایت کند تا تأثیرگذاری لازم را در این خصوص داشته باشد؟

”

در نسل قبل، در کنار نهاد خانواده آموزش و پرورش و مدرسه

تعیین‌کننده‌های بسیار مهمی در فرهنگ‌پذیری و دریافت معنای زندگی بودند اما امروزه این نقش تغییر کرده است. برای حفظ این تأثیرگذاری از سوی خانواده و مدرسه چکار باید انجام داد؟



شده است و والدینی که به‌شدت درگیر کار و خسته هستند، آلودگی هوا، ترافیک، ناکامی‌های اجتماعی و هزاران اتفاق دیگر را تجربه می‌کنند و توقع دارند که همه این کسری‌ها را نهادهای اجتماعی مثل مدرسه با پول برای فرزندشان جبران کنند. یا مثلاً فرزندانشان را به امید زندگی بهتر و رشد بیشتر به خارج از کشور می‌فرستند و با این کار، هم خودشان هم فرزندشان تنها می‌شوند. من به این اتفاقات رشد تمدنی می‌گوییم، یعنی جامعه ما برای شکل‌گیری تمدن خود باید این تجربیات را از سر بگذرانند. یعنی باید انتخاب کنیم که آیا به‌روز شده، خانواده گرم ایرانی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی را می‌خواهیم یا در جریان حوادث و مشکلات و گرفتاری‌ها هر روز به سمتی برویم و یک زندگی منفعل را تجربه کنیم؟ وقتی از این زاویه به قضیه نگاه کنیم، نتیجه کاملاً مشخص است. ولی وقتی مسائل و اتفاق‌ها را فقط در سطح خودشان بررسی می‌کنیم، احتمال اینکه تحلیل اشتباه داشته باشیم زیاد می‌شود، چون پشت قضیه را نمی‌بینیم. به نظر من دیدن پشت قضایا که خیلی از موارد آن به خانواده و در مرحله بعد جامعه مربوط است، کمک می‌کند تا از هیچ‌یک از اتفاق‌ها و رفتارهای جوانان تعجب نکنیم.

■ آیا این تغییرات رفتاری جوانان فقط در ایران هست یا کشورهای دیگر هم با آن مواجه هستند؟

خیر، در همه‌جای دنیا هست، منتها متناسب با مسائل خودشان این تغییر و تحول را تجربه می‌کنند، مگر در کشورهایی که به‌لحاظ تکنولوژی و ارتباطات ضعیف باشند.

■ در نسل قبل، در کنار نهاد خانواده، آموزش و پرورش و مدرسه تعیین‌کننده‌های بسیار مهمی در فرهنگ‌پذیری و دریافت معنای زندگی بودند اما امروزه این نقش تغییر کرده است. برای حفظ این تأثیرگذاری از سوی خانواده و مدرسه چه کار باید انجام داد؟

مهم‌تر از آموزش و پرورش این خانواده است که فرهنگ را پیش می‌برد. مثلاً رژیم طاغوت، برای رسیدن به اهدافش یعنی در مسیر بی‌دین کردن جامعه، افزایش ابتذال و ورود سبک زندگی غربی به زندگی ما خیلی آگاهانه و حساب شده و حتی آموزش و پرورش هم در این خصوص بسیار فعالانه عمل کرد. اتفاقاً، در همان حیطه‌ای که برای آن برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری کرده بودند، موفقیت‌هایی هم به دست آوردند. یعنی غرب‌زدگی که الان در جامعه به‌خصوص در افراد تحصیل کرده شاهد آن هستیم، محصول تربیت آموزش و پرورش آن زمان بوده است. ولی باز هم وقتی دقیق به این قضیه نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که نقش خانواده پررنگ‌تر بوده است. ما هر وقت خانواده‌ای قوی



یک بار دیگر در مورد اسلام مطالعه کند. اسلام می‌گوید مسجد ضراب باید خراب شود، یعنی مسجدی که کارکرد مسجدی ندارد و ضد دین هست باید خراب شود. روحانی‌ای که ضد اسلام عمل می‌کند را باید خلع لباس کرد.

امروزه جوان ما، فرزندان ما، می‌گوید هر کسی که صرفاً لباس روحانیت پوشیده باشد، مقدس نیست. هیچ‌وقت اسلام اصیل و شیعه، تقدسی که زاییده خرافات است را تأیید نکرده است. گاهی فردی کورکورانه کاری را انجام می‌دهد و بعد از بیست یا چهل سال پشیمان می‌شود، خوب از اول اشتباه کردی که آن کار را انجام دادی، چون اساس دین ما تقلیدی نیست، تحقیقی است. شما اجازه نداری بگویی چون پدرم گفت، چون جامعه گفت، چون معلم گفت! این رفتار در منطق دین ما پذیرفته نیست. دین می‌گوید باید از طریق عقل وارد دین شوی، یعنی ابتدا باید عقلانی مسئله را برای خودت حل کنی و بعد به توحید و اصول دین بررسی و وارد دین شوی. حالا هر دینی قواعد و قوانین خود را دارد. به تبع پذیرفتن عقلانی، شما وارد قسمت‌های بعدی می‌شوی. خوب این مسائل در حال شفاف‌شدن و تصریح‌شدن است و بچه‌های ما الحمدلله آگاهانه‌تر عمل می‌کنند و به سمت حقیقت دین بهتر پیش می‌روند، چون خانواده‌های ما آگاهانه‌تر عمل کردند. دوره‌های گذار هم همیشه افراط و تفریط و بالا و پایین دارد. حالا ممکن است فردی نماز را زیر سؤال ببرد، وقتی کسی این کار را می‌کند، نباید از زاویه نماز با او صحبت کرد، باید از او پرسید اصلاً چرا نماز؟ یا حجاب را زیر سؤال می‌برد، باید بپرسیم چرا حجاب؟ و در خصوص آن مسئله، ریشه‌ای صحبت کنیم. باید بگوییم با حجاب کاری نداریم، ولی چرا حجاب؟ چه کسی گفته؟ از کجا آمده؟ وقتی برمی‌گردیم و از ابتدا به موضوع می‌پردازیم، قطعه پازل حجاب سر جای خودش می‌نشیند. وقتی تظاهرات دینی که معیار ما برای تشخیص کم‌رنگ یا پررنگ شدن دین است را با سیره ائمه و رسول گرامی و علمای بزرگ اسلام در گذشته و حال بررسی می‌کنیم، متوجه می‌شویم که ظاهراً این گونه نیست. ما نباید به راحتی کسی را نقد کنیم و از دین برانیم زیرا سیره ائمه و بزرگان این گونه بوده که به راحتی با فرد گفتگو می‌کردند و حرفش را می‌شنیدند. با صبوری پاسخ می‌دادند، به او احترام می‌گذاشتند و به او محبت می‌کردند. سیره به‌روزترین کسی که ما دیده ایم، سردار سلیمانی عزیز بود، که خیلی به چشم آمدند، به دلیل اینکه ارتباطات اجتماعی گسترده‌ای هم داشتند، فرصت بیان و بازخوانی این مسائل را داشتند، روحشان شاد. این چنین است که، اسطوره‌ها، اسطوره می‌شوند، یعنی در زمینه‌های مختلف درست عمل می‌کردند، حتی در شناخت اسلام هم از خیلی از افرادی که لباس روحانیت به تن داشتند، او به‌روزتر بود، ولی خیلی از این افراد، العلم هو الحجاب الاکبر شدند، علم حجابی شده برایشان که حقیقت دین را نمی‌بینند، ولی چون ایشان درد دین داشتند و در کف جامعه زندگی می‌کردند، بنابراین چیزهایی را می‌دیدند و می‌فهمیدند که ماهایی که از دور می‌بینیم، آن را تحلیل می‌کنیم. به جای این تحلیل‌ها باید برویم و با این بچه‌ها صحبت کنیم.

ما الان در مدرسه با بچه‌ها زندگی می‌کنیم، من هیچ‌وقت احساس نکردم که حرف بچه‌ها را متوجه نمی‌شوم. ما همیشه می‌گوییم باید به آن‌ها احترام گذاشت زیرا او یک کودک نیست، یک انسان است و حقوق متقابل و برابر داریم. او یک مخلوق خداست و محترم است، من هم به همان اندازه محترم هستم. من کسی نیستم که باید او را به راه راست ببرم، من فقط در حد خودم یک چراغ راه هستم برای او و چه بسا او هم برای من چراغ راهی باشد. ما با هم زندگی می‌کنیم. یک تعداد پیش‌فرض اشتباه از قبل در ذهن برخی از فعالان حوزه تعلیم و تربیت در مدارس، در خانه و در جایگاه‌های مختلف بوده است که اشتباه بودن آن‌ها امروز به‌وضوح دیده می‌شود. این روند خوب است و به‌نوعی رشد محسوب می‌شود.

به نظر من گرایش بچه‌ها نسبت به دین بیشتر شده است و به‌نوعی حق‌مدارتر شده‌اند. دین یک پوسته‌ای دارد که هر چه می‌گذرد ما داریم از آن بیشتر فاصله می‌گیریم و به عمق آن نزدیک‌تر می‌شویم. به‌عنوان مثال، برخی از متفکرین می‌گویند که قدیم روحانیت ارزش و اعتباری داشت، هر کسی این لباس را می‌پوشید ارزش و قربی داشت، اما الان یک جوان صرف اینک یک نفر لباس روحانیت پوشیده باشد، مثل قدیم احترام نمی‌گذارد. از نظر من این رشد جامعه است. هر کسی و در هر شغلی باید یک حداقل احترام را داشته باشد، اگر در جامعه ما افرادی چه در گذشته، حال و حتی آینده به دیگران احترام نمی‌گذارند یا بر اساس لباسشان به آن‌ها احترام می‌گذارند، این یک مرض اجتماعی هست که باید درمان شود و فقط با آگاهی دادن برطرف می‌شود. جامعه ما در حال رسیدن به این مرحله است که بدون در نظر گرفتن لباس یا موقعیت شغلی باید به همه احترام گذاشته شود و این مسئله همان چیزی است که اتفاقاً دین ما هم به آن تأکید کرده است. به‌عنوان مثال، اگر کسی را به خاطر سمت یا لباسش تکریم کردی، فلان مجازات در انتظارت خواهد بود، یعنی به‌عنوان کار بد از این امر یاد می‌کند. پس این خیلی خوب است که کار بد دیگر انجام نشود و به دستور دینی عمل شود.

موضوع بعدی، درخصوص این امر هست که اگر یک نفر در موقعیت خاصی کار اشتباهی کند به تمام افراد آن گروه تعمیم می‌دهیم و می‌گوییم همه آن گروه چنین هستند، تازه آن شخص فقط یک رفتار اشتباه انجام داده است و شاید رفتارهای خوب بسیاری داشته باشد. یعنی بچه‌ها و والدین حق‌مدارانه سعی می‌کنند تا صرف پوشیدن لباس خاص کسی مقدس نشود. دین این موضوع را به ما یاد داده و اگر کسی می‌گوید این یعنی خروج از دین باید

”

ما نباید به راحتی کسی را نقد کنیم و از دین برانیم زیرا سیره ائمه و بزرگان اینگونه بوده که به راحتی با فرد گفتگو می‌کردند و حرفش را می‌شنیدند. با صبوری پاسخ می‌دادند، به او احترام می‌گذاشتند و به او محبت می‌کردند

درک مرحمت فرموده ما را ~~من~~ کنید

میزگردی با موضوع نسل زد با حضور مدیر و دانش‌آموزان متوسطه دوره اول مفید قیطریه



سلطانی: «یکی از ابعاد و موضوعات نسل نوجوان دغدغه آن‌ها درمورد درک نشدن از سوی نسل‌های قبلی است. در کنار یکی از جلساتی که با والدین داشتیم، از دانش‌آموزان هم یک تعداد سؤال پرسیده شد. یکی از سؤال‌ها این بود که بزرگ‌ترین خواسته شما از والدین خود چیست؟ بچه‌های الان از اینکه بزرگ‌ترها خیلی آن‌ها را درک نمی‌کنند بسیار شکایت دارند. ما درمورد نوجوان‌ها صحبت می‌کنیم و آن‌ها را نسلی می‌دانیم که ویژگی‌های خاصی دارند و نسلی هستند که قانون‌شکنی‌ها را بیشتر دوست دارند و تعریفشان هم از نظم چیز دیگری است. ولی آن‌ها چطور به ما نگاه می‌کنند و چگونه به این نتیجه رسیده‌اند که بزرگ‌ترها آن‌ها را درک نمی‌کنند.»

آقای سلطانی: اول خودتان را معرفی کنید و از خصوصیات خود یک یا دو مورد را بگویید و بگویید به نظر شما اولین دغدغه ذهنی بچه‌های هم‌سن شما چیست؟

علی: «علی دانش‌پرور هستیم. اولین موردی که به ذهنم می‌رسد، سخت بودن درس‌هاست. یکی دیگر از مشکلات نسل ما، تغییر نسل است، یعنی در این چند سال ممکن است والدین ما را درک نکنند و توقع‌هایی از ما داشته باشند که زیادی باشد یا اشتباه باشد. مثلاً درمورد سبک و نحوه درس خواندن ممکن است انتظارات آن‌ها برآورده نشود و از ما ناراحت شوند، چون ما با آن‌ها تفاوت‌هایی داریم. پس ممکن است که مشکلاتی به وجود بیاید.»

ایمان: «ایمان رحمانیان هستیم. دانش‌آموز دوره ۳۲ دبیرستان مفید هستیم. من هم مثل بچه‌ها بازی‌های اینترنتی می‌کنم ولی نه خیلی زیاد، در کنارش درس هم می‌خوانم. به نظرم دوره نوجوانی دوره شیطنت است و غیر از بازی‌های اینترنتی و فضای مجازی کنارش هم درس و موارد مشابه برای ما دغدغه هستند.»

هویار: «هویار ایمانی هستیم. بیشترین علاقه من به ورزش است، اما تئاتر و عکاسی هم انجام می‌دهم و در کل به کارهای هنری علاقه زیادی دارم. با بازی‌های اینترنتی زیاد حال نمی‌کنم و سمتش نمی‌روم و تا حالا تجربه‌اش را نداشته‌ام. به‌روز بودن برای من جذاب است و به نظرم دغدغه یک‌سری از نوجوان‌ها این است که با فناوری روز دنیا پیش بروند. این موضوع هم برای من هست، هم برای بچه‌های این سن و این نسل.»

ایمان: «به نظرم خود والدین عقیده دارند که ما را درک می‌کنند. به نظرم بهترین راه این است که خودشان را جای ما بگذارند.»

هویار: «به نظر من علت این تفاوت عجیب و زیاد بین نسل ما و نسل‌های قبل این هست که حداقل هفتاد درصد از اخلاق و رفتارهای انسان به محیط زندگی او مربوط می‌شود. ما یک پیشرفت تکنولوژی عجیبی داریم، اتفاقاتی در حال رخ دادن است که در زمان نسل‌های قبل نبوده و اگر هم بوده روند رشد کندتری داشته است. به نظر من وقتی محیط تغییر کند، اخلاقیات انسان‌ها هم تغییر می‌کند و این برای همه هست و نمی‌شود استثنا قائل شد. به نظرم نسل قبلی باید از زاویه دید یک نوجوان به مسائل مختلف امروز نگاه کند، بعد ببیند آیا می‌شود با طرز فکر خودش در شرایط حال زندگی کرد یا نه.»

سلطانی: «خب محیط شما چه ویژگی‌هایی دارد؟ ما هم نوجوان بوده‌ایم و این ویژگی درونی نوجوانی در همه نسل‌ها بوده، حالا چرا این شرایط برای شما فرق می‌کند؟»

هویار: «تکنولوژی و فرهنگ. تکنولوژی با حجم زیادی وارد زندگی ما شده است و اگر به بیست سال پیش برگردیم، چنین چیزهایی را نمی‌بینیم.»

سلطانی: «آیا تکنولوژی مزیتی برای این نسل محسوب می‌شود یا خیر؟ آیا من می‌توانم بگویم چون تکنولوژی در اختیار من بوده است، من مزیتی دارم؟»

هویار: «خب، این بستگی دارد که شما چطور از تکنولوژی استفاده می‌کنید.»

سلطانی: «آیا نسل شما درست استفاده می‌کند؟»

ایمان: «خیلی‌ها درست استفاده می‌کنند؛ مثلاً برنامه‌ریزی یا برنامه‌نویسی می‌کنند. بعضی‌ها هم از بازی‌هایی که با تکنولوژی ساخته شده است، استفاده می‌کنند.»

علی: «در حال حاضر درصد استفاده اشتباه بیشتر است. خیلی‌ها از تکنولوژی برای درس خواندن یا انجام سریع کارها استفاده نمی‌کنند. پس نمی‌شود گفت که تکنولوژی خوب است یا بد.»

به نظرم نسل قبلی باید از زاویه دید یک نوجوان به مسائل مختلف امروز نگاه کند، بعد ببیند آیا می‌شود با طرز فکر خودش در شرایط حال زندگی کرد یا نه؟

سلطانی: «پس یکی دیگر از موضوعات نسل حاضر تکنولوژی و جایگاه آن در زندگی ماست. به نظر شما، نگاه ما بزرگ‌ترها به تکنولوژی روز چیست؟»

علی: «به نظر من، بزرگ‌ترها نگاهشان به تکنولوژی منفی است و آن را وقت تلف کردن می‌دانند.»

سلطانی: «یعنی نسل قبلی بر این باورند که شما از تکنولوژی به درستی استفاده نمی‌کنید؟»

ایمان: «بله. واقعاً با بازی کردن مخالف و با برنامه‌نویسی موافق هستند. مثلاً پدر و مادر من خیلی دوست دارند که من این رشته را یاد بگیرم.»

هویار: «به نظر من دلیل نوع نگاهی که علی گفت این مسئله است که والدین ما در گذشته شرایط فعلی ما را تجربه نکرده‌اند، شاید بگویید الان تجربه می‌کنند. پس به نظرم وقتی کامل در این شرایط قرار نگرفته‌اند، دیدگاهشان قطعاً نقص‌هایی هم دارد. دیدگاه من هم صددرصد درست نیست اما، دیدگاهی درست است که تکنولوژی را نه کاملاً منفی بداند نه کاملاً مثبت.»

سلطانی: «یعنی یکی از دلایل احتمالی احساس درک نکردن تکنولوژی است، یعنی نسل قبل نگاهشان به تکنولوژی متفاوت است. پیش فرض آن‌ها مزاحم بودن تکنولوژی برای رسیدن به یک سری اهداف است ولی نسل زد می‌گوید تکنولوژی ابزاری برای استفاده است و این ابزار می‌تواند تکنولوژی، گجت‌های مختلف یا حتی سیستم‌های گیمینگ باشد. حالا به نظر تان کدام نسل تکنولوژی را بهتر می‌شناسد؟ یعنی به نظر شما کدام نسل باسوادتر است؟»

علی: «ما باسوادتریم.»

سلطانی: «چرا؟»

علی: «در برخورد با تکنولوژی، سواد ما بیشتر است. بعضی‌ها می‌گویند دهه‌نودی‌ها باهوش هستند؛ معمولاً ما وقت بیشتری را با تکنولوژی می‌گذرانیم برای همین اطلاعاتمان ممکن است بیشتر باشد.»

سلطانی: «آیا این اطلاعات همان سواد است؟ یک زمانی ما مقابل چیزی می‌نشستیم و همان برای ما صحبت می‌کرد ولی الان دو طرف یک ارتباط در بستر تکنولوژی با هم صحبت می‌کنند. حالا به نظر شما ما بی‌سواد بودیم یا نه؟»

هویار: «نمی‌شود دقیق گفت. در گذشته تلویزیون یکی از تکنولوژی‌های پیشرفته بوده است. شما اطلاعات کامل‌تری نسبت به والدین خودتان در مورد آن داشته‌اید ولی به نظرم نسل جدید در برابر مسائل خیلی جویاتر و کنجکاوتر هستند و با وجود امکانات و تکنولوژی بالای کنونی بیشتر به سمت آن رفته‌ایم تا پدران ما.»

سلطانی: «آیا می‌شود گفت که تکنولوژی بر شما سیطره پیدا کرده است؟ و اگر بگوییم که این نسل تحت سیطره قرار گرفته است، حس بدی در شما ایجاد می‌کند یا خیر؟»

علی: «بله. به نظرم آن‌هایی که روی پیشرفت تکنولوژی کار می‌کنند، افرادی نیستند که به فکر مردم عادی باشند. آن‌ها بیشتر فکر کسب درآمدزایی برای کمپانی‌های خود هستند؛ حتی همان شرکتی که خدمات شبکه اجتماعی ارائه می‌کند. پس به همین دلیل شاید برای ما خوب نباشد و ما تحت سیطره‌اش باشیم.»

سلطانی: «پس آیا می‌توان به‌عنوان یکی دیگر از ویژگی‌های این نسل، این موضوع را اضافه کنیم؟»

علی: «فرهنگ ما به خاطر قوی تر شدن رسانه‌ها، با فرهنگ‌های مختلف دنیا قاطبی شده است. اگر ما حاضر جواب شده‌ایم، شاید از اثرات فیلم‌ها یا حرف‌هایی است که از کشورهای مختلف دیده‌ایم. مثلاً اگر جمعیت ایران را می‌بردیم در یک جزیره یا یک سیاره دیگری که هیچ ارتباطی با خارج از آن نداشتند، فرهنگ ما تغییر نمی‌کرد.»

هوینار: «من اسم این رفتار را حاضر جوابی یا بی‌ادبی نمی‌گذارم. به نظرم منطقی نیست که می‌گویند پایت را جلوی بزرگ‌تر دراز نکن. این یعنی چه؟ خب وقتی پاهایم درد می‌کند، آن را دراز می‌کنم. حاضر جواب بودن هم به دلیل داشتن اطلاعات است. ما اطلاعاتی داریم که نسل قدیم در سن ما زمان خودشان نداشتند و مطمئن هستیم اگر آن‌ها هم همین قدر اطلاعات داشتند، مثل الان ما رفتار می‌کردند.»

سلطانی: «یعنی نسل زد نافی ادب نیست، نوع ادبیات شما متفاوت است؟»

علی: «البته به نظر من دو علت دارد که فرهنگ‌ها متفاوت شده است. یکی افزایش اطلاعات ما و دیگری هم تغییر سبک تربیتی والدین نسبت به گذشته است.»

سلطانی: «پس دو اتفاق افتاده است. یکی اینکه مرزهای فرهنگ برداشته شده است. مثل رنسانسی که در تکنولوژی رخ داد، الان رنسانس فرهنگی اتفاق افتاده است. در حقیقت، نسل گذشته، تحت سیطره آدابی قرار داشتند که نمی‌شود گفت غلط بوده است یا درست و والدین برای مواجه نشدن نسل جدید با تجربه‌های تلخی مثل کتک خوردن، که ما شاهد آن بودیم، تلاش کردند، ولی حالا با تغییر تعریف ادب مواجه شده‌ایم. هنوز باورهای ذهنی مان را در مورد بعضی موضوعات عوض نکرده‌ایم، اما نسل جدید رفتارهای دیگری نسبت به زمان ما بروز می‌دهند. حالا با پارادایمی روبه‌رو شده‌ایم که ما را دچار چالش کرده است و ما نسل زد را در این قضیه مقصر می‌دانیم. پس شاید ما باید مقوله تربیتی را تغییر و ارتقاء می‌دادیم. در

هوینار: «بله. باز هم می‌گویم برخی افراد این دیدگاه را دارند ولی من و حداقل یک‌سری از نوجوان‌ها این دیدگاه را نداریم. منظور شما از سیطره چیست؟ مثلاً اگر ۱۰ ساعت از ۲۴ ساعت را در تکنولوژی یا همان موبایل به سر ببریم، به نظرم شاید کمی کنترل نشده باشد اما واقعاً سیطره نیست. به نظرم کم کردن تکنولوژی و فرهنگ‌سازی آن بحث غلطی است و به نوعی بی‌احترامی به نسل ما محسوب می‌شود.»

سلطانی: «بیایید تکنولوژی را از رسانه جدا کنیم. اما باید بدانیم در عصر حاضر رسانه و تکنولوژی به شدت درهم تنیده شده است. خیلی از اتفاقات در شبکه‌های اجتماعی، فضاهای داخلی که در آن صحبت می‌کنیم یا جت‌هایی که تصمیم می‌گیرند ما چقدر راه برویم، بدوییم یا بپریم، این‌ها به نظرم سیطره تکنولوژی را نشان می‌دهند.»

سلطانی: «حالا نظرتان راجع به تفاوت مشتری و کاربر چیست؟ آیا نسل شما مشتری رسانه است یا کاربر آن؟»

علی: «باید کاربر باشیم ولی خیلی‌ها ممکن است که مشتری باشند و به نظر مشتریانی هستند که خودشان فکر می‌کنند کاربرند. برداشت من از کلمه مشتری خیلی عمیق تر است.»

ایمان: «به نظرم این دو مورد با هم در ارتباط هستند ولی همان طور که علی گفت، یک‌سری افراد فکر می‌کنند کاربر هستند، ولی در حقیقت مشتری هستند، ولی خیلی‌ها از این طریق کسب درآمد می‌کنند. در مورد سیطره تکنولوژی هم، این امر می‌تواند درست باشد چون استفاده ما کنترل نشده است و ما هنوز قادر به کنترل استفاده از آن نیستیم. مثلاً ما دو ساعت درس می‌خوانیم بعد که خسته می‌شویم، یک ربع با گوشی کار می‌کنیم که ببینیم دوستانمان در گروه چه گفته‌اند. در حقیقت ما دوست داریم کاربر باشیم ولی مصرف‌کننده‌ایم.»

هوینار: «به نظر من استفاده از رسانه بیشتر تبدیل به یک اعتیاد شده است و ما اگر یک ساعت از آن دور باشیم ذهنمان درگیر می‌شود و احساس خلأ می‌کنیم.»

سلطانی: «پس به نظر من باید یک برنامه‌ریزی درست برای استفاده از آن داشته باشیم.»

سلطانی: «اینکه ما اشکال را از سوی نسل زد می‌دانیم اشتباه است و در حقیقت اشکال از خود ماست. ما فکر می‌کنیم که رسانه ما باید قالب باشد، در حالی که جنس آن عوض شده است. پس اینکه ما این نسل را معتاد به تکنولوژی بدانیم، درست نیست. در حقیقت یک روند طبیعی تکامل بشری است و اگر به نظریه تکامل اعتقاد داشته باشید، به نظرم اتفاقاتی در حال وقوع است.»

علی: «در حقیقت این سیر تکامل از هزاران سال پیش بوده و هست، منتها سرعتش یک مقدار نوسان دارد و ممکن است خیلی چشمگیر باشد یا از یک حدی سریع‌تر نشود. چیزی که تغییر کرده توجه نسل‌ها به موضوعات است. شاید نسل گذشته درگیر مسائل جنگ بودند ولی الان همه توجه‌ها به سمت فضای مجازی و استفاده نوجوانان رفته است.»

هوینار: «به نظر من تکامل انسان به واسطه تکامل محیط اتفاق می‌افتد و تکامل چیز بدی نیست.»

سلطانی: «یکی از ویژگی‌های بارز نسل شما حاضر جوابی است و اینکه در مقابل حرف بزرگ‌تر کوتاه نمی‌آیید. آیا این جوروری هستیید واقعاً؟ البته نکته مثبت این است که شما راحت گفت‌وگو می‌کنید ولی منطبق این است که بی‌ادب هستیید.»

ایمان: «بستگی دارد حرف بزرگ‌ترها درست باشد یا نه! اگر درست باشد که حرفی نداریم، ولی اگر غلط باشد ما با بزرگ‌ترها بحث می‌کنیم و آن را حل می‌کنیم.»



خیلی‌ها از این طریق کسب درآمد می‌کنند. در مورد سیطره تکنولوژی هم، این امر می‌تواند درست باشد چون استفاده ما کنترل نشده است و ما هنوز قادر به کنترل استفاده از آن نیستیم

سلطانی: «یعنی تو نمی‌گویی که قطعاً آینده روشن است؟»

هویار: «نه به نظرم ممکن است حتی خیلی بدتر هم شود و هیچ‌وقت این اتفاق نخواهد افتاد که من روی نسل بعدی یا شما روی نسل بعدی تون درک کامل داشته باشید.»

علی: «به نظر من آینده کلاً می‌تواند روشن باشد. منتها روشن بودن ممکن است از نظر نسل قبلی غلط باشد. مثلاً نسل شماها می‌گویند که زمان ما خوشی‌ها خیلی بهتر بود، ولی الان این‌ها فقط در خانه می‌نشینند بازی آنلاین می‌کنند و خوشی می‌کنند اما این‌ها خوشی‌های سطحی است. در صورتی که ما همان قدر از فضای مجازی لذت می‌بریم که نسل قبل از تفریحات خود لذت می‌برد.»

سلطانی: «طی پرسش‌نامه‌ای که توسط دانش‌آموزان پرس شد، آن‌ها دو خواسته از والدین خود داشتند. یکی مورد احترام قرار گرفتن و دیگری اینکه والدین کمتر کار کنند و زمان بیشتری را در کنار فرزند خود باشند. به نوعی، همین ادبی که ما احساس می‌کنیم نسل زد ندارد، این نسل هم احساس می‌کند ما نداریم. تازه ما به نظر فرهیخته‌تر هستیم، تجربه و دانش بیشتری هم داریم. کلی مطالعه کردیم و دوره‌های مختلف شرکت کردیم که یاد بگیریم چگونه با این نسل برخورد کنیم. ولی فرزندان ما می‌گویند به ما احترام بگذارید و اتفاقاً با ما باشید. دقیقاً همان خواسته‌ای که ما از آن‌ها داریم. اینجا به نظرم نکته‌ای وجود دارد. انگار ما می‌خواهیم خودمان باشیم، این‌ها هم می‌خواهند خودشان باشند اما یک نفر باید پارادایمش را تغییر دهد. یا باید از نسل زد بخواهیم پارادایم خود را عوض کند که من منطقی نمی‌دانم یا اگر ما احساس عاقلی می‌کنیم، باید خودمان را تغییر دهیم. فکر می‌کنید چه بخش‌های دیگری از جامعه در رفع مشکل و بهبود این فضا تأثیرگذار هستند؟»

هویار: «حرف‌ها و عقاید افرادی که به واسطه جایگاه ویژه‌شان در بین مردم تأثیرگذاری بالایی دارند یا کسانی که رسانه‌ها را کنترل می‌کنند، بسیار بر عقاید مردم اثرگذار است و به نوعی رفتار مردم را رهبری می‌کنند.»

علی: «به نظرم یک نفر سوم یا واسطه مثل یک دهه‌هفتادی باید تحقیق و بررسی کند و بسنجد که کدام گروه نسلی درست می‌گوید و کدام گروه باید اصلاح شود! نسل ما یا والدین ما؟»

ایمان: «به نظر من هم قضاوت فرد سوم درست است. من هم دوست ندارم تکنولوژی آن قدر پیشرفت کند که همه چیز مجازی شود و ما هر اتفاقی بیفتد، ما نتوانیم دوستان خود را ببینیم.»

سلطانی: «حس شما راجع به این گفت‌وگو چی بود؟»

هویار: «این سبک صحبت‌ها باید در جامعه فرهنگ‌سازی شود. از طرف به قول شما نسل زد، تعدادی نماینده بودند و از نسل شما نماینده‌هایی بودند و با هم صحبت کردیم. باید فرهنگ‌سازی شکل بگیرد که بیش از حد کاری به کار هم نداشته باشیم و عقاید قدیمی خودتان را به نسل بعدی تحمیل نکنید. در مجموع گفت‌وگوی خوبی بود. به نظرم افرادی که بتوانند همه دغدغه‌ها را بشنوند و جبهه نگیرند کم هستند. اگر این فضاها در جای بزرگ‌تری و با حضور افراد بیشتری باشد، هم قشنگ‌تر و هم تأثیرگذارتر خواهد بود.»

ایمان: «به نظرم اگر بخواهیم عنوانی را برای صحبت‌های امروز در نظر بگیریم، می‌توانیم بگوییم در خصوص نقش تکنولوژی در فرهنگ ایران یا تأثیری که در نسل‌های مختلف می‌گذارد، صحبت کردیم. گفت‌وگوی خوبی بود، تجربه حضور در چنین محافلی را قبلاً نداشتیم.»

علی: «من هم از اینکه توانستم در جایی حرف‌هایم را بگویم، حس خوبی دارم و همیشه فکر می‌کردم کجا می‌توانم در مورد دغدغه‌هایم صحبت کنم تا منتشر شود و افراد مختلف آن‌ها را بخوانند.»



واقع تربیت‌کنندگان نسل زد، اسیر تکنولوژی شده‌اند ولی فقط ظواهر را تغییر داده‌اند.»

سلطانی: «نگاه شما به آینده چطور است؟ آیا آینده خودتان را روشن می‌بینید؟»

علی: «روشن‌تر از نسل قبل ولی از نسل بعدی نه.»

سلطانی: «یعنی فکر می‌کنید آینده شما از آینده ما روشن‌تر خواهد بود؟»

علی: «همان بحث تکامل هست و اینکه هرچه به جلوتر برویم، آینده روشن‌تر می‌شود و نسل‌های بعدی ما در وضعیت بهتری خواهند بود. ولی ما نسبت به الان هم خیلی پیشرفت کرده‌ایم ولی به نسل‌های آینده نمی‌رسیم.»

هویار: «در مورد آینده نظری نمی‌دهم. چون آینده ساخته تصمیم‌های خود ماست. بستگی دارد نسل ما به چه سمتی برود. اگر آینده فقط منظور این هست که زندگی ما بهتر یا خوش‌تر شود که خوب به نظرم این تعریف ناقصی از آینده است. تعریف من از آینده نامعلوم است.»

”

به نظرم یک نفر سوم یا واسطه مثل یک دهه‌هفتادی باید تحقیق و بررسی کند و بسنجد که کدام گروه نسلی درست می‌گوید و کدام گروه باید اصلاح شود! نسل ما یا والدین ما؟

نسل اپلیکیشنی

مصاحبه با هاجر مقیم خان
مدرس سواد رسانه و راهبر متوسطه دوره دوم دخترانه مفید



■ مهم‌ترین ویژگی‌های دهه‌هشتادی‌ها یا نسل زد چیست؟

ابتدا در یک انیمیشن یا حتی بازی شکل گرفته است و من فکر می‌کنم ارتباط آن‌ها با فضای واقعی، که اتفاقاً فلسفه زندگی همین است، از ابتدا در یک ساختار دیگر شکل گرفته است. بنابراین تفاوت از اینجا ناشی می‌شود و این تفاوت ارزشی نیست که بتوان به آن برچسب خوب یا بد زد. وقتی بچه‌ای از دو سالگی با لمس کردن صفحه موبایل یک اتفاق را رقم زده است و در بازی یک مرحله جلوتر رفته است، من فکر می‌کنم که دنیا را هم بازی می‌بیند. به این معنی که این مرحله را رد کنیم و به مرحله بعد برویم. این موضوع هم در ساختار ذهنی‌شان شکل گرفته است و هم ادبیات گفتاری آن‌ها را تحت تأثیر

به نظر من، نسل زد از بن و ریشه و به‌لحاظ مغزی، ساختار مغزی و تجربه‌هایشان با نسل‌های قبل، متفاوت هستند. ما آدم‌ها برای تمام زندگی و مفاهیم آن، از ابتدا بر اساس تجربه‌ها و هر آنچه که از واقعیت در مغزمان شکل گرفته است، برنامه‌ریزی می‌کنیم. در حقیقت برای آنچه که در ذهن ما بازنمایی می‌شود، برنامه‌ریزی می‌کنیم. من فکر می‌کنم، این موضوع از ابتدا در این نسل به شکل دیگری بوده است، یعنی از وقتی چشم باز کرده‌اند، دنیا را به شکل دیگری دیده‌اند. حتی من گاهی سر کلاس سواد رسانه به بچه‌ها می‌گویم شما هیچ تجربه نابی ندارید و آن‌ها می‌گویند: «ما هر باور و اعتقادی داریم، همه از رسانه است و از کودکی این تجربه را به این شکل دریافت کرده‌ایم.» ولی برای ما و نسل‌های قبل متفاوت است. به‌عنوان مثال: ما تجربه عشق را از طریق کتاب یا قصه‌ای که شنیده‌ایم، دریافت کرده‌ایم، اما برای این نسل از

آن حرف می‌زنیم. این آموزش معکوس به این معناست که بچه ابتدا کلیپ آموزشی را ببیند بعد سر کلاس حاضر شود، یا حتی آموزش ترکیبی متناسب با این نسل است، چون واقعاً آموزش سنتی برای این نسل جواب نمی‌دهد. به نظرم مهم‌ترین ویژگی‌ای که این نسل دارد و به ساختار فکری آن‌ها برمی‌گردد، این است که هیچ چیزی برای من محدودیت ندارد و اصلاً چیزی به نام محدودیت وجود ندارد. رسانه محدودیت زمان و مکان را از بین برده است و بچه‌های نسل معتقدند زمان و مکان وجود ندارد.

ما سال‌های قبل تلاش می‌کردیم به بچه‌ها بفهمانیم محدود نباشند. الان برعکس شده و بچه‌ها معتقدند محدودیتی وجود ندارد. هر چیزی که نشد، جایگزینی دارد زیرا ذهن آن‌ها باز و پویا و فعال است. هر کدام از این موارد می‌تواند فرصت باشد. ارائه راهکار سخت است، چون ما تجربه‌ای از آن نداریم و فقط حدس می‌زنیم این‌ها قرار است در جامعه چطور باشند. ولی اینکه بتوانیم بگوییم دقیقاً قرار است چه اتفاقی برای بچه‌ای با این ویژگی‌ها رخ دهد، خیلی پیش‌بینی‌پذیر نیست. یا مثلاً احتمالاً وقتی به آن‌ها درباره خانواده می‌گوییم، برایشان خانواده یعنی محدودیت. وقتی می‌گوییم مدرسه یا دانشگاه، می‌گویند هزار کورس آموزشی آنلاین هست که می‌توانیم بگذرانیم و مدرکش را بگیریم، یا تغییراتی که در شغل‌ها وجود دارد یا دور کاری‌هایی که هست، همه چیز هم‌زمان با تغییر طرز تفکر تغییر می‌کند و جامعه به سمتی می‌رود که محدود نبودن ذهن باعث خلاقیت، ایجاد شغل، ایجاد فضای جدید می‌شود که برای من هیجان‌انگیز است. من به‌جز رعایت نکردن یک‌سری آداب، هرگز در برخورد با این نسل اذیت نشده‌ام و از آن لذت برده‌ام.

■ چطور می‌توانیم رعایت اصول و پایبندی به قوانین را به این گروه سنی آموزش دهیم؟

من یک مثال بزنم: در مدرسه بعضی بچه‌ها گاهی لاک می‌زنند. وقتی دلیلش را می‌پرسیم، می‌گویند لاک‌زدن چه تأثیری روی درس من دارد؟ رعایت برای این نسل معنایی ندارد که من باید اصولی را رعایت کنم.

وقتی برای بچه‌ها وارد مثال می‌شویم و می‌پرسیم آیا در بازی‌هایی که انجام می‌دهید، برای رسیدن به مرحله بعدی قانونی وجود ندارد یا نباید برای رسیدن به هدف از مسیر خاصی حرکت کنی؟ انگار در این فضا برایشان قابل فهم می‌شود. اما احساسی که از واقعیت دارند عجیب است. واقعاً احساسی ندارند و از فضای واقعی خیلی دورند. این ویژگی نه مثبت است، نه منفی! فقط یک خلصت محسوب می‌شود که این‌ها دارند. سطح درک و شعورشان به نسبت بچه‌های ده سال پیش بالاتر است. وقتی بخواهیم موضوعی را برایشان تحلیل کنیم، اتفاقاً چون ابعاد مختلفی را در فضای مجازی دیده‌اند، فضا برایشان خیلی پذیرفتنی‌تر است. وقتی گفتگو می‌کنیم، باب تحلیل برای بچه‌ها باز می‌شود اما این مرز نداشتن را نمی‌دانم باید چه کرد. خیلی جنبه‌های خطرناکی دارد. مثلاً چرا باید خانواده تشکیل داد، وقتی می‌شود حتی در چارچوب شرعی مسئولیتی به عهده نگیری و نیازهایت را برآورده کنی. یا گاهی حتی در شرایط غیرشرعی این‌ها موضوعاتی است که پاسخی برای آن نداریم. یا وقتی در موضوعات دینی به سمت فضای پررشتی می‌روند، جواب‌دادن به آن سخت می‌شود. به‌عنوان مثال، من چند وقت پیش به یکی از بچه‌ها گفتیم راست می‌گویی، ممکن است من هم که چهل سال است نماز می‌خوانم، ندانم برای چه می‌خوانم، اما برخی اعمال اطاعت است که بچه‌ها هیچ ایده‌ای درباره اطاعت ندارند. بخشی از این رفتارها، تأثیرات بازی‌هایی است که از بچگی انجام می‌دهند. در کل تعداد چیزهایی که برای آن‌ها محدودیت ایجاد می‌کند، بسیار کم است. تربیت خانواده‌ها هم خیلی مؤثر است چون محدودیت‌ها در خانواده‌ها کم شده است. محدودیت نداشتن گاهی مثبت است و باعث خلاقیت می‌شود و گاهی خطرناک است.

■ تفاوت ویژگی‌های نسل امروز با همین گروه سنی در دهه‌های گذشته چیست و رفتار صحیح در مواجهه با این تفاوت‌ها چیست؟

گاهی فرزند ما روی یک رسانه‌ای حساس است و به آن علاقه دارد. مثلاً بیش از اندازه موسیقی گوش می‌دهد یا انیمیشن می‌بیند یا بازی می‌کند، وقتی با آن‌ها صحبت می‌کنیم انگار در

قرار داده است. تجربه‌های این نسل به شکلی است که هر اشتباهی با یک دکمه پاک می‌شود. وقتی به این شکل به آن‌ها نگاه می‌کنی و در دنیای آن‌ها قرار می‌گیری، می‌بینی کارهایشان غلط و اشتباه و خارج از ادب نیست و این نگاه باعث شده است که من بهتر با آن‌ها ارتباط بگیرم.

■ رویکرد مدرسه برای جذب و آموزش این نسل باید چگونه باشد؟

چون کار من همیشه در آموزش دیجیتال بوده است، قبل از دوره کرونا، برنامه‌هایی طراحی کردیم که بچه‌ها بتوانند برخی آموزش‌ها را در فضایی غیر از مدرسه تجربه کنند؛ زیرا می‌دانستیم ممکن است مدرسه تا چند سال دیگر جایگاه فعلی را نداشته باشد. از این جهت من اگر می‌گویم مدرسه همه منبع من برای فهم دنیاست، این چارچوب در حال شکستن است. حتی گاهی بچه‌ها می‌گویند من اگر این کلاس را شرکت نکنم، چیزی را از دست نمی‌دهم چون فیلم آموزش درس‌های فیزیک در اینترنت هست. معیار ما معلم‌ها برای سنجش این است که مثلاً اگر کسی در کلاس فیزیک شرکت نکند، چه چیزی را از دست می‌دهد. چون به‌زای آن هزاران کلیپ آموزشی فیزیک وجود دارد. آیا کلاس من برتری‌ای نسبت به آن‌ها دارد؟ اگر ندارد، فکری برایش کنم. بچه‌هایی که خیلی اهل استفاده از اینترنت هستند، معتقدند با فیلم آموزشی یاد می‌گیرم پس برای آموزش نیازی نیست سر کلاس بنشینم تا معلم به من درس بدهد و من بنویسم. من و معلم با هم برابریم. مثلاً در مورد آموزش‌های زبان، بچه‌ها می‌گویند وقتی این‌قدر اپلیکیشن ترجمه هست، چرا باید زبان یاد بگیریم؟ ما هم جواب‌هایی داریم. مثلاً اینکه مغز با حفظ کردن لغات ورزیده می‌شود، یادگیری هر زبان باعث تغییر ساختار ذهنی می‌شود و اینکه هر زبان وابسته به یک فرهنگ است. آن‌ها معتقدند معنی هر لغت را به راحتی جستجو می‌کنند یا گوگل ترنسلیت کار ترجمه را انجام می‌دهد. درس‌های تخصصی دیگر هم به این شکل هستند. مدرسه به‌جای اینکه دانای کل باشد، می‌تواند تسهیل‌گر باشد و راه را به دانش‌آموز نشان دهد. یا معلم بگوید این فیلم را ببینید و بعد درباره

”

ما آدم‌ها برای تمام زندگی و مفاهیم آن، از ابتدا بر اساس تجربیات و هر آنچه که از واقعیت در مغزمان شکل گرفته است، برنامه‌ریزی می‌کنیم. در حقیقت برای آنچه که در ذهن ما باز نمایی می‌شود، برنامه‌ریزی می‌کنیم

هم آن‌ها را به سمتی سوق دهند که در فضای مجازی تولیدکننده محتوای غنی باشند، یعنی فکر و تحلیل داشته باشند. زیرا وقتی به بچه‌ها می‌گوییم تحقیق کنید، برداشت آن‌ها از تحقیق، سرچ است. در حال حاضر، چیزی به نام ندانستن برای بچه‌ها معنا ندارد، چون با یک سرچ در لحظه متوجه هر مطلبی می‌شوند. لذا برای تحقیق باید به آن‌ها کتاب و مرجع معرفی کرد. باید از نظر ذهنی به هم نزدیک شویم و ادبیاتمان را یکی کنیم تا به نتیجه برسیم.

من با استفاده از تلفن همراه مشکل ندارم. اتفاقاً معتقدم اگر بچه در موبایل کتاب می‌خواند، اشکالی ندارد. هدف ما از کتاب خواندن آشنانشدن با اندیشه‌های مشهور و تفکرات جهان است. بچه‌ها کمتر رمان می‌خوانند، چون تجربه فیلم برایشان جذاب‌تر است. کتاب اگر فقط لغت است، فیلم صدا و تصویر و حرکت را با هم دارد و جذاب‌تر است. اگر فیلم‌ها را والدین و مدرسه هدفمند انتخاب کنند و به بچه‌ها معرفی کنند، آن‌ها مطالب بسیاری دریافت می‌کنند. در مدرسه مفید، مدتی اشتراک اپلیکیشن طاقچه را به همه داده بودند و خیلی از معلمان ناراحت بودند و معتقد بودند دانش‌آموزان باید کتاب را لمس کنند، اما من با این دیدگاه موافق نبودم چون موضوع اصلی یادگیری است که هم از روی کتاب و هم گوشی اتفاق می‌افتد. مهم این است که هدف ما محقق شود. وقتی از مضرات کتاب دیجیتال به بچه‌ها می‌گوییم، پاسخ آن‌ها جایگزین کردن آن با کتاب صوتی است. این یعنی آن‌ها برای وارد کردن دانش به مغز خود از حس دیگری استفاده می‌کنند که می‌تواند عمق نداشته باشد اما مؤثر باشد.

برای ورود به جامعه و خانواده، به محتوای جدید در این حوزه نیاز داریم. هیچ‌کدام از گزاره‌هایی که تا الان داشته‌ایم، برای این نسل کارآمد نیستند. اگر بخواهیم سوار این قطار شویم، باید عجله کنیم و هم‌پای آن‌ها محتوا داشته باشیم. خیلی وقت‌ها می‌توانیم ذهنمان را به آن‌ها نزدیک کنیم و در خیلی از موارد هم نمی‌توانیم.



این نسل، سریع بلاک می‌کند و در دنیای واقعی مثل فضای مجازی عمل می‌کند، یعنی وقتی بلاک می‌کند دیگر تو را نمی‌شنوند. تلاش ما این است که این اتفاق نیفتد. تمام معناهایی که در فضای مجازی است برای بچه‌ها در دنیای واقعی وجود دارد و آن را وارد فضای زندگی می‌کنند

دنیای واقعی خلأی دارند که در آن رسانه جبران می‌شود. مثلاً حس برنده شدن، که در دنیای واقعی به آن نمی‌رسند. یا اینکه دوست دارند از فضای واقعی خارج شوند و تجربه‌های متفاوتی از عشق، ترس و بودن در فضای فانتزی داشته باشند. آن‌ها کسب تجربه در فضای مجازی را به بودن در فضای واقعی ترجیح می‌دهند. کمتر نوجوانی را می‌بینم که درگیر اخبار واقعی و درست باشد، اما درگیر اخبار سایت‌های فیک و احمقانه هستند. آن‌ها به دنبال دانستن نحوه ایجاد خبر و اینکه از کجا آمده نیستند. یکی از بچه‌ها گفت: «من هرگز در اینستاگرام نگاه نمی‌کنم چه کسی چه چیزی ارسال کرده است و فقط در اکسپلور اینستاگرام در حال دیدن کلیپ و عکس هستم.» گفتیم: «هیچ وقت آی دی فرستنده را بررسی نمی‌کنی؟» گفت: «نه، هیچ وقت!» این فرد به سواد رسانه نیاز دارد، ولی همه این اتفاق‌ها باید در یک چارچوب جدید رقم بخورد. من اصلاً نمی‌توانم در چارچوب‌های قدیمی از بچه بخواهم قرآن بخواند و بگویم مسیر زندگی‌ات را با قرآن پیدا کن. دو آیه که بخواند، می‌گوید این از ما خیلی فاصله دارد معلوم نیست در چه زمانی، یک قومی چه کاری کرده که خدا حرفی درباره آن گفته است و دائم در حال زیر سؤال بردن اهداف اصلی دینی هستند. این می‌تواند هم خوب و هم خطرناک باشد. گاهی فکر می‌کنم اینکه می‌گویند دین‌داری در آخرالزمان سخت است، شاید همین باشد. البته نمی‌دانم ما در آخر زمان هستیم یا نه! اما این بچه‌ها بنیان‌های دینی را زیر سؤال می‌برند و کسی نیست که برای آن‌ها جوابی داشته باشد. اگر جوابی هم باشد، با چارچوب‌های فکری و ساختار ذهنی این نسل نمی‌خواند. مثلاً بسیاری از انیمیشن‌سازها و بازی‌سازهای ایرانی تلاش کرده‌اند که بازی‌های دینی بسازند اما انگار بر اساس ساختار ذهنی قدیمی یا تکنیک‌های جدید محتوا تهیه کرده‌اند. به نظرم مهم‌ترین کار این است که بدانیم نوجوانان چه مدلی فکر می‌کنند و بر اساس مدل فکری آن‌ها عمل کنیم. قبلاً قانون می‌گذاشتیم و می‌توانستیم با راه‌های سفت و سخت آن را عملی کنیم، اما الان کاری که پیشنهاد کردیم این است که به شکل بازی و مرحله‌ای پیش برویم. مثلاً اگر لاک زدی مرحله بعدش فلان اتفاق می‌افتد. یعنی مثل مارپله و امتیاز دادن عمل کنیم. اینکه این امتیازها کم‌وزیاد شوند و در قالب بازی دربیاید، مهم است. یکی از بهترین راهکارهایی که در مورد این نسل جواب می‌دهد، حرف‌زدن در ساختار ذهنی آن‌هاست. باید بر اساس آن برایشان تصمیم‌گیری کنیم تا حداقل از آن‌ها فاصله نگیریم.

این نسل، سریع بلاک می‌کند. در دنیای واقعی هم مثل فضای مجازی عمل می‌کنند، یعنی وقتی بلاک می‌کنند دیگر تو را نمی‌شنوند. تلاش ما این است که این اتفاق نیفتد. تمام معناهایی که در فضای مجازی است، برای بچه‌ها در دنیای واقعی وجود دارد و آن را وارد فضای زندگی می‌کنند، یعنی معیارهایشان پیکسل است. دنبال شیفت Z، بلاک و هاید کردن هستند. زندگی با این نسل، مانند قطاری است که با سرعت می‌رود؛ یا سوارش می‌شوی یا اگر نشوی باید با بچه خداحافظی کنی چون آن‌ها با سرعت می‌روند.

■ تربیت دینی به‌ویژه در مدارس چه الزاماتی را باید رعایت کند تا تأثیرگذاری لازم را در این خصوص داشته باشد؟

قبلاً به ما می‌گفتند اگر اذان گفتند، هر کاری در خانه انجام می‌دهی حتی آشپزی یا بازی با بچه را رها کن و نماز بخوان، بعد بچه نمازخوان می‌شود و اول وقت نماز می‌خواند. این جواب نمی‌دهد! ممکن است تأثیرات سطحی بگذارد، اما در چارچوب فکری بچه این نیست که بینم دیگری چه می‌کند، من هم انجام دهم. آموزه‌ها با فرمولی که قبلاً داشتند، برای بچه‌های این نسل جواب نمی‌دهد و باید ساختار ذهنی آن‌ها را شناخت. سیاست ذهنی من این است که در وهله اول، بچه‌ها را دفع نکنیم و در مرحله بعدی، کار موثر هم انجام دهیم، زیرا آن‌ها به راحتی افراد را از دایره اطرافشان حذف می‌کنند. باید دائم از مثال واقعی استفاده کنیم تا احساساتشان را بیدار کنیم، هرچقدر هم تلاش کنیم آن‌ها را از فضای مجازی دور نگهداریم، تنها در صورتی موفق می‌شویم که جایگزین خوبی به جای آن داشته باشیم. اینکه بدون هیچ جایگزینی، گوشی را از بچه بگیریم، بی‌اثر است. باید چیزی مثل سینما، رستوران، خاله‌بازی یا هر چیز دیگری را جایگزین آن کنیم. دائم غرزدن بی‌فایده است، باید جهت‌دهی کنیم و این امر در خانواده امکان‌پذیرتر و در مدارس سخت‌تر است؛ اما محال نیست.

این موضوع مربوط به خانواده است که هم کمک کنند بچه‌ها از منابع اصیل استفاده کنند و

نسل انتخابگر، نسل هوشمند

مصاحبه با مهسا قربانی دبیر مطالعات اجتماعی پایه هفتم



یک کلیک می‌تواند وارد فضای جهانی و تعاملی و ارتباطی شود و در این فضا برای آن‌ها اتفاقاتی رخ می‌دهد که با تجربه نسل قبل متفاوت است. این نسل به راحتی و به سرعت از طریق عضویت در شبکه‌های اجتماعی با اتفاقات جهانی روبه‌رو می‌شود و وارد جهان‌هایی می‌شود که اصلاً شاید تا پیش از این برای خیلی‌ها و حتی برای نسل ما اصلاً مقدور نبوده است. کار کردن با این ابزار و تکنولوژی هرچقدر برای نسل‌های قبلی سخت بوده باشد، برای نسل جدید یا همان نسل زد، بسیار سهل و آسان است. زیرا تا چشم باز کرده‌اند این شرایط را دیده‌اند و این فضا در اختیارشان بوده است. به هر حال نسلی که این طور به ارتباطات جهانی وصل می‌شود و به راحتی می‌تواند وارد فضای اطلاعاتی شود. شناخت و آگاهی آن‌ها هم به خاطر دسترسی راحت‌تر به فضاها و اطلاعات مختلف، بیشتر می‌شود اما کیفیت این شناخت و آگاهی غالباً سطحی است. یعنی اطلاعاتی به وسعت یک دریا با عمق کم دارند اما به خاطر میزان دسترسی به اطلاعات بیشتر با مفاهیم و ارزش‌های جدیدی هم آشنا می‌شوند که جهان شمول است. یعنی با ارزش‌هایی مواجه می‌شوند که مختص شهر یا حتی کشور خودشان نیست. یعنی دائماً با ارزش‌هایی برخورد می‌کنند که در جاهای مختلف دنیا وجود دارد. گاهی این ارزش‌ها با ارزش‌های محیط زندگی من، نزدیک است ولی گاهی اوقات هم ممکن است به این نتیجه برسیم که با ارزش‌های ما در تضاد است و متفاوت است. این ارزش‌ها از طریق همین ارتباطات و

■ نسل زد یا دهه‌هشتادی‌ها به چه گروه سنی می‌گویند و مهم‌ترین ویژگی این نسل چیست؟

نسل زد یک مفهوم جهانی است. آن‌ها نسلی هستند که با ویژگی‌های خاصی تعریف می‌شوند، تجربه‌های مشابهی دارند و از بدو تولد با پدیده‌های به اسم تکنولوژی آشنا شدند. در ایران به متولدین اواسط دهه هفتاد تا اواخر دهه هشتاد شمسی می‌گویند. آن‌ها نسلی هستند که از وقتی چشم باز کرده‌اند، یعنی از همان ابتدای کودکی به انواع تکنولوژی مثل رایانه، موبایل، اینترنت و در نتیجه به انواع شبکه‌های اجتماعی و جریان آزاد اطلاعات دسترسی داشته‌اند. این نسل ارتباطات سریع، ارتباطات کوتاه و پیامکی، ارتباطات تصویری و فضای مجازی را از کودکی تجربه کرده است. یعنی ما با نسلی سروکار داریم که با

حتماً می‌شد پیش‌بینی کرد و پیش از این اتفاق، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان قطعاً هشدارهایی داده‌اند. منتها برای حفظ ارزش‌های یک جامعه و نهادینه کردن آن‌ها برای کودکان، نوجوانان و آدم‌هایی که در آن جامعه زندگی می‌کنند، مسیری باید طی شود. درونی کردن ارزش‌ها از بدو تولد یک کودک تا حتی سال‌های بعدی زندگی یعنی در جوانی یا بزرگسالی ادامه دارد. چه کسی وظیفه درونی کردن ارزش‌ها را برعهده دارد؟ ما می‌گوییم جامعه. یعنی جامعه‌شناسان می‌گویند: «وظیفه جامعه این است که ارزش‌ها را درونی کند.» این جامعه یعنی خانواده، رسانه، مدرسه، تمام گروه‌های دوستان و آشنایان دور و نزدیک هر کدام به‌نحوی این وظیفه را دارند. مهم است که بدانیم کجای این مسیر کج شده یا کجا خوب پیش رفته است و در انتقال ارزش‌ها و فهم و پذیرش آن‌ها خوب عمل نکرده‌ایم. به‌عنوان مثال ما دهه‌شصتی‌ها عموماً بچه‌هایی هستیم که به انقلاب و فضای جنگ نزدیک هستیم. یعنی وقتی برای ما قاصه یا خاطراتی از آن زمان تعریف می‌کنند، ما آن‌ها را دیده‌ایم و لمس کرده‌ایم و این قصه‌ها و خاطرات برایمان معنایی دارد. ولی نسل‌های بعدی از آن دور بوده‌اند و حداقل به‌لحاظ فیزیکی درک نکرده‌اند، ولی باید می‌شنیدند که نشنیدند و برایشان ملموس نبوده است یعنی این ارزش‌ها باید یک جایی خودش را نشان می‌داده در واقع حاکمیت باید برای شناساندن این ارزش‌ها و اقبال این نسل تلاش بیشتری می‌کرد، زیرا این ارزش‌ها ارزش‌های درونی جامعه ما هستند. چرا نقش ارزش‌های ملی کم‌رنگ می‌شود؟ چون تعلقمان به وطن کم‌رنگ می‌شود. چون ارزش‌های ملی برایمان کم‌رنگ می‌شود. وطن، هویت ملی برای نسل نوجوان و جوان معنایی ندارد و بعضاً با گزاره‌های سیاسی و عملکرد حاکمیت خلط می‌شود. این موضوع به‌درستی برای نسل جدید درونی نشده است. نوجوان ما احساس تعلق و پیوندش با وطن و عناصر هویت ملی مثل پرچم، سرود، تاریخ، شخصیت‌های برجسته فرهنگی و هنری و قهرمانان ملی و... پررنگ نشده است. در نتیجه برای حفظ آن‌ها تلاش کمتری دارد.

”

یعنی نوجوان و جوان ما در یک محیط یا جامعه‌ای زندگی می‌کند که بعضی از ارزش‌های آن را نمی‌شناسد یا اصلاً نمی‌تواند بپذیرد و در نتیجه دچار تضاد ارزشی با جامعه‌ی خود می‌شود. به نظر می‌رسد که این نوجوانان و جوانان که موسوم به نسل زد هستند این اتفاق را برایشان پیش آمده

بودن در همین فضای مجازی ردوبدل می‌شود. این نسل غالباً این ارزش‌ها را با ارزش‌های محیط خودش مقایسه می‌کند و متوجه تفاوت‌ها و تعارض این ارزش‌ها می‌شوند و تلاش می‌کنند تا ارزش‌های خودشان را در مسیر زیست خود انتخاب و زندگی کنند. به همین دلیل دائم با این دوگانه‌ها سروکله می‌زنند تا بتوانند تصمیم بگیرند کدام را برای خود حفظ کنند و کدام را نپذیرند. این اتفاق هم می‌تواند خوب باشد هم بد، به این معنی که هم ابعاد مثبت و هم ابعاد منفی دارد. از ابعاد مثبت آن این است که خیلی از این ارزش‌ها لزوماً ارزش‌های منفی نیستند، منتها این ارزش‌ها بنا به محیط و فرهنگی که در آن زندگی می‌کنیم می‌تواند تعریف متفاوتی داشته باشد. آشنایی با ارزش‌هایی که خود انسان و زیست انسانی شاکله اصلی آن را تشکیل می‌دهد و فراتر از مرزهای جغرافیایی و حصارهای فرهنگی و اجتماعی هستند، هم بعد مثبت قضیه است. اما موضوع نگران‌کننده و چالش‌برانگیز برای ما و همه فعالانی که در این فضا کار می‌کنند، درونی‌سازی ارزش‌های خود جامعه و محیطی است که در آن زندگی می‌کنیم. هر جامعه‌ای تلاش می‌کند ارزش‌های خود را از طریق جامعه‌پذیری به کودکان، نوجوانان و جوانان خود منتقل کند و این دقیقاً جایی است که ما دچار چالش می‌شویم. اگر این چرخه انتقال ارزشی به‌درستی صورت نگیرد، ما نمی‌توانیم ارزش‌های خود را به نسل بعدی منتقل کنیم زیرا وقتی نوجوانان در فضای تناقض، تعارض و تضاد قرار می‌گیرند، ارزش‌هایی که از طریق زیستشان در فضای مجازی با آن آشنا شدند را با ارزش‌های جامعه خود مقایسه می‌کنند. بدیهی است که اگر جامعه عملکرد مناسبی نداشته باشد و نتواند ارزش‌های خود را به‌درستی منتقل و باورپذیر کند، کم‌کم این نسل از ارزش‌هایی که در جامعه مهم بوده فاصله می‌گیرد. این صرفاً یک فاصله فیزیکی نیست، فاصله‌ای است که اندیشه، تفکر، سبک زندگی و همین‌طور رفتار آن‌ها را تغییر می‌دهد. یعنی نوجوان و جوان ما در محیط یا جامعه‌ای زندگی می‌کند که بعضی از ارزش‌های آن را نمی‌شناسد یا اصلاً نمی‌تواند بپذیرد و در نتیجه دچار تضاد ارزشی با جامعه خود می‌شود. به نظر می‌رسد که این نوجوانان و جوانان که موسوم به نسل زد هستند، این اتفاق برایشان پیش آمده است. وقتی از ارزش‌های درون جامعه خود فاصله می‌گیرند، کم‌کم تعلقشان به این فضا و محیط هم کم‌رنگ می‌شود. تعلق چیزی است که فرد را پایبند می‌کند و این پایبندی لزوماً محیطی و فیزیکی نیست، گرچه آن هم هست اما جنس این تعلق می‌تواند ذهنی و روانی و فکری هم باشد. یعنی شاید برای ادامه تحصیل مهاجرت کنیم اما به‌لحاظ روانی و ذهنی با وطنی که در آن به دنیا آمده‌ام و بزرگ شده‌ام حس نزدیکی داشته باشم. ولی این تعلق، برای این نسل کم‌کم دارد کم‌رنگ می‌شود. تعلق به محیطی که در آن بزرگ شده‌اند و زندگی می‌کنند، جامعه‌ای که هزاران سال قدمت داشته و یک‌شبه به وجود نیامده است. اینجا منظور من از ارزش‌های جامعه، آن بخشی از ارزش‌هاست که ما به آن هویت ملی می‌گوییم. مشخصاً به مفهوم وطن می‌پردازم. این تعلق ما را به یک بستر تاریخی و فرهنگی که چارچوبی ارزشی دارد و وطنی که ریشه‌های هزاران ساله دارد، پیوند می‌زند. حالا آیا نوجوان و جوان ما خودش را متعلق به این خاک و فرهنگ می‌داند؟ اینجاست که زنگ خطر به صدا در می‌آید زیرا خطرناک است که آدمی تعلق و پیوندش را با جامعه‌اش یعنی همان وطن از دست بدهد. در جریان از دست رفتن تعلق، گویی بخشی از هویت جمعی، که ما را به یکدیگر وصل می‌کند، از دست می‌رود. حالا وقت آن رسیده است که یا نسبت به آن بی‌تفاوت شوم یا چیزهای دیگری را به آن ترجیح دهم. این دقیقاً موضوعی است که من فکر می‌کنم با آن دچار چالش می‌شویم، زیرا این نسل خود را متعلق به جایی نمی‌داند. در واقع یک بی‌تعلقی برای خودشان ایجاد کرده‌اند و نسبت خودشان را با جایی معلوم نمی‌کنند، در نتیجه همین بی‌تعلقی باعث می‌شود ارزش‌ها را فراموش کنند یا نپذیرند و در نتیجه نتوانند با محیط یا جامعه و آدم‌هایی که در آن زندگی می‌کنند، ارتباط درستی برقرار کنند. شکایتی که غالباً ما می‌شنویم این است که «بچه‌ها همه‌ش تو گوشی‌ش، بچه‌ها انگار نیست!» یعنی: «حتی در خانه هم که ما با هم هستیم، در واقع پیش ما نیست! صرفاً حضور فیزیکی دارد! حضور ذهنی و روانی ندارد!» چرا نوجوان امروزی ارتباطش با دنیای واقعی کم‌رنگ شده است؟ چون چیزی در بیرون از دنیای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به او عرضه می‌شود که رضایت‌بخش نیست یا آن را دوست ندارد و با آن تضاد ارزشی دارد و ارزش‌های بیرون از این فضا برایش باورپذیر نیست.

■ به نظر شما جامعه‌شناسان و روان‌شناسان ما برای حفظ و انتقال این ارزش‌ها به نسل آینده به‌موقع عمل کرده‌اند؟ آیا این اتفاق را می‌شد پیش‌بینی کرد؟



■ به نظر شما مدرسه چگونه می‌تواند برای حفظ و انتقال این ارزش‌ها به والدین کمک کند؟

با توجه به جریانات اخیر در ماه‌های گذشته و اعتراضاتی که در کشور اتفاق افتاد، باید بگویم که در بستر هر جامعه یا کشوری اعتراض و انتقاد به قانون یا سیاست‌ها، اتفاق جدیدی نیست در همه حکومت‌های دموکراتیک راه‌هایی برای مطالبه‌گری یا اعتراض پیش‌بینی شده است. در اعتراضات ایران و خصوصاً اعتراضات اخیر، از منظر و نگاه هویتی، اعتراض به عناصر و نمادهای ملی و هویتی کمی نگران‌کننده بود. این اعتراض خیلی هم پررنگ بود. یعنی در خلال این مثلاً آتش‌زدن پرچم یا بی‌توجهی و بی‌حرمتی به سرود ملی، طرد و بایکوت تیم‌های ملی و... این دقیقاً نقطه‌ای است که ما نگران آن هستیم. ما می‌گوییم نسلی که خیلی‌ها آن‌ها را سردمدار این اعتراضات می‌دانستند، ارزش‌هایی متفاوت داشتند، شعارها و مطالباتشان متفاوت بود. آیا تفاوت در ارزش‌ها و دغدغه‌هایشان نگران‌کننده است؟ خیر. از بین رفتن حس تعلق و پیوندشان با عناصر و نمادهای هویت ملی خطرناک است. وطن و هویت ملی چیزی نیست که متعلق به یک حکومت باشد. این یک ماجرای ریشه‌دار و تاریخی است. هویت ملی چیزی است که در اختیار مردم و مال مردم است و حکومت برآمده از ارادهٔ مردم است. متأسفانه ما نتوانستیم تعلقات وطنی و هویت ملی را برای این نسل پررنگ کنیم.

اخیراً در کارگاهی که با موضوع هویت ملی و نسبت آن با اعتراضات اخیر در مدارس مختلف برگزار کردم، برخی از مدارس در این باره دغدغه داشتند که چگونه می‌توانند این ارزش‌ها را به نسل نوجوان انتقال دهند. مدارس با باز کردن فضا و ایجاد مسیر گفت‌وگو و برگزاری کارگاه‌هایی با این موضوع، تلاش می‌کنند به این مسئله بپردازند. گاهی حتی در مدارس خوب و دغدغه‌مند هم، ما با دانش‌آموزان براساس یک دستورالعمل رفتار می‌کنیم، انگار باید از روی یک چک‌لیست یک‌سری کارها را انجام دهیم و فراموش می‌کنیم این آدمی که با او روبه‌رو هستیم و برایش طرح و برنامه داریم، یک موجود زنده و هوشمند است که فکر، اندیشه و منطق دارد. مناسبات جدیدی دارد. به‌واسطهٔ همان تکنولوژی و فضای آن خیلی وقت‌ها زبان مشترک نداریم. این موضوع پیچیدگی‌های بسیاری دارد و این نسل هم هرچقدر ما پیش‌گام و جلو باشیم، باز هم دو قدم از ما جلوتر هستند. زیرا از وقتی چشم باز کرده‌اند، این تکنولوژی و ارتباط جهانی را دیده‌اند، در صورتی که ما در سال‌های نوجوانی و جوانی تازه با آن روبه‌رو شده‌ایم، پس نیاز آن‌ها بیشتر است و دغدغه‌شان چیز دیگری است. ما باید پیچیدگی‌های این نسل را بفهمیم و به آن آگاه باشیم. اگر بخشی از تربیت و انتقال ارزش‌ها برعهدهٔ ما یعنی دست‌اندرکاران آموزش است، باید چیزی را به بچه‌ها عرضه کنیم و برایشان طرح و برنامه‌ریزی کنیم که خودمان به آن اعتقاد داریم و آن را زندگی می‌کنیم. تا وقتی تجربهٔ زیستهٔ خود ما نباشد، نمی‌توان در انتقال آن موفق عمل کرد. در آخر یک نقل‌قول از مرحوم علی صفایی می‌گویم که بی‌ربط با این موضوع نیست. مرحوم صفایی می‌گوید: «دغدغهٔ انتقال ارزش‌های دینی به فرزندت داری؟ هیچ‌کاری لازم نیست برای انجام دهی مگر اینکه خودت زیست مؤمنانه داشته باشی و خودت پایبند و متعهد به زندگی با اعتقادات و ارزش‌های باشی.»

■ به نظر شما این وظیفه متوجه خانواده یا والدین هم می‌شود؟ یا اینکه والدین به‌لحاظ تحمل سختی‌ها در زمان جنگ و فشارهای دوران جوانی دیگر تمایلی به انتقال این ارزش‌ها ندارند؟

در واقع، جامعه‌شناسان و اساتید علوم تربیتی و روان‌شناسی، همیشه خانواده را خط مقدم و اولین و مهم‌ترین پایگاه انتقال ارزش‌ها می‌دانند. زیرا خانواده اولین جایی است که کودک در آن با ارزش‌ها، تفکر و مجموعهٔ رفتارها روبه‌رو می‌شود و بعد از آن، مدرسه، رسانه و گروه‌های دیگر تأثیرگذار هستند. قطعاً اینجا هم ضعف‌هایی وجود داشته که آن انتقال ارزش‌ها صورت نگرفته است. خود خانواده چقدر این ارزش‌ها را می‌شناسد؟ آیا برایش پیوند و تعلق به ارزش‌های ملی دغدغه است؟ گاهی والدین با این ارزش‌ها زندگی می‌کنند و به آن‌ها آگاهی کامل دارند ولی چند پله عقب‌تر هستند. زیرا نسل نوجوان به اطلاعات و ارتباطات جهانی دسترسی دارد و این باعث شده است به‌لحاظ روانی و فکری از نسل قبل فاصله بگیرد. یعنی اصلاً در مسیری که نوجوانان قرار گرفته‌اند، با همان سرعت پیش نمی‌روند. لذا این فاصله بین نسل‌ها ایجاد می‌شود و دوباره این شکاف به وجود می‌آید و کم‌کم انگار ارتباط و تعامل بین آن‌ها قطع می‌شود. وقتی تعامل و گفت‌وگو قطع شود، در مسیر انتقال ارزش‌ها پیمان لنگ می‌شود. نکتهٔ دیگری هم هست: والدین این نسل به دلیل وضعیت پیش‌بینی‌ناپذیر اقتصادی، دغدغه‌های اقتصادی و معیشتی برایشان پررنگ‌تر از دغدغه‌های تربیتی است. این باعث شده است پرداختن به ارزش‌های دینی، وطنی و در کل مسائل تربیتی را برون‌سپاری کنند و آن را به نهادهای دیگری مثل مدرسه و رسانه واگذار کنند. این موضوع فاصلهٔ بین والدین و بچه‌ها را بیشتر می‌کند. ما معتقدیم این اتفاق، اشتباه است؛ زیرا وقتی می‌گوییم خانواده پیش‌گام است و در خط مقدم قرار دارد، یعنی هیچ نهادی مثل خانواده در یک بستر امن نمی‌تواند به این اندازه پررنگ، قوی و متعهدانه این ارزش‌ها را منتقل کند.

”

مرحوم صفایی می‌گوید: دغدغه‌ی انتقال ارزش‌های دینی به فرزندت داری؟ هیچ‌کاری لازم نیست برایش انجام دهی مگر اینکه خودت زیست مؤمنانه داشته باشی و خودت پایبند و متعهد به زندگی با اعتقادات و ارزش‌های باشی

• اخبار



توانمندسازی در حوزه خلاقیت و تفکر و تحلیل‌گری

سینا ملکیان

مدیر مرکز نوآوری مفید



هر دانش آموز است. همچنین چشم انداز مرکز نوآوری مفید، تبدیل هر مدرسه به یک مرکز نوآوری و هر دانش آموز در هر رشته، به یک فرد نوآور است.

مرکز نوآوری مفید در شش ماه اول شروع فعالیت، اقدام به انتشار فراخوان دو رویداد داخلی، در دو گروه مخاطب متفاوت کرد که هر یک، هدف مجزایی را دنبال می‌کرد. مخاطب اولین فراخوان ما دانش آموزان بودند که با نام دانو منتشر گردید. در این فراخوان به دنبال ارزیابی و جذب دانش آموزانی بودیم که ایده‌های کارآفرینانه داشتند و سی ام بهمن ماه پایان زمان ارسال ایده‌ها بود. پس از ارزیابی، ۱۵ ایده برتر جهت دوره توانمندسازی به مرکز دعوت می‌شوند.

مخاطب دومین فراخوان ما معلمان شاغل در مدارس مفید بودند که با نام رویداد تینو منتشر گردید. در این فراخوان قدرت تحلیل‌گری و مشاهده‌گری معلمان در محیط تدریس مورد ارزیابی قرار گرفت.

در گام بعدی برای ایجاد ساختار شبکه ارتباطی با اکوسیستم نوآوری، فراخوانی با نام م‌نو و با محوریت تکنولوژی آموزشی و خدمات مرتبط با مدارس منتشر شد. در این فراخوان استارت‌آپ‌ها و شرکت‌هایی جهت همکاری اعلام آمادگی نمودند که تاکنون ۶ تیم به مرحله تفاهم نامه رسیده‌اند. پیام‌رسان اختصاصی مفید، ERP داخلی مدارس، آموزش برنامه‌نویسی به کمک بازی برای سنین زیر ۱۲ سال، ارزیابی جسمانی دانش آموزان و معلمان و ارائه برنامه ورزشی و تغذیه، ارزیابی شناختی دانش آموزان و معلمان جهت رفع نواقص شناختی و هدایت تحصیلی، تحلیل دیتای استخراجی از نرم افزارهای مفید و آموزش تعاملی آناتومی بدن با استفاده از تکنولوژی واقعیت افزوده (AR) و هوش مصنوعی، موضوع فعالیت ۶ تیم منتخب تا این مرحله رویداد است.

مرکز نوآوری مفید، با تمرکز بر سه مأموریت از همراه سال ۱۴۰۱، فعالیت خود را آغاز کرد. مأموریت اول حمایت از کسب و کارهای حوزه تکنولوژی آموزشی و مشارکت با آنها و همچنین خدمات مرتبط برای مدارس است که در این راستا خدماتی چون پیش خرید خدمت، خرید خدمت و همچنین مشارکت در توسعه کسب و کار ارائه می‌شود. در مأموریت دوم، هدف، توانمندسازی افراد است. توانمندسازی هم برای دانش آموزان که بیشتر در حوزه خلاقیت و تفکر و تحلیل‌گری هستند، و هم برای معلم‌ها که بتوانند برای دانش آموزان خود در حوزه خلاقیت، تسهیلگر باشند.

مأموریت سوم ما شناخت کامل نیازهای مرکز و مجتمع مفید و به طبع آن حل نیازها به صورت نوآورانه است. نیازهای مد نظر ما، مسائل مرتبط با تکنولوژی است، آموزش به صورت متاورس، هوش مصنوعی، استفاده از اطلاعات دانش آموزان برای هدایت تحصیلی آنها و... از جمله مباحثی است که در این مورد می‌توان مثال زد.

هدف نهایی ما در بحث توسعه مجتمع مفید، ایجاد یک مدرسه شخصی سازی شده متناسب با روحیه و تفکر



آقای محمدرضا دهقانی

معاون مقطع متوسطه دوم و

مدیر فناوری اطلاعات مجتمع آموزشی مفید

تصمیم‌گیری برای ادامه مسیر تحصیلی اش کمک کنیم، تا انتخاب دقیق تری برای آینده اش داشته باشد، استفاده از تکنولوژی و داده پردازی و داده کاوی و در کنار آنها هوش مصنوعی، اطلاعات مفیدی به ما می‌دهد و کمک بزرگی می‌کند.

آن چیزی که تا الان اتفاق افتاده است، بیشتر براساس تجربه و مشاهده بوده است، که همه آنها ارزشمند هستند. این مسئله ماست که به عنوان مثال مجتمع مفید نیازهایی دارد و راه حل‌های آنها باید فن آورانه و نوآورانه باشد، پس شاید بتوانیم تیم‌هایی که در این حوزه علاقه مند و متخصص هستند را جمع کنیم تا با کمک آنها مسائل خود را حل کنیم. از این قبیل مسائل در حوزه‌های اداری، پشتیبانی و آموزش هم وجود دارد که نیاز به راه حل‌های اصطلاحاً نوآورانه دارد. بنابراین یکی دیگر از حوزه‌های فعالیت ما

این است که بتوانیم مسئله‌ها و چالش‌های خود را با نگاه‌های فناوری و نوآوری حل کنیم. این موارد و موارد مشابه دیگر برای کمک به مجموعه مفید و برای حل چالش‌هایی که با آن مواجه هستیم، باعث شد تا با معاونت علمی فناوری وارد گفتگو شویم. منطقه استقرار مرکز نوآوری مفید جزو ناحیه نوآوری دانشگاه صنعتی شریف هست و زمانی که با خود مسئولین ناحیه نوآوری شریف وارد گفتگو شدیم بسیار استقبال کردند و اعلام کردند که ما در اکوسیستم اینجا مجموعه‌ای که در موضوع آموزش کار کند نداریم لذا بسیار از آن حمایت خواهیم کرد، اینکه اینجا در ناحیه نوآوری شریف هست خود یک مزیت بالا محسوب می‌شود و می‌تواند ارتباط‌ها و شبکه‌سازی‌ها را به راحتی برقرار کند. معاونت علمی فناوری هم از این موضوع بسیار استقبال کرد، سپس تفاهم‌نامه‌ای تدوین و امضا شد که ما از طریق معاونت هم حمایت شویم. خدا را شکر این مرکز در این اکوسیستم شروع به فعالیت کرده است و در حوزه‌های مختلف و پروژه‌های متفاوت کم‌کم فعالیت خود را پیش می‌برد که انشالله فعالیتش چشمگیر شود و بتواند در حوزه آموزش در سطح کشور نیز کمک کند.

حدود سه سال پیش، بر اساس اتفاقاتی که در سطح جهان رخ داد، ایده مرکز نوآوری شکل گرفت. با توجه به تغییراتی که در نوع تعریف سواد برای دانش‌آموزان در جهان بوجود آمد و همچنین احساس کمبود در برخی مهارت‌ها و سوادهایی که در آموزش‌های مجتمع مفید احساس می‌شد، رسیدگی و پرداختن به نوع نگاه و نگرش دانش‌آموزان به کسب و کار، بحث‌های مرتبط با تفکر انتقادی و مهارت‌هایی از این جنس، مورد توجه قرار گرفت.

در گفتگوها و مشورت‌هایی که با افراد متخصص در این زمینه داشتیم، ایده‌ای با عنوان ایجاد یک لابراتوار بر مبنای تکنولوژی و آموزش خلق شد که در آن، دانش‌آموزان با انجام کارها و مهارت‌های مرتبط، توانمندی‌های خود را در این زمینه افزایش دهند. طراحی مطالعاتی آن شروع شد، به یک طرح تکنولوژی لابراتواری با تمرکز بر چند مهارت رسیدیم، که متأسفانه با دوران کرونا مواجه شدیم و این کار متوقف شد. به واسطه کرونا وارد فضای مجازی شدیم و آموزش مدارس، منطبق شد بر یک پلتفرم دیگری، کاملاً متفاوت از آنچه که در گذشته در مدارس فیزیکی اتفاق می‌افتاد.

این تجربه، ایده ما را به این سمت برد که چرا بزرگتر فکر نکنیم. بنابراین بر شناخت نیازهای حوزه آموزشی از جنس تکنولوژی که در آن بسیار احساس فقر می‌کردیم، متمرکز شدیم. مواردی که با توجه به اتفاقاتی که در سطح جهان و حتی کشورهای اطراف رخ داده است و ما از آن بسیار عقب‌تر هستیم.

مطالعات اولیه با تمرکز بر بررسی سرمایه‌گذاری‌های کشورهای جهان و اطراف ایران در حوزه آموزش و مشخصاً تکنولوژی آموزشی آغاز شد. حالا بعد از یک بازه زمانی تحقیقاتی و مطالعاتی در این زمینه، به این جمع بندی رسیده‌ایم که خود ما باید در حوزه آموزش، نوآوری داشته باشیم تا برای نیازهایی که از جنس فناوریانه هستند و پاسخی برای آنها در ایران پیدا نمی‌کنیم به راه حل درستی برسیم.

از طرف دیگر افراد پیشرو در حوزه فناوری و کدنویسی و بحث استارت‌آپی، در فضای آموزشی خیلی وارد نشدند یا اگر کسی در این حوزه فعال باشد، با مبانی آموزشی و باورهای ما در مجتمع مفید، فاصله زیادی دارد. بنابراین تصمیم گرفتیم، برای وصل کردن این دو گروه به هم فضای جدیدی بوجود بیاوریم.

ما از این طرف، به عنوان یک مرکز آموزشی با تجربیات ۵۰ ساله و حرف‌هایی که در حوزه آموزش داریم، خود را در این حوزه متخصص می‌دانیم. از این جهت که حرف داریم، ایده و دانش آن را هم داریم، اما برای تبدیل این دانش‌ها به مدل‌های جدید با کمک فناوری توانایی‌های لازم را نداریم و نیازمند کمک افرادی هستیم که در حوزه فناوری پیشرو باشند، تا با همکاری هم و ایجاد یک تیم جدید، خلق جدیدی داشته باشیم.

لذا، به این سمت رفتیم که مرکز نوآوری با محوریت نوآوری‌های آموزشی درست کنیم تا بتوانیم آن اجتماع بین دو گروه را ایجاد کنیم. با توجه به استقرار تیم‌های هیئت علمی ما در مرکز آموزش، که متخصصین امور آموزش هستند، امکان برقراری ارتباط با بچه‌هایی وجود دارد که در حوزه فناوری پیشرو و همچنین علاقه‌مند به فعالیت در حوزه آموزش هستند اما دانش آموزشی آن را ندارند، یا اینکه اگر یک ایده آموزشی قرار است خلق شود چه ملاحظاتی دارد؟ چه مبانی باید در آن دقت شود؟ و به لحاظ یاددهی، یادگیری چگونه باید عمل شود؟ ما می‌توانیم این مشاوره‌ها و حمایت‌ها را داشته باشیم و این موارد را در حوزه فناوری تبدیل کنیم به یک خلق جدیدی که متناسب است با تغییراتی که در حال حاضر در دنیا اتفاق می‌افتد.

این یک مسئله بود، مساله دیگری که در مجموعه با آن مواجه هستیم این است که ما نیازهایی داریم که باید با کمک فناوری آن‌ها را حل کنیم. مثلاً در حوزه داده‌محوری، در شرایطی که با حجم زیادی از داده‌ها مواجه هستیم و بلد نیستیم آنها را به خوبی پردازش کرده و در تصمیم‌گیری‌ها از آن استفاده کنیم. به عنوان مثال در حوزه هدایت تحصیلی، وقتی دانش‌آموزی از پیش دبستان همراه ما هست و ما انبوهی از داده‌های کمی و کیفی او داریم و حالا به سال نهم تحصیلی رسیده است، یعنی تقریباً ۱۰ سال با ما بوده و ما می‌خواهیم به او در



توسعه کشور در گرو توجه به رشته علوم انسانی

مورد علاقه خود باز می‌ماند. در هر دو صورت اصطلاحاً هدایت تحصیلی موفق رخ نداده است و دانش آموز به مسیر مناسب خود راه پیدا نکرده است و قطعاً می‌دانیم در چنین شرایطی انگیزه رشد و پیشرفت چنین دانش آموزی بالا نیست.

در این فرصت امکان پرداختن به فرآیند هدایت تحصیلی نیست، گرچه نقدهای فراوانی به این فرآیند وجود دارد و علیرغم همه زحمات مشاورین و معلمان به جهت ایرادات زیرساختی و نگرشی عملاً هدایت تحصیلی موفق رخ نمی‌دهد.

بطور ویژه در مورد رشته علوم انسانی معرفی و هدایت صحیحی اتفاق نمی‌افتد. اگر توزیع علاقه‌ها و استعدادهای دانش آموزان را در رشته‌های مختلف نرمال در نظر بگیریم باید یک حضور متوازن در رشته‌های متوسطه دوم در سطح کشور داشته باشیم که متأسفانه این چنین نیست. بطور خاص در رشته علوم انسانی ما شاهد حضور دانش آموزانی هستیم که غالباً به جهت عدم توفیق برای حضور در رشته ریاضی و تجربی مجبور شده‌اند رشته علوم انسانی را به عنوان یک رشته درجه سوم از سر ناچاری انتخاب کنند و اینجا دقیقاً جایی است که مهمترین و اثرگذارترین رشته نظری متوسطه دوم که باید با شناخت کامل به دانش آموزان علاقمند و مستعد این رشته اختصاص یابد، شاهد حضور عزیزانی است که نه این رشته را می‌شناسند و نه علاقه‌ای به کسب مهارت‌های ویژه در این رشته دارند. شاید در سال‌های اخیر رشد بالای شرکت کنندگان در کنکور رشته علوم انسانی باعث شده باشد که خیلی از افراد این موضوع را به گرایش دانش آموزان و شناخت بیشتر خانواده‌ها از علوم انسانی نسبت دهند که متأسفانه این چنین نیست و این مسئله به افت تحصیلی جدی در کشور بر می‌گردد. این جمعیت شامل دانش آموزانی است که به جهت عدم توفیق در رشته ریاضی و تجربی رشته انسانی را انتخاب کرده‌اند. آمارهای بسیار پایین و نگران کننده از درصد پاسخگویی دانش آموزان رشته انسانی در کنکور سراسری موید همین مطلب است.



امیر منصور بابایی

مدیر دبیرستان دوره دوم مفید نیایش

در نظام آموزشی ایران، دانش آموزان در دو مرحله مهم، برای رشته مورد علاقه خود، انتخاب مسیر می‌نمایند. مرحله اول در دوران متوسطه اول و در انتهای پایه نهم می‌باشد که باید یکی از رشته‌های تحصیلی نظری، فنی و حرفه‌ای یا کارو دانش را برای ادامه مسیر خود انتخاب نمایند. پس از انتخاب این مرحله و ورود به متوسطه دوم، در رشته مورد نظر خود ادامه تحصیل می‌دهند تا پس از کسب نمره خود در کنکور سراسری، رشته تحصیلی خود در دانشگاه را انتخاب کنند.

متأسفانه در نظام آموزشی کشور مشاوره مناسبی در هیچکدام از این دو مقطع صورت نمی‌پذیرد و دانش آموزان با عدم آگاهی و اغلب تحت فشار اکثریت جامعه و هم سالان خود و برای همراهی با جمع رشته‌ای را انتخاب می‌کنند که نه علاقه‌ای به آن دارند و نه روحیات و شرایط آن را دارند. بعضی اوقات هم به جهت عدم کسب نمره لازم در بعضی دروس، از راهیابی به رشته



پیش ثبت نام دبیرستان مفید
پسرانه (منطقه ۲/ نیایش)

خبر روز / متوسطه دوم / تاسیس ۱۳۸۳

از متقاضیان محترم به ترتیب تاریخ پیش ثبت نام، جهت مصاحبه حضوری با تکمیل ظرفیت دعوت به عمل می‌آید.

آشنایی دانش آموزان با مهارت‌های علوم انسانی هم‌اکنون با حضور موفق در دانشگاه‌های برتر

۴ رتبه تکریمی

دوره هار تیه

ده هار تیه سهرقمی

زمان آزمون ورودی و تعیین سطح: **پنجشنبه ۱۴۰۲ اردیبهشت ۹ صبح**

شهر که عرب باطوار داد جان
ناور بر طری
خوابان شوید جملتی
کوچه بر تو

☎ ۰۲۱-۲۲۸۱۵۰۸۷
☎ ۰۲۱-۲۲۵۵۰۳۳
✉ info@mofid.com
🌐 www.mofid.com

رشته انسانی رشته ای است که به سایر علوم جهت می دهد

اگر مسئله توسعه کشور را مسئله اصلی قلمداد کنیم، رشته علوم انسانی و موضوعات آن و بالتبع فارغ التحصیلان و دانشجویان این رشته نقش اساسی در طراحی و برنامه ریزی توسعه کشور خواهند داشت و این نقش پررنگ غیر قابل انکار است. وضعیتی که در کشور در حوزه های مدیریتی، برنامه ریزی های خرد و کلان و اقتصاد مشاهده می کنیم، حاصل سالها عدم توجه ما به علوم انسانی است.

دانش آموزی باید پا به عرصه علوم انسانی بگذارد که ذهنی دغدغه مند و تحلیل گر داشته باشد. مسائل جامعه برایش اهمیت داشته باشد و مطالعات عمیقی در حوزه های مختلف اجتماعی داشته باشد. تاریخ و جغرافیا بداند. با نشریات کشور آشنایی داشته باشد. آنقدر که دغدغه مندی و تحلیل گری و اهتمام به امور جامعه و جهان در انتخاب رشته علوم انسانی مهم است. ادبیات و عربی مهم نیست، درحالیکه یکی از جدی ترین دروس در هدایت تحصیلی برای ورود به رشته علوم انسانی ادبیات و عربی معرفی می شوند و ریاضی به عنوان درسی که پایه تحلیل و درک و فهم از تحقیق و پژوهش در هر موضوعی است در جایگاه های بعدی قرار می گیرد. آزمایشگاه دانش آموزان علوم انسانی کتابخانه و جامعه است. دانش آموز علوم انسانی باید در جامعه و اتفاقات آن حضور داشته باشد، کتاب بخواند، فیلم و موسیقی و پادکست گوش دهد و تحلیل کند.

در راستای این مهم در مجموعه آموزشی مفید سعی شده است پس از آنکه دانش آموزان براساس علاقه و استعدادهای واقعی خودشان رشته علوم انسانی را انتخاب کردند، در سه سال متوسطه دوم با مهارت های علوم انسانی در کنار مفاهیم و منابع کتب درسی آشنا شوند.

به جهت اهمیت رشته علوم انسانی ستاد مجتمع آموزشی مفید در سال ۱۳۸۳ سومین دبیرستان پسرانه خود را با تمرکز بر رشته علوم انسانی تاسیس نمودو سال گذشته تصمیم گرفت دبیرستان مفید (نیایش) را به مرکز تخصصی علوم انسانی تبدیل نماید. این دبیرستان که از سال ۱۳۸۳ و با هدف آموزش و توسعه رشته علوم انسانی تاسیس شده بود، میزبان دانش آموزان در دو رشته علوم انسانی و ریاضی بود که پس از این تصمیم از سال گذشته فقط دانش آموزان در رشته علوم انسانی را جذب می نماید. حاصل تلاش معلمین و دبیران و دانش آموزان این دبیرستان در این سالها حضور موفق و اثرگذار بیش از ۵۰۰ دانش آموخته در بهترین دانشگاه های کشور در رشته های مختلف علوم انسانی است که قطعاً در کنار سایر دانش آموختگان مجتمع آموزشی مفید در رشته های ریاضی و تجربی می توانند در پیشبرد اهداف توسعه کشور اثرگذار باشند. کسب مهارت های علوم انسانی و آشنایی دانش آموزان با منابع اصیل علوم انسانی همراه با حضور موفق و پررنگ در دانشگاهها حاصل ۲۰ سال فعالیت این دبیرستان می باشد. کسب ۷ مدال المپیاد در رشته های مرتبط با علوم انسانی، ۴ رتبه تک رقمی، ۱۵ رتبه دورقمی، و دهها رتبه سه رقمی حاصل زحمات تیم آموزشی و دانش آموزان عزیز می باشد. بی تردید حضور دبیران متخصص و علاقمند در حوزه علوم انسانی و همچنین دانش آموزان تلاشگر، همراه با تیم طراح و برنامه ریز از ویژگیهای دبیرستان علوم انسانی مفید می باشد.

در دبیرستان علوم انسانی مفید سعی شده است در قالب برنامه های مختلف دانش آموزان با مهارت های همچون مدیریت، سواد مالی، خلاقیت، ارائه و فن بیان و نگارش ادبی آشنا شوند. همچنین هنر به عنوان یکی از ابزار ارائه اندیشه های علوم انسانی همواره مورد توجه بوده است. هنر فیلم نامه نویسی و کارگردانی، ساخت فیلم کوتاه و موشن گراف و کلاس طراحی بخشی از آموزشهای هنری مدرسه است. برگزاری دو جشنواره فیلم کوتاه باران و شعر و داستان همیشه بهار محلی است برای عرضه دستاوردهای دانش آموزان مدرسه و سایر دانش آموزانی که از مدارس دیگر شرکت می کنند. حضور اساتید شعر و ادب فارسی در مراسم جنگ چله و نقد و بررسی آثار دانش آموزان از دیگر برنامه های مدرسه است. از دیگر برنامه های دبیرستان که نقش جدی در اندیشه ورزی دانش آموزان در سالهای اخیر داشته است، حضور اساتید و صاحب نظران علوم انسانی در قالب برنامه ضیافت در جمع دانش آموزان می باشد. در این برنامه که به موضوعات جدی علوم انسانی می پردازد، دانش آموزان علاوه بر آشنایی با یکی از شاخه های علوم انسانی با ابعاد مختلف آن موضوع نیز آشنا می شوند و به بحث و گفتگو می پردازند.

امید است با توجه دقیق و روز افزون به رشته علوم انسانی و حضور دانش آموزان مستعد و علاقمند، شاهد رشد و توسعه این رشته کلیدی در کشور باشیم.



هجدهمین دوره جشنواره شیخ بهایی دبیرستان دوره دوم مفید یادگار امام برگزار شد



هجدهمین دوره جشنواره شیخ بهایی دبیرستان دوره دوم مفید یادگار امام، با هدف ارائه ثمره یک سال تلاش پژوهشی دانش آموزان پایه یازدهم این واحد آموزشی، در روزهای ۲۷ و ۲۸ مهر برگزار شد.

در این دوره از جشنواره ۳۱ پروژه در رشته‌های انیمیشن و گرافیک، مهندسی انرژی، معماری، فیزیک دانان جوان (IYPT)، پژوهش ادبی، شیمی و نانو، کامپیوتر (تکنولوژی) و زیست شناسی توسط دانش آموزان ارائه شد.

محمد حسینی فرد مسئول برگزاری این جشنواره هدف از برگزاری این رویداد علمی را به ثمر رسیدن تلاش دانش آموزان پایه یازدهم و ارائه ثمره زحمات آن‌ها به بازدیدکنندگان عنوان کرد و گفت: این جشنواره تاثیر زیادی در ایجاد انگیزه برای دانش آموزان پایه دهم دارد که سال آینده با هدف و انگیزه‌های مضاعف در جشنواره شیخ بهایی شرکت کنند.

حسینی فرد که مسئولیت پایه یازدهم دبیرستان مفید یادگار امام را بر عهده دارد، افزود: شور و انگیزه دانش آموزان در این دوره از جشنواره پس از دوران همه‌گیری کرونا و غیرحضوری بودن مدارس مثال زدنی بود و حتی ما معلمین را هم سر ذوق می‌آورد تا با انرژی بیشتری در کنار دانش آموزان باشیم.

به گفته وی، بسیاری از این پروژه‌ها در جشنواره‌های داخلی کشورمان موفق به کسب عناوین برتر شده‌اند و یکی از این پروژه‌ها توسط آقای رامین عبدالله زاده دانش آموز پایه یازدهم دبیرستان مفید و عضو تیم ملی فیزیک ایران در مسابقات کشور رومانی تحت عنوان فیزیک دانان جوان (IYPT) در تیرماه امسال، ارائه شده که تیم ایران در این مسابقات موفق به کسب مقام چهارم شده است.



دکتر دانش:

آیت الله موسوی

اردبیلی (ره)

مهمترین خدمت را تربیت

نسل جوان می دانست



و مطالبی در مورد تغییر شرایط جامعه و تغییر نسلی مطرح شد. ایشان گفتند هر کاری می کنید در روال های تربیتی اجبار نکنید. باید با انگیزه و اشتیاق، بچه ها را هدایت کنیم.

ریاست مجتمع آموزشی مفید افزود: ایشان در کنار مدرسه، تأسیس دانشگاه را با نیت اتحاد حوزه و دانشگاه پیگیری کردند و اعتقاد داشتند باید بتوانیم دانشگاهی داشته باشیم که افراد حوزوی بیابند و تخصص های دانشگاهی را هم فرا بگیرند. کسی که مراحل خارج فقه را در حوزه طی کرده بیاید و در دانشگاه با نظریات دیگران در حقوق، اقتصاد و فلسفه آشنا بشود.

وی به کیفیت بالای آموزشی دانشگاه مفید اشاره کرد و افزود: به ویژه در دوره های اول دانشگاه در رشته هایی مانند اقتصاد ایشان بهترین اساتید اقتصاد را از تهران به دانشگاه مفید قم دعوت می کردند. از همان فارغ التحصیلان

دوره های اول، در آزمون دکترا در دانشگاه تهران قبول می شدند و کیفیت بسیار بالا بود. الان هم اساتیدی هستند که مدرک دکترای خود را از دانشگاه مفید گرفتند و در رشته های علوم انسانی که بیشتر انتظار داریم صاحب نظر هستند.

دکتر دانش تأکید کرد: ایشان در حوزه های حوزوی و فقهی یک مقدار با دیگر مراجع متفاوت بودند. شخصیتی بودند که خیلی از برجستگی های ایشان مشخص نشد. شاید بتوان گفت که جامعه خیلی با نقطه نظرات و شخصیت ایشان آشنا نیست.

ریاست مجتمع آموزشی مفید ضمن گرامیداشت سالگرد رحلت آیت الله موسوی اردبیلی (ره) گفت: ایشان مهمترین خدمت را تربیت نسل جوان در سیستم آموزشی می دانستند و در کنار حوزه علمیه بر ساخت مدرسه تأکید داشتند.

آقای دکتر دانش در جلسه مدیران مجتمع آموزشی مفید بر تفاوت ایشان با دیگر مراجع تأکید کرد و اظهار داشت: ایشان بسیار در این زمینه انگیزه داشت و تلاش می کرد. به خاطر دارم قبل از انقلاب در مدرسه راهنمایی مفید در نزدیکی میدان انقلاب معمولا روزهای زیادی در هفته می آمدند داخل دفتر مدرسه می نشستند و بسیار علاقمندانه با معلمان و مدیران صحبت می کردند و خیلی در روال های مدیریتی دخالت نداشتند.

وی به رویکرد ایشان در راه اندازی مجتمع آموزشی مفید اشاره کرد و گفت: از زبان ایشان شنیدیم که قبل از تأسیس مدرسه مفید با مرحوم علامه و روزبه که تجربه داشتند طی جلساتی مشورت داشتند. آقای علامه می گویند مهمترین

مساله مدرسه، نیروی انسانی است و عنوان می کنند که فقط نباید به مدیر و معلم توجه بشود، بلکه حتی سرایدار و آشپز هم باید روال های تربیتی را بدانند، بدلیل اینکه تماس و ارتباط زیادی با بچه ها دارند. ایشان هم در انتخاب نیروی انسانی درست عمل کردند. نیت خالص و انگیزه بالا و تدبیر ایشان باعث شکل گیری این مجموعه شد. افرادی مثل مرحوم پیش بین، نجفی علمی، مظفری نژاد، خوشنویسان، فیض و گروگان، هر کدام

شایستگی ها و یک سری خصوصیات و صفاتی را داشتند که تأثیرگذار بودند. با تأسیس دبیرستان نیز همین روند ادامه پیدا کرد. یکی از دلایل موفقیت های دبیرستان، انتخاب درست نیروها و مستقر شدن یک تیم بود. یادی کنیم از حاج آقا شکوری که بسیار فرد شایسته، مخلص و همراه با آن تیم بود و باعث شد که نطفه دبیرستان مفید شکل بگیرد.

دکتر دانش در توصیف نگاه ارزشمند آیت الله موسوی اردبیلی (ره) به مقوله آموزش گفت: زمانی هم که ایشان ریاست قوه قضاییه بودند و مشغله زیادی داشتند هر سال در افتتاحیه سال تحصیلی شرکت می کردند. این حضور نشان دهنده آن بود که ایشان این کار را بسیار ارزشمند می دانستند.

اواخر عمر بابرکت ایشان بود که ما با برخی از دوستان خدمتشان رسیدیم

ایشان گفتند هر کاری می کنید در روال های تربیتی اجبار نکنید. باید با انگیزه و اشتیاق، بچه ها را هدایت کنیم



مراسم گرامیداشت سالگرد رحلت

آیت الله موسوی اردبیلی (ره) در دبیرستان

دوره دوم مفید یادگار امام برگزار شد

به مناسبت سالگرد رحلت آیت الله موسوی اردبیلی (ره) بنیانگذار مؤسسه خیریه مکتب امیرالمؤمنین (ع) و مجتمع مدارس مفید، مراسم گرامیداشتی با حضور دانش آموزان و کادر آموزشی، در دبیرستان دوره دوم مفید برگزار شد.

در این مراسم علاوه بر سخنرانی آقای افصح مدیریت این واحد آموزشی در خصوص اندیشه های بنیانگذار مدارس مفید، مطالبی در قالب بروشور و پوستر به این مناسبت برای آشنایی بیشتر دانش آموزان با اهداف تأسیس مجتمع آموزشی مفید ارائه شد.

هفته مفید در متوسطه دوره اول مفید قلهک برگزار شد

هفته مفید همزمان با ششمین سالگرد رحلت آیت الله موسوی اردبیلی (ره) در مدرسه متوسطه دوره اول مفید قلهک برگزار شد.

از چهار سال پیش تا کنون، هر سال و همزمان با سالگرد رحلت بنیانگذار مدارس مفید و در بازه زمانی یک هفته ای از ارحال آیت الله موسوی اردبیلی (ره) تا ارحال شیخ مفید، رویدادی با عنوان هفته مفید و با هدف دانش افزایی دانش آموزان مدرسه متوسطه دوره اول مفید قلهک برگزار می شود و امسال نیز این واحد آموزشی میزبان این رویداد بود.

برگزاری اردوی علمی آموزشی، تهیه و ارائه روزنامه دیواری و پاورپوینت در مورد شیخ مفید و آیت الله موسوی اردبیلی (ره) و نمایشگاه کتاب، از جمله برنامه های هفته مفید امسال بود.

هر سال و در هفته مفید که برنامه ریزی و برگزاری آن طبق سنت مدارس مفید بر عهده دانش آموزان است، برنامه هایی با اهداف خیریه و در جهت ایفای مسئولیت اجتماعی با تأسی به اقدامات بنیانگذار مدارس مفید، برای نخستین بار آغاز و پایه گذاری می شود و امسال نیز در این رویداد، فرهنگ سازی حفظ محیط زیست و تفکیک زباله، کمک به بانوان سرپرست خانوار با بازاریابی و فروش محصولات تولیدی آنان و تولید نشریه داخلی مدرسه توسط دانش آموزان آغاز شد.



هفته مفید



دخترانه



نمایشگاه هنر در دبستان‌های مفید برگزار شد

نمایشگاه هنر با هدف ارائه و نمایش آثار هنری دانش آموزان در دبستان‌های مفید برگزار می‌شود.

در این نمایشگاه آثار هنری دانش آموزان پایه‌های مختلف دبستان در زمینه‌های نقاشی، کلاژ، کار با چوب، کار با مواد بازیافتی و کار با سفال به نمایش گذاشته شد.

در این نمایشگاه که هر سال در دبستان‌های مفید برگزار می‌شود، با نصب و نمایش آثار هنری دانش آموزان، ارزش فعالیت و کار آنها دیده شده و با ایجاد گفت و گو بین دانش آموزان پایه‌های مختلف، زمینه افزایش درک هنری آنان فراهم می‌شود.

لازم به ذکر است که نمایشگاه هنر دبستان مفید قم در ابتدای سال ۱۴۰۲ برگزار خواهد شد.

مرزداران



قلهک



هفته بزرگداشت شهدا در دبیرستان دوره دوم مفید قیطر به برگزار شد

حضور فارغ التحصیلان و هم‌زمان شهدا و بیان سخنانی در خصوص شهدای مفید و فرهنگ جهاد و شهادت، بازدید از باغ موزه دفاع مقدس و برگزاری کارگاه با موضوع بیداری، از جمله برنامه های برگزار شده در هفته شهدا در دبیرستان مفید قیطر به بود.



هفته بزرگداشت شهدای مفید در دبیرستان مفید یادگار امام برگزار شد

در هفته بزرگداشت شهدای مفید در دبیرستان مفید یادگار امام، دانش‌آموزان به رسم هرسال، پای صحبت خانواده‌ها و هم‌زمان شهداء نشستند و در کلامشان بیش از پیش با سلوک شهدا آشنا شدند.

حضور فارغ‌التحصیلان و هم‌زمان شهدا و بیان سخنانی در خصوص شهدای مفید و فرهنگ جهاد و شهادت، دیدار با خانواده شهیدان امیری مقدم، شفیعی و صبوری و زیارت و غبار روبی مزار شهدا از جمله برنامه‌های هفته بزرگداشت شهدای مفید در دبیرستان مفید یادگار امام بود.





تقدیر از دانش آموزان دبیرستان مفید قیطر به در مراسم تجلیل از برگزیدگان استانی سومین جشنواره علمی پژوهشی پژوهش سراهای دانش آموزی

در مراسم تجلیل از برگزیدگان استانی سومین جشنواره علمی پژوهشی پژوهش سراهای دانش آموزی از آقایان سیدکیان هاشمی، امین مظاہریان و علی روشناس دانش آموزان دبیرستان مفید قیطر به تقدیر به عمل آمد.

خانه سرو به عنوان یکی از مراکز وابسته به مجتمع آموزشی مفید، با هدف آموزش و پشتیبانی معلمان مفید و سایر معلمان علاقمند، از ماه‌های آغازین سال ۱۴۰۱ فعالیت خود را آغاز کرده است.

علاقمندان می‌توانند با مراجعه به نشانی www.sarvth.ir به پایگاه اطلاع رسانی خانه یادگیری سرو دسترسی داشته باشند.

مأموریت خانه سرو، علاوه بر ادامه فعالیت برنامه‌های آموزشی الگوی برنامه درسی در مقاطع دبستان و متوسطه دوره اول مدارس مجتمع آموزشی مفید، ایجاد اجتماع حرفه‌ای پژوهشگران و مدرسان حوزه یاددهی-یادگیری، برای تولید برنامه درسی معنادار، پویا، با سازگاری درونی و بیرونی برای اجرا در مراکز آموزشی مفید و سایر مراکز و پشتیبانی از معلمان مفید و سایر معلمان علاقه‌مند تعیین شده است.

خانه سرو تا کنون میزبان ۳۵ دوره آموزشی متنوع بوده است

خانه سرو (خانه یادگیری معلمان) تا کنون میزبان ۳۵ دوره آموزشی متنوع در دو گروه مخاطبان بیرون از مجتمع آموزشی مفید و دوره‌های آموزشی الگوی آموزشی مفید برای معلمان دو مقطع دبستان و متوسطه دوره اول مفید با حضور بیش از ۶۰۰ نفر، بوده است.

دوره مقدماتی و تکمیلی تربیت مربی دبستان، کارگاه جامع آموزش دبستان با نگاه فنلاندی، دوره فلسفی، دوره کاوشگری و دوره انگیزه و نظم و انضباط در کلاس درس و درک مطلب از جمله دوره‌های برگزار شده برای مخاطبان بیرون از مجتمع بوده است.



قهرمانی دبستان مفید مرزداران در مسابقات هندبال استان تهران

هندبالیست های دبستان مرزداران پس از موفقیت در ورود به مرحله بعدی مسابقات مدارس منطقه ۲ تهران، در مسابقات مدارس استان تهران نیز با غلبه بر تمامی حریفان خود مدال طلا و مقام نخست و قهرمانی مسابقات را کسب کردند.

در این مسابقات، مربیگری تیم هندبال دبستان مرزداران را آقای آزادی برعهده داشت.

تیم دبستان پسرانه مرزداران مفید، به مقام قهرمانی مسابقات هندبال مدارس استان تهران دست پیدا کرد.



کسب مقام سوم مسابقات تنیس روی میز استان تهران توسط دانش آموزان کوشای متوسطه دوره اول مفید یادگار امام

تیم تنیس روی میز متوسطه دوره اول مفید یادگار امام موفق به کسب مقام سوم مسابقات تنیس روی میز استان تهران شد.



کسب مقام سوم مسابقات تنیس روی میز استان تهران را به تیم دانش آموزی مدرسه،
آقایان محمد بنیامین نوروزی، سید مهرداد هاشمی زاده، آدرین معینی
و نیز مربی محترم جناب آقای حسینی و دانش آموزان عزیز تبریک می گوئیم.

سهم دانشگاه‌های برتر کشور از فارغ التحصیلان مدارس مفید در کنکور سراسری ۱۴۰۱

پذیرای ۱۰ نفر از فارغ التحصیلان مفید بوده‌اند. دانشگاه‌های شهید بهشتی، خواجه نصیر، امیرکبیر، علم و فرهنگ، خوارزومی و علامه طباطبایی نیز به ترتیب و از ۱۱ تا ۴ دانشجو، بیشترین میزان جذب دانشجو از مجتمع آموزشی مفید را داشته‌اند. همچنین دیگر دانشگاه‌های برتر کشور مانند صنعتی اصفهان، فردوسی مشهد و تبریز نیز پذیرای یک یا دو تن از فارغ التحصیلان مدارس مفید از طریق کنکور سراسری ۱۴۰۱ بوده‌اند.

آمار پذیرفته شدگان کنکور سراسری ۱۴۰۱ دانشگاه‌ها نشان می‌دهد بیش از ۶۵ درصد از فارغ التحصیلان مدارس مفید، موفق به پذیرش در دانشگاه‌های برتر کشور شده‌اند.

در بین این دانشگاه‌ها، دانشگاه تهران با ۲۵ دانشجو، دانشگاه صنعتی شریف با ۱۴ دانشجو و دانشگاه علم و صنعت با ۱۵ دانشجو، بیشترین سهم از فارغ التحصیلان مدارس مفید را به خود اختصاص داده‌اند و دانشگاه‌های علوم پزشکی نیز امسال



















پذیرفته‌شدگان دانشگاه سراسری ۱۴۰۱

مفید قطریه

 کوشکی دانشگاه سراسری تبریز	 تیموتیاز مهندسی مخابرات تهران	 کوشکی رشته‌های کارشناسی تهران	 نصرت‌پور مهندسی عمران تهران	 ماری مهندسی عمران تهران	 بام‌مهری مهندسی عمران تهران	 حاج‌آباد دانشگاه تهران تهران	 مهری دانشگاه تهران تهران	 سیدمحمدزین‌الدین دانشگاه تهران تهران	 سجاد دانشگاه تهران تهران	 محمد دانشگاه تهران تهران	 مسعود دانشگاه تهران تهران	 مسعود دانشگاه تهران تهران	 مسعود دانشگاه تهران تهران	 مسعود دانشگاه تهران تهران	 مسعود دانشگاه تهران تهران
---	--	--	--	--	--	---	---	---	---	--	--	--	--	--	--



مفید یادگار امام

 کوشکی دانشگاه یادگار امام تهران	 تیموتیاز دانشگاه یادگار امام تهران	 کوشکی دانشگاه یادگار امام تهران	 نصرت‌پور دانشگاه یادگار امام تهران	 ماری دانشگاه یادگار امام تهران	 بام‌مهری دانشگاه یادگار امام تهران	 حاج‌آباد دانشگاه یادگار امام تهران	 مهری دانشگاه یادگار امام تهران	 سیدمحمدزین‌الدین دانشگاه یادگار امام تهران	 سجاد دانشگاه یادگار امام تهران	 محمد دانشگاه یادگار امام تهران	 مسعود دانشگاه یادگار امام تهران	 مسعود دانشگاه یادگار امام تهران	 مسعود دانشگاه یادگار امام تهران	 مسعود دانشگاه یادگار امام تهران	 مسعود دانشگاه یادگار امام تهران
--	---	--	---	---	---	---	---	---	---	--	--	--	--	--	--

مفید نیایش

 مدیریت بهداشت دانشگاه شهید بهشتی	 اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی	 روانشناسی دانشگاه علوم نورچشمی	 مردم‌شناسی دانشگاه تهران	 فلسفه دانشگاه تهران	 فقه و حقوق اسلامی دانشگاه تهران	 فقه و حقوق اسلامی دانشگاه تهران	 حقوق دانشگاه تهران	 گفتارهای زیاده دانشگاه علوم قضایی
 علی محمدی زنجبیدی	 یونس حمایونی	 رادمن قهیمی	 محمدامین خاچی میرزایی	 صالح سید پورمحمد	 محمدسعید تنها	 محمدسعید تنها	 محمسن بوزویی	 فرهاد امیری قر
 مهدی‌مسکاتیک دانشگاه امیرکبیر	 جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد	 روانشناسی دانشگاه علم و فرهنگ	 حقوق دانشگاه علم و فرهنگ	 مدیریت بازرگانی دانشگاه علم و فرهنگ	 روابط عمومی دانشگاه علامه طباطبائی	 گردشگری دانشگاه علامه طباطبائی	 مدیریت دولتی دانشگاه علامه طباطبائی	 فلسفه دانشگاه شهید بهشتی
 کسری سلیمانی	 محمسن پورشی	 ایلیا بهزاد اول	 امیرعلی مرآت	 محمدحسین غفوریان	 سیدعلین حسینی	 محمسن ذاکری	 محمدپارسا فنیمی	 حسین سلطان‌پور



مدارس دخترانه مفید

دبستان

نشانی: خیابان شریعتی، بالاتر از دوراهی قلبک،
خیابان یخچال، نبش کی نژاد
تلفن: ۲۲۶۰۵۴۷۰-۲۲۶۴۱۹۳۶-۲۲۶۴۲۳۳۱



متوسطه دوره اول

نشانی: خیابان دولت، بلوار کاوه، خیابان اخلاقی
خیابان جهانتاب، کوچه هنگامه شرقی
تلفن: ۲۲۵۷۷۹۵۷-۲۲۵۷۷۹۵۸-۲۲۵۷۷۹۶۰

متوسطه دوره دوم

نشانی: خیابان دولت، بلوار کاوه، خیابان اخلاقی
خیابان جهانتاب، کوچه هنگامه شرقی
تلفن: ۲۲۵۷۷۹۵۷-۲۲۵۷۷۹۵۸-۲۲۵۷۷۹۶۰





آغاز به کار رسمی صندوق خیریه بورسیه تحصیلی شهدای مفید



این صندوق به لطف پروردگار با این هدف تاسیس شده است که:
همه دانش آموزانی که شرایط تحصیل در مفید را دارند صرفاً بخاطر شهریه محروم نشوند.

شرط پذیرش

شرط پذیرش فرهنگی همان شرایط عمومی است و شرط علمی فقط حدنصاب قبولی است همچون سایرین نه لزوماً کسب رتبه های بالا .

وام قرض الحسنه

این صندوق با هدف پشتیبانی از این دانش آموزان، تمام یا بخش عمده ای از شهریه دانش آموزان را بعنوان وام قرض الحسنه پرداخت می نماید و متقاضی متعهد می شود که پس از فازغ التحصیلی از شروع به اشتغال یا حدود ۲۲ سالگی باز پرداخت وام را بصورت بلند مدت انجام دهد.

تداوم پشتیبانی

پرداخت شهریه در تمام سال ها تا پایان مقطع، مستقل از شرایط تحصیلی دانش آموز، توسط صندوق ادامه می یابد و در صورت ورود به مقطع بعدی تا زمان فارغ التحصیلی تداوم خواهد داشت.

منبع مالی

منبع اصلی مالی صندوق کمک خیرین می باشد و مستقل از شهریه مدارس می باشد.



مجمع التعمیر اور موقوفات
شہر منصفیہ



دهه هشتادی‌ها یا نسل زد



نسل زد نسلی است که تمام عمر خود را با اینترنت و گوشی‌های هوشمند و بازی‌های رایانه‌ای گذرانده و همین دسترسی گسترده به فضای مجازی، او را با فرهنگ‌ها و دیدگاه‌های متفاوت مردم در کشورهای مختلف جهان آشنا و حس «شهروند جهانی بودن» را در او تقویت کرده است